

فصلنامه علمی تخصصی خانواده و سلامت جنسی

تازه‌های حوزه خانواده، زوج‌درمانی، تشخیص و درمان اختلالات جنسی، گزارش‌های موردی ویژه در سلامت جنسی

مجله علمی الکترونیک غیر برخط

مؤسسه آموزش عالی فاطمیه علیها السلام شیراز (غیر دولتی - غیر انتفاعی)

صاحب امتیاز	مؤسسه‌ی آموزش عالی فاطمیه <small>علیها السلام</small> شیراز
مدیر مسئول	دکتر کاظم خرم‌دل
سر دبیر	دکتر اوشا برهمند
مدیر داخلی	دکتر سعیده کلانتری
اعضای هیئت تحریریه	دکتر هادی بهرامی
	دکتر عباس ابوالقاسمی
	دکتر رحمت الله مرزوقی
	دکتر اوشا برهمند
	دکتر نجمه مهرلویی
	دکتر رسول حشمتی
	دکتر محبوبه البرزی
	دکتر مسعود فضیلت پور
	دکتر مهدی محمدی
	دکتر کاظم خرم دل
	دکتر اسماعیل کلانتری
	دکتر مسعود صادقی
	دکتر احمد کیانی
	دکتر مهدی ربیعی
	دکتر مجتبی مسعودی
حروف چینی، گرافیک و صفحه‌آرایی	سعیده کلانتری
ویراستار انگلیسی	دکتر علی درختکار
کارشناس اجرایی	سعیده کلانتری
ویراستار ادبی و فنی	زهرا اسدپور

نشانی دفتر مجله: دفتر مجله: شیراز، بلوار استقلال، حد فاصل چهارراه هنگ و بنفشه، کوچه ۲۹ استقلال،

مؤسسه آموزش عالی فاطمیه علیها السلام شیراز، دفتر مجلات

تلفن: ۰۷۱۳۳۳۵۱۴۸۸ و ۰۹۱۲۷۵۳۵۴۸۰

FPJOUR@GMAIL.COM

<http://fsh.fatemiyeahshiraz.ac.ir/>



مؤسسه آموزش عالی فاطمیه(س) شیراز
غیر دولتی - غیرانتفاعی

خانواده و سلامت جنسی

Family and Sexual Health Journal

Vol. 1, No. 1, Winter 2020

فصلنامه علمی - تخصصی، دوره اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۸

شاپا (ON LINE) ISSN

۸۵۴۶۸

شاپا الکترونیکی

۸۵۴۶۸

مجله «خانواده و سلامت جنسی» به عنوان اولین مجله علمی تخصصی ایران با رویکرد سلامت جنسی در حوزه مطالعات خانواده، به صاحب امتیازی مؤسسه آموزش عالی فاطمیه(س) شیراز در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۷ موفق به اخذ مجوز نشر به شماره ۸۵۴۶۸ از کمیسیون هیئت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گردیده است.

<http://fsh.fatemiye Shiraz.ac.ir/>

Family and Sexual Health Researches Journal
Vol. 1, No. 1, Winter 2020

راهنمای تهیه و تدوین مقالات

از مؤلفان گرامی تقاضا می‌شود، در ارسال مقالات به نکات زیر توجه فرمایند.

زبان رسمی مجله، فارسی است.

۱- مقالات باید پژوهشی و حاصل تحقیق نویسنده یا نویسندگان در زمینه محورهای مجله باشد و قبلاً چاپ نشده، یا به‌طور همزمان به مجلات دیگر ارسال نشده باشد.

۲- مقالات قابل چاپ در مجله به دو دسته تقسیم می‌شوند.

الف) مقالات کامل پژوهشی مقالات علمی پژوهشی با حداقل حجم ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ کلمه (یا معادل آن) (تعداد صفحات مقاله عدد زوج باشد).

ب) یادداشت‌های کوتاه پژوهشی مقالات علمی پژوهشی با حداکثر ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ کلمه (یا معادل آن) (تعداد صفحات مقاله عدد زوج باشد).

تبصره ۱: مقالات مروری (Review Article) از نویسندگان مجرب و صاحب مقالات پژوهشی در زمینه مورد بحث پذیرفته خواهد شد.

تبصره ۲: مقالات ترجمه پذیرفته نمی‌شود.

۳- مقالات ارسالی باید دارای بخش‌های ذیل باشند.

الف) نام نویسنده یا (نویسندگان) نام نویسنده عهده دار مکاتبات با ستاره مشخص شود؛ نام موسسه متناظر هریک از نویسندگان؛ نشانی کامل

نویسنده عهده دار مکاتبات شامل: نشانی پستی، شماره تلفن و فکس و پست الکترونیکی).

ب) عنوان کامل مقاله به فارسی؛ چکیده فارسی؛ کلیدواژگان فارسی؛ عنوان کامل مقاله به لاتین؛ نام و نشانی نگارندگان به زبان انگلیسی؛

چکیده لاتین؛ کلید واژگان لاتین.

ج) مقدمه، بدنه مقاله (شامل شرح مساله، روش حل، تفسیر، تحلیل نتایج)، نتیجه‌گیری، سپاس‌گزاری، فهرست مراجع

د) چکیده مقاله (Abstract) حاوی حداکثر یک صفحه و حداقل ۵۰۰ کلمه ارائه شود.

۴- اصطلاحات خارجی با معادلی دقیق و رسا در زبان فارسی و عبارات اختصاری به کار رفته در متن به زیرنویس ارجاع شود.

۵- (اختیاری) محل ارجاع عکس‌ها و جدول‌ها، شکل‌ها و نمودارها به‌طور دقیق ضمن رعایت ترتیب آن‌ها در متن معین شد ارسال اصل

جدول‌ها و شکل‌ها با کیفیت ۳۰۰ dpi در محیط اکسل ضروری است. در جدول‌ها و شکل‌ها، عناوین فارسی در بالا و عناوین انگلیسی در

زیر آن‌ها قرار گیرد. در شکل‌ها و جدول‌ها از خطوط افقی و عمودی (grid) استفاده نشود. جدول‌ها و شکل‌ها بدون کادر و شکل‌ها فقط با

محور عمودی و افقی باشد.

۶- تعیین محل دقیق مراجع در متن و فهرست نمودن مراجع به ترتیب ظهور در متن مقاله ضروری است. عنوان قسمت مراجع به انگلیسی

(References) نیز نوشته شود.

۷- شیوه نگارش مشخصات مراجع به صورت APA (انجمن روانشناسی آمریکا) به شرح زیر است:

الف) داخل متنی: (نام خانوادگی، سال)

خارج متنی:

ب) کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال)، نام کتاب (ویرایش اول)، محل نشر: نام ناشر.

ج) مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال)، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره (جلد)، سال انتشار، شماره صفحات.

۸- مقالات باید با فاصله میان سطور single، با قلم B Lotus نازک ۱۲ تحت نرم افزار Word 2007 در یک ستون تایپ، و نویسنده

مقاله پس از ثبت نام در سامانه نشریات سایت مؤسسه آموزش عالی فاطمیه ع شیراز، به آدرس ذیل مراجعه و کلیه مراحل ثبت و ارسال

مقاله را سپری و با حفظ کد مقاله خود برای پیگیری‌های بعدی، از طریق سامانه نشریات و یا ایمیل اقدام نمایند.

۹- مقالات برگرفته از پایان‌نامه و رساله دانشجویان دکتری با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجو به‌صورت توأم منتشر می‌شود لذا استاد

راهنما عهده‌دار مسئولیت و مولف رابط خواهند بود.

۱۰- مسئولیت صحت و سقم مطالب بر عهده نویسنده (نویسندگان) خواهد بود.

۱۱- مجله علمی تخصصی حق رد یا قبول مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد.

فهرست

کفایت روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس طرحواره جنسی زنان

ژاله رفاهی، نصیر داستان*، مریم بهنام ۷

نقش پابندی به سبک زندگی اسلامی، نگرش به خیانت و نیاز به صمیمیت در پیش‌بینی تعهد زناشویی

نظام‌الدین قاسمی*، محمد حسین زارعی، مائده آیتی، بهناز ارتضایی ۲۱

ارائه الگوی مفهومی عفاف جنسی مبتنی بر آیات قرآن کریم (پژوهشی کیفی)

محمد سعید کرمی ۳۳

پیش‌بینی رضایت مندی از ازدواج بر مبنای تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین

در زوجین

احمد رضا کیانی*، محمود محمدی رازی ۵۱

پیش‌بینی رضایت زناشویی مردان و زنان بر اساس متغیرهای انگیزه‌های استقبالی، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکارانه

توفیق البوغیث*، رضا خجسته‌مهر، ذبیح‌الله عباسپور ۶۳

طرحواره‌های جنسی و بهزیستی روان‌شناختی در زنان متأهل: بررسی نقش واسطه‌ای کارکرد جنسی

رضا چالمه*، فاطمه عبدالمهی ۷۵

کفایت روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس طرحواره جنسی زنان

ژاله رفاهی^۱، نصیر داستان^{۲*}، مریم بهنام^۳

۱- گروه مشاوره، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

zhalehrefahi210@gmail.com

۲- عضو هیات علمی گروه روان‌شناسی موسسه آموزش عالی فاطمیه (عج) شیراز، (نویسنده مسئول)

Nasir.dasatan88@gmail.com

۳- کارشناس ارشد مشاوره خانواده

Maryam.behnam@yahoo.com

تاریخ پذیرش: [۹۸/۹/۲۳]

تاریخ دریافت: [۹۸/۱/۲۴]

چکیده

طرحواره جنسی بخشی از مفهوم خود است که به نظر می‌رسد برای روابط جنسی درون فردی و بین فردی بسیار مهم است. این پژوهش با هدف بررسی کفایت روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه طرحواره جنسی زنان در جامعه ایرانی انجام شد. با استفاده شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۳۶۰ زن متاهل از شهر شیراز انتخاب شدند. عوامل استخراج شده از این مقیاس در این بررسی در مقایسه با عوامل موجود در فرم اصلی مقیاس طرحواره جنسی زنان یکسان نبود. مقیاس طرحواره جنسی زنان در جامعه ایرانی شامل چهار عامل به ترتیب گشوده فکر-صریح، پرشور-عاشقانه، جذاب، و خجالتی-محیط نامیده شدند. همچنین نتیجه بررسی روایی مقیاس زنان از طریق ضرایب همبستگی خرده مقیاس‌ها با نمره کل مطلوب گزارش گردید. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که نسخه فارسی مقیاس‌های طرحواره جنسی زنان از پایایی قابل قبولی برخوردار است. روان‌شناسان بالینی و مشاوران خانواده، می‌توانند از این مقیاس برای شناسایی طرحواره‌های جنسی زنان در فعالیتهای پژوهشی و درمانی در محیط‌های بالینی و مراکز مشاوره بهره‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: روان‌سنجی، طرحواره جنسی، زنان، تحلیل عامل اکتشافی

مقدمه

دیدگاه سنتی روان‌شناسان این بود که مردانگی و زنانگی در دو سوی مخالف یک طیف خاص قرار دارند. یعنی این که یک پیوستار یک‌بعدی دوقطبی، تغییرات مردانگی و زنانگی را توصیف می‌کند. این دیدگاه براساس کلیشه‌های مسلط رایج فرهنگی شکل گرفته است که الگوهای رفتاری زنانه و مردانه را از پیش تعیین شده می‌داند (برگن^۱، ۲۰۰۹). مهم‌ترین مفهومی که الگوهای رفتاری مردانه و

زنانه را تبیین می‌کند، هویت جنسی است. نقش جنسیتی اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عنصر هویت جنسی است (وود‌هیل^۱ و ساموئلز^۲، ۲۰۰۴). هویت جنسی بخش قابل ملاحظه‌ای از هویت هر انسان را تشکیل می‌دهد و در بردارنده تصویر جنسی است که هر فرد به‌عنوان یک مرد یا زن از خود دارد. فرد می‌آموزد از آن حیث که مرد یا زن آفریده شده است باید به شیوه‌ای خاص از لحاظ جنسی بیندیشد، رفتار کند و احساس نماید (یوربرگ^۳، ۲۰۰۱؛ کرافورد^۴ و اونگر^۵، ۲۰۰۴). هسته و مرکز هویت جنسی هر فرد، طرحواره جنسیتی وی است. (بم^۶، ۱۹۸۱) نظریه طرحواره جنسی^۷ را تدوین کرده است. طرحواره، مفهومی در روان‌شناسی شناختی است که به بررسی این نکته می‌پردازد که افراد چگونه می‌اندیشند، چگونه ادراک و پردازش می‌کنند و چگونه اطلاعات را به یاد می‌آورند. طرحواره جنسی مجموعه‌ای از تداعی‌های مرتبط با جنسیت است که پردازش اطلاعات را بر اساس جنسیت نشان می‌دهد. به عقیده بم، افراد تاحدی طرحواره‌های جنسیتی مختلف دارند و این تغییر محتوی شاید نتیجه انواع اطلاعاتی است که فرد در خانواده و فرهنگ و جامعه در رابطه با جنسیت در سراسر دوران زندگی خود با آن مواجه شده است (به نقل از بارنر^۸، ۲۰۰۳). اندرسون^۹ و سیرانووسکی^{۱۰}، (۱۹۹۴) طرحواره جنسی را به‌عنوان تعمیم شناختی ابعاد جنسی فرد تعریف کرده‌اند. طرحواره‌های جنسی باورهایی هستند که میزان برخورداری فرد از ویژگی‌های مرتبط با «یک زن جنسی» را در فرهنگ غرب نشان می‌دهد (اندرسون و سیرانووسکی، ۱۹۹۴). آنها اظهار کرده‌اند که این طرحواره‌ها از تجارب قبلی فردی نشأت گرفته و طیف وسیعی از ابعاد جنسی از جمله؛ گرایش‌های جنسی، رفتارهای جنسی و بازنمایی شناختی هویت جنسی فرد را در بر می‌گیرند. طرحواره نقش جنسیتی در دختران از سنین پایین شکل می‌گیرد و زنان به‌طور نافع برای سرنوشت جنسیتی خود برنامه‌ریزی می‌شوند (خمسه‌ای، ۱۳۸۴). از آنجایی که تصور فرد از خودش بر نحوه رفتار وی تأثیر می‌گذارد، گمان می‌رود که طرحواره‌های جنسی بر فرایند پردازش اطلاعات جنسی و همچنین هدایت رفتار جنسی تأثیر بگذارند. این نکته بسیار حائز اهمیت است که هیچ کدام از زیرمقیاس‌های آندرسون و سیرانووسکی به‌طور مستقیم به رفتار، نگرش، و یا تجربه جنسی اشاره نمی‌کند؛ بلکه به کیفیت‌های فردی اشاره دارد که ممکن است زنان را قادر سازد تا برخی رفتارها و روابط خاص را تجربه کنند (دوناگو^{۱۱}، ۲۰۰۹). گرچه مقیاس طرحواره جنسی به‌طور مستقیم، نگرش‌ها و رفتار جنسی را اندازه‌گیری نمی‌کند، اما نشان داده شده است که با تجارب جنسی، درگیری روماتیک، دلبستگی عاطفی، تعداد شرکاء جنسی، لذت از مواجهه جنسی، و تجربه فعالیت‌های جنسی مختلف در ارتباط است (اندرسون و سیرانووسکی، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۸؛ کش^{۱۲} و هماران، ۲۰۰۴). این طرحواره‌ها مرتبط با باورهایی در زنان است که می‌توانند از روابط خصوصی خود لذت ببرند (دوناگو، ۲۰۰۹؛ خمسه‌ای، ۱۳۸۵). (اسمیت^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۰) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که طرحواره‌های جنسی، روابط روماتیک نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تجارب نشان داده است که دانش و آگاهی نسبت به مسایل جنسی زندگی را تغییر می‌دهد و اغلب آن را بهتر می‌کند (وستیمر^{۱۴}، ۲۰۰۵، به نقل از یوسفی، ۱۳۸۴). (دوناگو، ۲۰۰۹) دریافت که طرحواره‌های جنسی می‌توانند پیشبینی‌کننده رضایت از زندگی و تجربه هیجانات مثبت و یا منفی در زندگی فرد شوند؛ بنابراین عواطف مثبت و یا منفی زنان می‌تواند تاحدودی تحت تأثیر طرحواره‌های جنسی آنها باشد. همچنین بلین^{۱۵} و همکاران، (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که طرحواره-

1. Woodhill
2. Samuels
3. Yorburg
4. Crawford
5. Unger
6. Bem
- 7 - sexuality schema
8. Barner
9. Andersen
10. Cyranowski
11. Donaghue
12. Cash
13. Smith
- 14 - Westheimer
15. Blain

های جنسی مثبت (جذاب-رمانتیک؛ و صریح-راحت) با نگرش، شادکامی، و عاطفه مثبت ارتباط دارد، اما طرحواره منفی (خجالتی-محتاط) با عواطف و نگرش‌های منفی در ارتباط است.

در طول چند دهه گذشته روان‌شناسان سعی کرده‌اند پرسشنامه‌هایی بسازند تا بتوانند طرحواره‌های جنسی زنان و مردان را مورد بررسی قرار دهند. اندرسن و سیرانووسکی (۱۹۹۴) مفهوم طرح جنسی را به‌عنوان دیدگاه فردی شخص ارائه می‌دهند و آنرا مختص تمایلات جنسی می‌دانند. مقیاس طرحواره جنسی زنان توسط اندرسن و سیرانووسکی (۱۹۹۴) ساخته شده است. پایایی و روایی مقیاس مذکور نیز توسط سازندگان به دست آمده است و دارای ۲۶ ماده اصلی و سه زیر مقیاس پرشور-عاشقانه^۱، گشوده فکر-صریح^۲ و خجالتی-محتاط^۳ است. زیرمقیاس پرشور-عاشقانه به میزان تجربه هیجان‌ات مثبت در روابط جنسی و رمانتیک اشاره دارد؛ زیرمقیاس گشوده فکر-صریح به راحتی و گشودگی فرد جهت مواجهه با تجارب جدید اشاره دارد؛ زیرمقیاس خجالتی-محتاط منعکس کننده احساسات منفی درباره روابط جنسی و فقدان اعتماد به نفس در مواجهه با تجارب جدید است (اندرسون و سیرانووسکی، ۱۹۹۴). مطالعات قبلی که توسط اندرسون و سیرانووسکی و سپس هیل^۴ (۲۰۰۷) انجام شده است، دو روش مشخص را برای بررسی و فهم طرحواره‌های جنسی مطرح کرده است. در مدل اول دو نوع طرحواره مثبت و منفی به صورت مجزا در نظر گرفته شده است و در مدل هیل طرحواره‌ها بصورت طیف بالا و پایین مشخص شده‌اند. در سال‌های گذشته ابزار اندرسون و سیرانووسکی در جوامع مختلف هنجاریابی و مورد استفاده قرار گرفته است. مقیاس طرحواره‌های جنسی در زنان لهستانی اعتباریابی شده و در مقایسه با جامعه امریکایی در چهار عامل ندی شده است (نوسیلسکی^۵، ۲۰۱۸). همچنین این مقیاس در زنان استرالیایی در پنج عامل توصیف شده است (وایلی^۶، کارلسون^۷ و روزنبرگر^۸ و همکاران، ۲۰۱۵). باتوجه به این که این مقیاس طرحواره‌های جنسی یک زن غربی را نشان می‌دهد (اندرسون و سیرانووسکی، ۱۹۹۴) و باتوجه به در دسترس نبودن مقیاس رفتاری مناسب برای طرحواره‌های جنسی زنان در ایران، ضرورت بررسی پایایی و روایی این مقیاس جهت تناسب با فرهنگ جامعه ما احساس می‌شود. با تهیه ابزاری دارای روایی و پایایی مناسب برای ارزیابی طرحواره‌های جنسی زنان در کشور، زمینه برای انجام پژوهش‌های مفصل‌تر آماده می‌شود. لذا پژوهش حاضر به بررسی ساختار عاملی، روایی، و پایایی نسخه فارسی مقیاس طرحواره جنسی زنان ساخته شده توسط اندرسن و سیرانووسکی (۱۹۹۴) می‌پردازد. سوالات این پژوهش عبارتند از: ۱- آیا مقیاس طرحواره جنسی زنان از روایی مطلوب در جامعه ایرانی برخوردار است؟ آیا مقیاس طرحواره جنسی زنان از پایایی مطلوب در جامعه ایرانی برخوردار است؟

روش

این بررسی از نوع همبستگی^۹ و تحلیل ماتریس واریانس-کوواریانس^{۱۰} از نوع تحلیل عاملی^{۱۱} با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^{۱۲} است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان متأهل شهر شیراز در سال ۱۳۹۸ می‌باشد. نمونه آماری متشکل از ۳۶۰ زن متأهل بود که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردید. شیوه انتخاب نمونه به این صورت بود که از بین نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز، نواحی یک و دو به صورت تصادفی انتخاب شدند و از این دو ناحیه تعداد ۱۵ مدرسه ابتدایی به صورت تصادفی انتخاب گردیدند و از مدارس ابتدایی انتخاب شده مادران دانش‌آموزان پس از یک مصاحبه کوتاه که در جهت رعایت ملاحظات

1 . passionate-romantic

2 . open-direct

3 .embarrassed-conservative

4 Hill

5 . Nowosielski

6 Wyllie

7 Carlson

8 Rosenberger

9 .correlation

10 .variance-covariance matrix

11 .factor analysis

12 .principle component analysis

اخلاقی از قبیل رازداری و کسب رضایت شرکت کننده بود، به ماده‌های مقیاس طرحواره جنسی زنان^۱ پاسخ دادند. مقیاس طرحواره جنسی زنان (اندرسن و سیرانوسکی، ۱۹۹۴) از ۵۰ گویه تشکیل شده است. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای (از اصلاً = ۰ تا خیلی زیاد = ۶) مشخص سازد که هر یک از این صفات تا چه حد وی را توصیف می‌کند و در شخصیت او نمود دارد. از آنجایی که افراد به طور آزادانه در مورد مسائل جنسی خود صحبت نمی‌کنند، ۲۴ صفت به‌عنوان، ماده‌هایی پرکننده در این آزمون به-کار رفته‌اند تا ماهیت و ویژگی اصلی مورد ارزیابی از دید آزمودنی‌ها پنهان بماند. این آزمون دارای ۲۶ ماده اصلی و سه زیر مقیاس پرشور-عاشقانه^۲، گشوده فکر-صریح^۳ و خجالتی-محتاط^۴ است. شیوه نمره‌گذاری طرحواره جنسی زنان به این صورت است که ۲۶ عبارت مقیاس طرحواره جنسی زنان با حروف ضخیم^۵ مشخص شده است. ۲۴ عبارت دیگر، عبارات پرکننده هستند که به‌منظور پنهان کردن ماهیت واقعی و ویژگی مورد ارزیابی، از آنها استفاده شده است. عبارات مربوط به زیر مقیاس جذاب-عاشقانه شامل ۵۰، ۴۸، ۴۵، ۴۴، ۳۹، ۳۷، ۳۵، ۲۰، ۱۱، ۵، زیرمقیاس گشوده فکر-صریح شامل ۳۲، ۲۵، ۲۴، ۱۸، ۱۶، ۱۳، ۹، ۶، ۲ و زیرمقیاس خجالتی-محتاط شامل ۴۱، ۳۸، ۳۱، ۲۸، ۲۲، ۸، ۳ بود. همچنین تنها عبارت معکوس مورد شماره ۴۵ بود.

ضریب آلفای کرونباخ نیز توسط اندرسن و سیرانوسکی (۱۹۹۴) به دست آمده که زیرمقیاس پرشور-عاشقانه = ۰/۸۱، گشوده فکر-صریح = ۰/۷۷، خجالتی-محتاط = ۰/۶۶ و ضریب آلفای کل مقیاس = ۰/۸۲ گزارش شده است. پایایی بازآزمایی کل مقیاس نیز در فاصله زمانی ۹ هفته ۰/۸۸ بوده است. بنابراین مقیاس طرح واره جنسی زنان از پایایی مطلوبی برخوردار است. نتایج پژوهش تحلیل محتوای مقیاس توسط سازندگان مقیاس نشان داده است که این آزمون سازه طرحواره جنسی زنان (دیدگاه شناختی درباره خود جنسی) که از ۳ عامل: پرشور-عاشقانه، گشوده فکر-صریح، خجالتی-محتاط را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، به روایی سازه این مقیاس پی برده می‌شود. با توجه به همبستگی معنادار بین نمرات مقیاس طرحواره جنسی زنان با مقیاس‌های ارزیابی نگرش و رفتارهای جنسی، روایی همگرایی این آزمون اثبات شده است. روایی ابزار پژوهش در ایران توسط محقق، پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری آنها و استخراج داده‌ها با استفاده از روش تحلیل گویه‌ها و محاسبه ضرایب همبستگی بین نمره کل هر بعد با نمرات همان بعد روایی عبارات تعیین گردیده است. همچنین از روش تحلیل عوامل نیز به‌منظور تعیین روایی ساختار عاملی استفاده گردیده و پایایی مقیاس زنان نیز از طریق محاسبه آلفای کرونباخ به دست آمد که نتایج به طور کامل در بخش یافته‌ها ذکر شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، روش‌های آمار توصیفی میانگین، انحراف معیار و در آمار استنباطی از تحلیل عاملی و شاخص KMO و آزمون کرویت بارتلت و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS 20 و LISREL 8.80 انجام شده است.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره برای متغیرهای سن، و تعداد فرزندان در زنان را نشان می‌دهد.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد، حداقل، و حداکثر نمره برای متغیرهای سن و تعداد فرزندان

متغیر	X	SD	Min	Max
سن	۳۱/۵۱	۹/۰۶	۱۷	۵۶
تعداد فرزندان	۱/۰۴	۰/۹۱	۰	۴

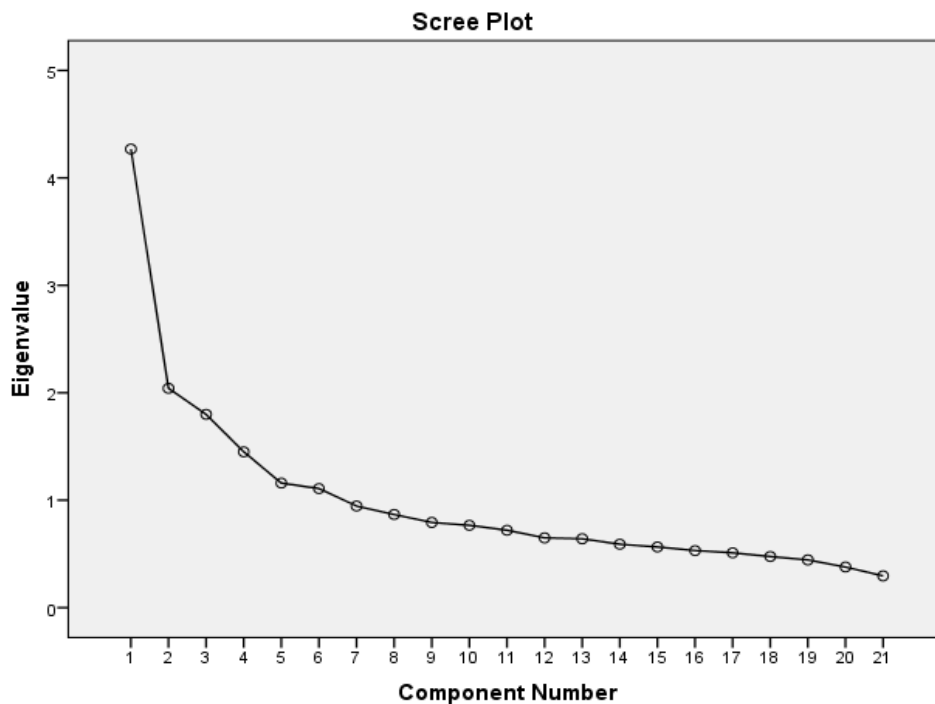
1. women 's sexual self- schema
2. Passionate-Romantic
3. Open-Direct
4. Embarrassed-Conservation
5. bold

مطابق با نتایج موجود در جدول، میانگین سنی زنان مورد مطالعه، ۳۱/۵۲ سال بوده است. همچنین میانگین تعداد فرزندان، ۱/۰۴ بوده است. حداقل سن پاسخگویان زن، ۱۷ و حداکثر سن، ۵۶ سال است.

به منظور بررسی روایی و پایایی مقیاس‌های طرحواره جنسی زنان از روش‌های مختلفی استفاده گردید. برای بررسی روایی مقیاس‌ها، ابتدا ساختار عاملی آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بررسی گردید. سپس الگوی حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بررسی و میزان برازش الگو، با الگوی موجود در نسخه اصلی مقیاس، مقایسه گردید. در ادامه به منظور بررسی روایی افتراقی (همگرا و واگرا)، همبستگی نمرات پاسخگویان در مقیاس طرحواره جنسی با نمرات مقیاس طرحواره نقش جنسی بم (۱۹۷۴) محاسبه گردید. علاوه بر این رابطه بین ابعاد مقیاس طرحواره جنسی با متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. سرانجام برای بررسی پایایی مقیاس، از روش‌های همسانی درونی (آلفای کرونباخ) و بازآزمایی^۱ استفاده گردید.

سوال اول: آیا مقیاس طرحواره جنسی زنان از روایی مطلوب برخوردار است؟

بدین منظور ابتدا ساختار عاملی مقیاس طرحواره جنسی زنان، با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی که به روش مؤلفه‌های اصلی و با چرخش واریماکس انجام گردید، حاکی از آن بود که یک ساختار چهار عاملی روش مناسبی برای توصیف گویه‌های مقیاس است. این چهار عامل بر روی هم ۴۵/۵۲ درصد از واریانس مقیاس را تبیین می‌کردند. شکل ۱، نمودار اسکری تحلیل عاملی مقیاس طرحواره جنسی زنان را نشان می‌دهد.



شکل ۱: نمودار اسکری مقیاس طرحواره جنسی زنان

بر اساس محتوای گویه‌ها، چهار عامل گشوده فکر - صریح، پرشور - عاشقانه و خجالتی - محتاط و یک عامل بیشتر بدست آمد که جذاب نامیده شد. گفتنی است در مجموع ۵ گویه (۲۴، ۳۱، ۳۸، ۴۱ و ۴۵) به دلیل بار عاملی نامناسب از مقیاس حذف شدند. ملاک حذف گویه‌ها، بار عاملی کمتر از ۰/۴ و یا وجود بار عاملی بالای ۰/۳ بر روی بیش از یک عامل بود. جدول ۲ نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس طرحواره جنسی زنان را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس طرحواره‌ی جنسی زنان

۱- گشوده فکر - صریح		۲- پرشور- عاشقانه		۳- جذاب		۳- خجالتی - محتاط	
گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی
۲- جسور	۰/۵۹	۵- با محبت	۰/۵۶	۱۱- تحریک کننده	۰/۶۸	۳- محتاط	۰/۷۱
۶- روشن فکر	۰/۶۰	۲۵- خودمانی	۰/۵۵	۲۰- تحریک پذیر	۰/۶۲	۸- کم رو	۰/۵۵
۹- رک	۰/۶۵	۳۵- عاشقانه	۰/۶۴	۳۹- پر شور	۰/۶۷	۲۸- محافظه کار	۰/۷۷
۱۳- با تجربه	۰/۴۴	۳۷- همدل	۰/۶۳	۴۸- افشاگر	۰/۵۶		
۱۶- صریح	۰/۶۴	۴۴- گرم	۰/۶۰				
۱۸- گشوده فکر	۰/۵۹	۵۰- حسی	۰/۶۵				
۲۲- خودآگاه	۰/۴۵						
۳۲- رو راست	۰/۴۹						
ارزش ویژه	۲/۹۳		۰/۸۸		۲/۰۳		۱/۷۲
درصد کل واریانس	۱۳/۹۶		۱۳/۶۷		۹/۶۵		۸/۲۱

گفتنی است مقدار آزمون کایزر-مایر-اولکین برای بررسی کفایت نمونه‌گیری محتوایی برابر با ۰/۷۷ و مقدار آزمون کرویت بارتلت ($\chi^2 = 1636/95$) برای معنی‌داری ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بود.

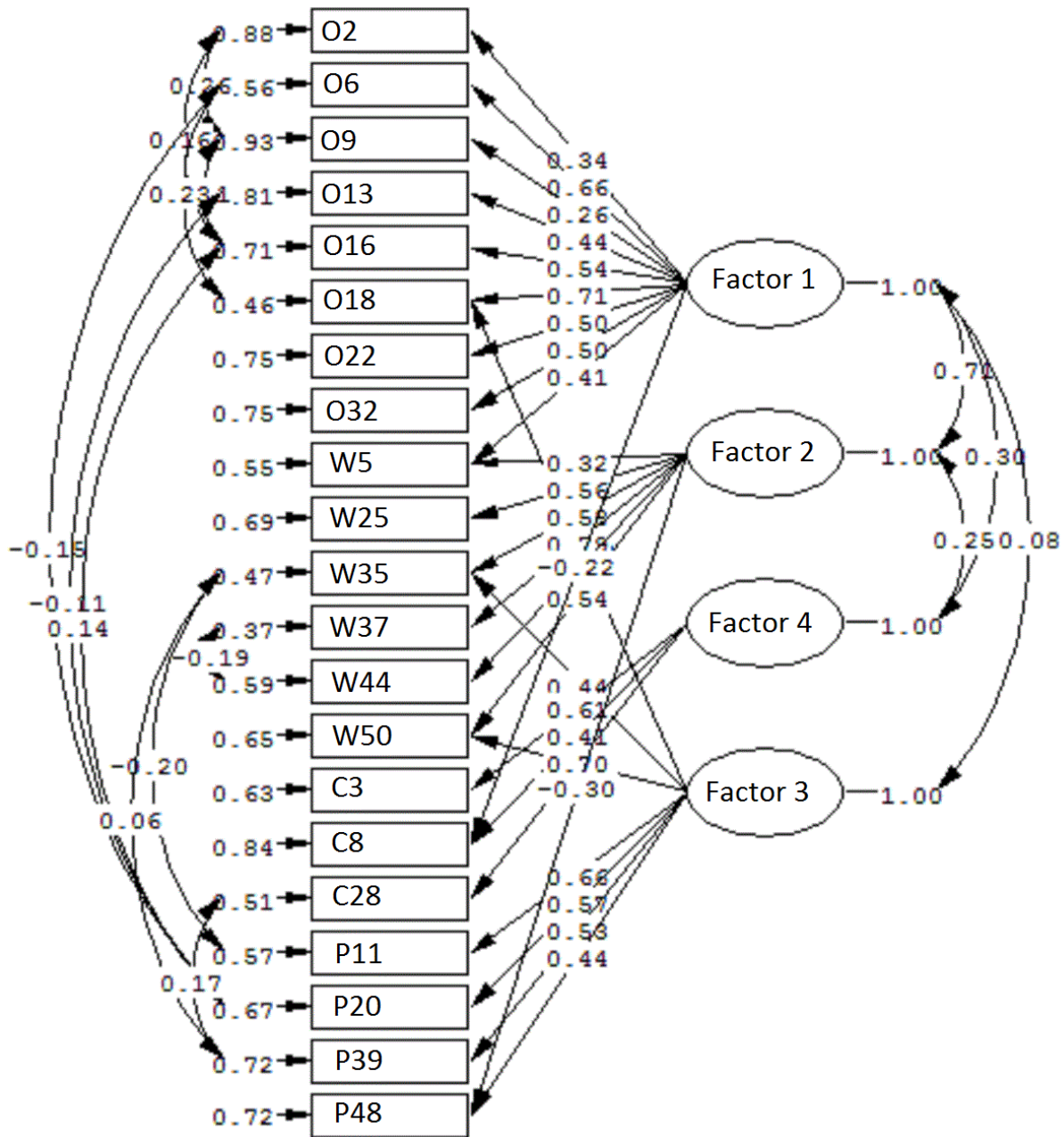
با توجه به اینکه الگوی حاصل از تحلیل عاملی، با الگوی اصلی معرفی شده در پرسشنامه طرحواره جنسی زنان (اندرسون و سیرانوسکی، ۱۹۹۴) متفاوت بود، به تحلیل عاملی تأییدی مقیاس اقدام گردید. هدف از تحلیل‌های انجام شده این بود که معلوم شود کدام یک از الگوهای موجود (الگوی اصلی و الگوی حاصل از تحلیل عاملی) با داده‌های حاصل از نمونه ایرانی مطابقت بیشتری دارد. بدین منظور ابتدا الگوی پیشنهادی اندرسون و سیرانوسکی (۱۹۹۴) از طریق تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. سپس الگوی حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی از طریق تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد و میزان برازش هر یک از الگوها با یکدیگر مقایسه گردید. سرانجام با اعمال برخی اصلاحات سعی گردید میزان برازش الگوی جدید، بهبود یافته و به شاخص‌های مورد قبول، نزدیک شود. جدول ۶ شاخص‌های برازش الگوی اصلی (بدون اصلاح)، الگوی جدید (بدون اصلاح) و الگوی جدید (با اصلاح) را نشان می‌دهد.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مربوط به تحلیل عاملی تأییدی مقیاس طرحواره‌ی جنسی زنان

الگو	χ^2	df	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI
الگوی اصلی (بدون اصلاح)	۱۶۹۲/۳۷	۲۹۶	۵/۷۲	۰/۱۱	۰/۷۳	۰/۶۸
الگوی جدید (بدون اصلاح)	۷۷۳/۷	۱۸۳	۴/۲۳	۰/۱	۰/۸۳	۰/۷۸
الگوی جدید (با اصلاح)	۳۷۷/۷۴	۱۶۸	۲/۲۴	۰/۰۶	۰/۹۱	۰/۸۷

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد، حاصل تقسیم کای دو بر درجه‌ی آزادی و سایر شاخص‌های برازش، در الگوی جدید بدون انجام هیچگونه اصلاحی، در مقایسه با الگوی اصلی مقیاس بهبود یافته‌اند. با انجام برخی اصلاحات (آزاد کردن مسیر بعد گشوده فکر- صریح و گویه ۵، بعد پرشور- عاشقانه و گویه ۴۸ و بعد جذاب و گویه‌های ۱۸ و ۳۵ و آزاد کردن برخی مسیرهای بین گویه‌ها) برازش الگوی جدید، به میزان قابل قبول رسید (حاصل تقسیم کای دو بر درجه‌ی آزادی نزدیک به ۲؛ RMSEA زیر ۰/۱ و GFI بالای ۰/۹). بنابراین تحلیل‌های انجام شده نشان داد که الگوی به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی (به ویژه پس از انجام

اقدامات اصلاحی) در مقایسه با الگوی پیشنهاد شده توسط نسخه اصلی مقیاس، در نمونه مورد بررسی، از برازش بیشتری برخوردار است. شکل ۲ نمودار تحلیل عاملی تأییدی الگوی اصلاح شده برای مقیاس طرحواره جنسی زنان را نشان می‌دهد.



شکل ۲: نمودار تحلیل عاملی تأییدی الگوی اصلاح شده برای مقیاس طرحواره جنسی زنان

روایی افتراقی مقیاس طرحواره جنسی زنان

در ادامه به منظور بررسی روایی افتراقی (همگرا و واگرا) مقیاس طرحواره جنسی زنان، ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد حاصل از تحلیل عاملی و نمرات حاصل از پرسشنامه نقش‌های جنسیتی بوم (۱۹۷۴) محاسبه گردید. جدول ۷ ماتریس همبستگی متغیرهای ذکر شده را نشان می‌دهد.

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد مقیاس زنان و پرسشنامه‌ی نقش‌های جنسیتی بم

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- گشوده فکر - صریح	۱					
۲- پرشور - عاشقانه	۰/۴۷**	۱				
۳- جذاب	۰/۰۶	۰/۰۹	۱			
۴- خجالتی - محتاط	۰/۰۵	۰/۱۱*	۰/۰۲	۱		
۵- مردانگی	۰/۵۰**	۰/۳۳**	۰/۳۸**	-۰/۱۹*	۱	
۶- زنانگی	۰/۲۹**	۰/۵۰**	۰/۱۷*	۰/۲۷**	۰/۳۹**	۱

* P < 0/05

** P < 0/01

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد، بعد گشوده فکر- صریح با مردانگی و زنانگی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد و رابطه آن با مردانگی قویتر است. بعد پرشور- عاشقانه نیز با مردانگی و زنانگی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد و رابطه آن با زنانگی قویتر است. بعد جذاب نیز با هر دو بعد زنانگی و مردانگی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد و رابطه آن با مردانگی قویتر است. بعد خوددار-محتاط با مردانگی رابطه منفی و با زنانگی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. علاوه بر این رابطه برخی متغیرهای زمینه‌ای نظیر سن، مدت زمان ازدواج، تعداد فرزندان و میزان تحصیلات با ابعاد مقیاس طرحواره جنسی زنان مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۸ ماتریس همبستگی متغیرهای ذکر شده را نشان می‌دهد.

جدول ۵: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای زمینه‌ای و ابعاد مقیاس زنان

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱- سن	۱								
۲- میزان تحصیلات	۰/۱۴**	۱							
۳- مدت زمان ازدواج	۰/۷۴**	-۰/۰۹	۱						
۴- میزان درآمد	۰/۲۵**	۰/۳۰**	۰/۱۸**	۱					
۵- تعداد فرزندان	۰/۵۹**	-۰/۰۶	۰/۶۵**	۰/۰۷	۱				
۶- گشوده فکر - صریح	-۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۹	-۰/۰۴	۱			
۷- پرشور - عاشقانه	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۰۵	۰/۰۰۲	۰/۱۴	۰/۴۷**	۱		
۸- جذاب	-۰/۱۵**	۰/۰۳	-۰/۲۲**	-۰/۰۴	-۰/۲۶**	۰/۰۶	۰/۰۹	۱	
۹- خجالتی - محتاط	-۰/۰۱	-۰/۰۵	۰/۰۱	-۰/۰۸	-۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۱۱*	۰/۰۲	۱

* P < 0/05

** P < 0/01

همانگونه که در جدول ۵ مشاهده می‌گردد، سن، مدت زمان ازدواج و تعداد فرزندان با بعد جذاب رابطه‌ی منفی معنی‌داری داشت. به عبارت دیگر افزایش در متغیرهای ذکر شده، با کاهش در نمرات بعد جذاب همراه بود.

سوال دوم: آیا مقیاس طرحواره جنسی زنان از پایایی مطلوب برخوردار است؟

به منظور بررسی پایایی مقیاس طرحواره جنسی زنان، از روش‌های همسانی درونی و بازآزمایی استفاده شد. برای بررسی میزان همسانی درونی مقیاس، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج این تحلیل‌ها مطابق با جدول ۶ حاکی از آن بود که ابعاد گشوده

فکر - صریح و پرشور - عاشقانه از پایایی قابل قبولی برخوردارند. ابعاد جذاب و خود دار - محافظه کار نیز به رغم تعداد کم گویه‌ها، از پایایی متوسطی برخوردار بودند.

جدول ۶: ضرائب آلفای کرونباخ برای ابعاد مقیاس طرحواره‌ی جنسی زنان

ابعاد مقیاس طرحواره‌ی جنسی	ضریب آلفا	تعداد سؤالات	تعداد آزمودنیها
گشوده فکر - صریح	۰/۷۳	۸	۳۶۰
پرشور - عاشقانه	۰/۷۳	۶	۳۶۰
جذاب	۰/۵۶	۴	۳۶۰
خجالتی - محتاط	۰/۵۲	۳	۳۵۹

برای محاسبه پایایی به روش بازآزمایی نیز نتایج دو بار اجرای مقیاس بر روی نمونه‌ای ۱۳۳ نفره و با فاصله زمانی یک هفته، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۷ ضریب همبستگی پیرسون بین دو بار اجرای مقیاس را برای ابعاد حاصل از تحلیل عاملی نشان می‌دهد. نتایج این تحلیل‌ها حاکی از آن بود که ابعاد مقیاس طرحواره جنسی، از پایایی بازآزمایی قابل قبولی برخوردارند.

جدول ۷: ضرائب پایایی به روش بازآزمایی برای ابعاد مقیاس طرحواره‌ی جنسی زنان

	R	N	P
گشوده فکر - صریح	۰/۹۱	۱۳۳	۰/۰۰۰۱
پرشور - عاشقانه	۰/۷۲	۱۳۳	۰/۰۰۰۱
جذاب	۰/۸۱	۱۳۳	۰/۰۰۰۱
خجالتی - محتاط	۰/۷۶	۱۳۳	۰/۰۰۰۱

پس از واریانس‌روایی و پایایی، شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر) برای ابعاد مقیاس طرحواره جنسی زنان محاسبه گردید. از آنجا که تعداد گویه‌های ابعاد با یکدیگر متفاوت بودند، ابتدا نمره هر بعد بر تعداد گویه‌های آن بعد تقسیم شد تا میانگین ابعاد با یکدیگر قابل مقایسه شوند. جدول ۸ شاخص‌های آمار توصیفی برای ابعاد مقیاس طرحواره جنسی زنان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، پاسخگویان، بیشترین میانگین را به ترتیب در ابعاد پرشور-عاشقانه، گشوده فکر-صریح، خوددار-محتاط و جذاب کسب کرده‌اند.

جدول ۸: شاخص‌های آمار توصیفی برای ابعاد مقیاس طرحواره‌ی جنسی زنان

متغیر	\bar{x}	SD	N of items	Min	Max
گشوده فکر - صریح	۴/۰۲	۰/۸۰	۸	۱/۲۵	۶
پرشور - عاشقانه	۴/۵۲	۰/۹۵	۶	۱	۶
جذاب	۲/۷۴	۱/۱۶	۴	۰	۵/۷۵
خجالتی - محتاط	۳/۳۷	۱/۰۷	۳	۰/۳۳	۶

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی کفایت روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه طرحواره جنسی زنان در جامعه ایرانی (شهر شیراز) بوده است. برای رسیدن به هدف مزبور دو سؤال به ترتیب زیر مطرح شده است که عبارتند از: ۱- آیا مقیاس طرحواره جنسی زنان از روایی مطلوب در جامعه شیراز برخوردار است؟ ۲- آیا مقیاس طرحواره جنسی زنان از پایایی مطلوب در جامعه شیراز برخوردار است؟ اندرسن و سیرانوفسکی (۱۹۹۹) از مقیاس موردنظر سه عامل پرشور-عاشقانه، صریح-راحت و خجالتی-محتاط استخراج کردند. اما ساختار عاملی مقیاس طرحواره‌ی جنسی زنان، با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی حاکی از آن بود که یک ساختار چهار عاملی روش مناسبی برای توصیف گویه‌های مقیاس است. این چهار عامل بر روی هم ۴۵/۵۲ درصد از واریانس مقیاس را تبیین می‌کردند. براساس محتوای گویه‌ها، این چهار عامل به ترتیب گشوده فکر - صریح، پرشور - عاشقانه، جذاب و خود دار - محافظه‌کار نامیده شدند. گفتنی است در مجموع پنج گویه به دلیل بار عاملی نامناسب از مقیاس حذف شدند. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که نسخه فارسی مقیاس طرحواره جنسی زنان از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

در مجموع در تبیین این یافته‌ها، می‌توان گفت وجود تفاوت‌های فرهنگی بین جوامع که سبب می‌گردد افراد نشانه‌ها و منابع طرحواره جنسی را به طرز یکسانی درک نمایند، بخش زیادی از مسایل جنسی مربوط به کارکردهای فیزیولوژیک می‌باشد و این کارکردها بین همه انسان‌ها مشترک است، اما فرهنگ جامعه و بافت آن سبب تغییر دیدگاه‌ها و نوع کارکردها می‌شود. بنابراین، در عمل تفکیک سؤالات به سه عامل جذاب و رمانتیک، صریح-راحت و خجالتی-محتاط در جامعه ایران امکان‌پذیر نیست و به‌طور قطع نمی‌توان درباره قطعی بودن عامل‌ها در نمونه ایرانی و شهر شیراز اعلام نظر نمود و نیازمند تحقیقات بیشتری می‌باشد. با توجه به اینکه زنان در جامعه ایران در زمینه مسایل جنسی با محدودیت‌های بیشتری مواجه هستند و این مسأله می‌تواند بر شکل طرحواره آنان تأثیرگذار باشد، بنابراین منطقی است که بین نتایج همسویی وجود نداشته باشد.

در ایران نیز با توجه به ابعاد فرهنگی موجود، مسائل جنسی از جمله امور کاملاً تابو در جامعه است. اما شاید بتوان گفت که علت بالا بودن پایایی نسخه فارسی مقیاس طرحواره جنسی زنان می‌تواند این باشد که ابزارها بر روی افراد متأهل اجرا شده و در واقع نوع پرسش‌ها با اهداف و شرایط ارزشی جامعه متأهلین هماهنگ می‌باشد. در ایران مسائل جنسی در چارچوب‌های رسمی مطرح و هدفمند به آن نگرسته شود و نهادهای مختلف اجتماعی و مذهبی مانند بهزیستی در جامعه، نواقص موجود از طرف خانواده‌ها را جبران می‌نمایند. همچنین به دلیل دقت و نظارت خانواده‌های ایرانی در تربیت فرزند در زمینه مسائل جنسی در خور شأن خانواده خود جهت تعاملات اجتماعی، انتخاب دوست سالم، و سعی در کاهش رفتارهای پرخطر جنسی فرزندان خود می‌نمایند، بنابراین در نتیجه روش‌های تربیت جنسی سالم و اصولی، صلاحیت‌های فردی مانند خودپنداره مثبت، خودکارآمدی، و دیدگاه مثبت و منفی نسبت به مسائل جنسی در افراد شکل می‌گیرد و باعث می‌شود که در زمان ازدواج، مقابله و سازگاری مناسبی داشته باشند. بنابراین نتایج این پژوهش، هرچند عوامل استخراج شده از مقیاس طرحواره جنسی زنان با شرایط فرهنگی ایران کاملاً منطبق نیست، اما می‌توان گفت به دلیل همخوانی شکل آیتم‌های پرسشنامه نسخه فارسی مقیاس از پایایی مطلوبی برخوردار می‌باشد.

از محدودیت‌های این پژوهش این است که تنها بر روی جامعه متأهلین دارای فرزند انجام گرفته است، بنابراین در تعمیم آن به سایر گروه‌ها احتیاط لازم بایستی صورت گیرد. در مجموع، ضرایب پایایی و روایی مناسب این پرسشنامه و سهولت اجرا، شرایط استفاده وسیع محققان را از این ابزار فراهم می‌آورد. همچنین با گسترش مطالعات در زمینه مسائل جنسی در ایران، نتایج این پژوهش می‌تواند در مطالعات بعدی به کمک محققان، مشاوران و درمان‌گران آمده و زمینه پژوهش‌های متعددی در قلمرو روان‌شناسی و علوم تربیتی را فراهم آورد. این ابزار با استفاده از نمونه تقریباً قابل قبولی سعی کرد ابزار مهمی را در حوزه طرحواره جنسی مورد مطالعه قرار دهد، اما هنوز مطالعات فراوان دیگری نیاز است تا مسئله طرحواره جنسی به شکل گسترده تری مورد پژوهش و واکاوی قرار گیرد.

منابع

- ۱- خمسه ای، اکرم. (۱۳۸۴). روان‌شناسی زنان. تهران: انتشارات ارجمند.
- ۲- خمسه‌ای، اکرم. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط میان رفتار جنسی و طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل: مقایسه رفتار جنسی زنان و مردان در خانواده. خانواده پژوهی، ۸، ۳۳۹-۳۲۷.
- ۳- علی اکبری دهکردی، مهناز؛ محتشمی، طیبه؛ و حسن زاده، پرستو. (۱۳۹۱). بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس نقش جنسی بم فرم کوتاه با تاکید بر تحلیل عاملی در جمعیت ایرانی. شناخت اجتماعی، ۱، ۵۸-۴۴.
- ۴- یوسفی، اسکندر. (۱۳۸۴). بررسی فراوانی همسر آزاری و عوامل مؤثر بر آن در منطقه اسلام آباد زنجان. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان. دوره ۱۳، شماره ۵. ص ۳۶-۴۳.
- 5-Andersen, B. L., & Cyranowski, J. M. (1994). Women's sexual self-schema. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 1079-1100.
- 6-Andersen, B. L., & Cyranowski, J. M. (1995). Women's sexuality: Behaviours, responses, and individual differences. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 63, 891-906.
- 7-Andersen, B. L., & Cyranowski, J. M. (1998). Schemas, sexuality and romantic attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 1364-1379.
- 8-Barner, J. M. (2003). Sexual fantasies, attitudes, and beliefs: the roll of self-report sexual aggression for males and females, the Ohio State University.
- 9-Bem, S. L. (1981). Bem sex role inventory professional manual. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- 10- Bem, S.L. (1974). *The lenses of gender*. New Haven, CT: Yale University Press.
- 11- Bergen, D. J. (2009). Enhancing experiential education through peer-based 360-degree feedback. Presented at the Lilly Conference on College and University Teaching, Greensboro, NC.
- 12- Blain, L.M., Galovski, T. E & Peterson, Z.D. (2011). Female sexual self-schema after interpersonaltrauma: Relationship to psychiatric and cognitive functioning in a clinical treatment-seeking sample, *J Trauma Stress*, 24(2), 222-22.
- 13- Cash, T. F., Jakatdar, T. A., & Williams, E. F. (2004). The Body Image Quality of Life Inventory: Further validation with college men and women. *Body Image: An International Journal of Research*, 1, 279-287.
- 14- Cash, T. F., Maikkula, C. L., & Yamamiya, Y. (2004). Baring the body in the bedroom: Body image, sexual self-schemas, and sexual functioning among college women and men. *Electronic Journal of Human Sexuality*, 7. Retrieved April 21, 2008, from <http://www.ejhs.org/volume7/bodyimage.html>.
- 15- Crawford, M., Unger, R., (2004). *Women and gender*. New York: McGraw-Hill Companies.
- 16- Donaghue, N. (2009). Body satisfaction, sexual self-schemas and subjective well-being in women. *Body Image*, 6, 37-42.
- 17- Hill, D. B. (2007). Differences and similarities in men's and women's sexual self-schemas. *Journal of Sex Research*, 44(2), 135-144.
- 18- Mojtabaei, M., Saberi, H., and Alizadeh, A. (2013). Sexual-self schemas in Iranian women. *Applied Psychology*, 3, 23-31.
- 19- Nowosielski, K., Jankowski, K. S., Kowalczyk, R., Kurpysz, J., Normantowicz-Zakrzewska, M., & Krasowska, A. (2018). Sexual Self-Schema Scale for Women—Validation and Psychometric Properties of the Polish Version. *Sexual medicine*, 6(2), 131-142.
- 20- Pasterski, V. L., Geffner, M. E., Brain, C., Hindmarsh, P., & Brook, C. (2005). Prenatal hormones and postnatal socialization by parents as determinants of male-typical toy play in girls with congenital adrenal hyperplasia. *Child Development*, 76, 264-278.
- 21- Rammsayer, T. H., & Troche, S. J. (2007). Sexual dimorphism in second-to-fourth digit ratio and its relation to gender-role orientation in males and females. *Personality & Individual Differences*, 42, 911-920.
- 22- Servin, A., Nordenstro'm, A., Larsson, A., & Bohlin, G. (2003). Prenatal androgens and gender-typed behavior: a study of girls with mild and severe forms of congenital adrenal hyperplasia. *Developmental Psychology*, 39, 440-450.
- 23- Smith, J. D., Welsh, D. P., Fite, P. J. (2010). Adolescents' relational schemas and their subjective understanding of romantic relationship interactions. *Journal of Adolescence*, 33, 147-157.

- 24- Woodhill, B.M., & Samuels, C.A. (2004). Desirable and undesirable androgyny: A prescription for the twenty- first century. *Journal of Gender Studies*, 13(1), 15-28.
- 25- Wyllie, J., Carlson, J., & Rosenberger III, P. J. (2015). Does sexual-stimuli intensity and sexual self-schema influence female consumers' reactions toward sexualised advertising? An Australian perspective. *Australasian Marketing Journal (AMJ)*, 23(3), 188-195.
- 26- Yorburg, Betty (2001). *Family Realities*, Agloba view format, prentice hall, first edition.

Psychometric Adequacy of Persian Version of Women Sexual Schema

Jaleh Refahi 1, Nasir Dastan * 2, Maryam Behnam 3

1- Consulting group. Marvdasht unit. Islamic Azad university. Marvdasht, Iran

zhalehrefahi210@gmail.com

2- Faculty member of the Department of Psychology, Fatemiyeh Higher Education Institute, Shiraz.

Nasir.dasatan88@gmail.com

3- Master of Family Counseling

Maryam.behnam@yahoo.com

Abstract

The sexual schema is a part of self that is believed to be crucial for intrapersonal and interpersonal sexual relationships. This study aims to examine the validity of the Persian version of the women sexual schema questionnaire in Iranian society. The sample is consisting of 360 married women chosen by multi-stage cluster sampling from Shiraz. The extracted factors from this scale in this study were not the same as those found in the original form of the female sexual schema scale. The scale of women's sexual schema in Iranian society consisted of four factors, namely: open-minded-direct, passionate-romantic, attractive, and embarrassed-conservative. Also, the results of the women's scale validity were reported through the correlation coefficients of the subscales with the desired total score. Moreover, examines show that the Persian versions of women sexual schema's scales have acceptable reliability. The clinical psychologists and family counselors can use and benefit from this scale to identify the women's sexual schema for searching and treatment activities in clinical and counseling settings.

Keywords: psychometric, sexual schema, women, exploratory factor analysis

نقش پابندی به سبک زندگی اسلامی، نگرش به خیانت و نیاز به صمیمیت در پیش‌بینی تعهد زناشویی

نظام‌الدین قاسمی*^۱، محمد حسین زارعی^۲، مائده آیتی^۳، بهناز ertzazee^۴

۱. دکتری روان‌شناسی، استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)
E.mail:nezamaddinghasemi@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه اصفهان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، اصفهان، ایران
gmhz.4396@gmail.com
۳. کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران
gmhz.4396@gmail.com
۴. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، اهواز، ایران
behnaz_ertezaee@yahoo.com

تاریخ پذیرش: [۹۸/۹/۲۳]

تاریخ دریافت: [۹۸/۱/۱۹]

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش پابندی به سبک زندگی اسلامی، نگرش به خیانت و نیاز به صمیمیت زناشویی در پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان متأهل شهر اصفهان بود. پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و در حیطه پژوهش‌های همبستگی و رگرسیونی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل شهر اصفهان با حداقل ۱ سال و حداکثر ۵ سال سابقه ازدواج در زمستان سال ۱۳۹۷ بود. با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس ۳۹ زن متأهل به عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه‌های سبک زندگی اسلامی‌کاوایی (ILST)، نیازهای صمیمیت زناشویی باگاروزی (۲۰۰۱)، نگرش به خیانت مارک واتلی (۲۰۰۶) و تعهد زناشویی آدامز و جونز (DCI) بر روی آنان اجرا شد. داده‌های به‌دست آمده به کمک نرم‌افزار SPSS-24 و به شیوه رگرسیون هم‌زمان در دو سطح آمار توصیفی و تحلیلی تجزیه و تحلیل شد. نشان داد بین سبک زندگی اسلامی و صمیمیت زناشویی ($r=0/296$ و $sig=0/067$)، سبک زندگی اسلامی و تعهد زناشویی ($r=0/47$ و $sig=0/003$)، صمیمیت زناشویی و تعهد زناشویی ($r=0/688$ و $sig=0/000$)، رابطه مثبت معنادار ($P<0/01$) و بین سبک زندگی اسلامی و نگرش به خیانت زناشویی ($r=-0/37$ و $sig=0/021$)، صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت ($r=-0/396$ و $sig=0/013$) و نگرش به خیانت و تعهد زناشویی ($r=-0/443$ و $sig=0/005$) رابطه منفی معناداری وجود دارد ($P<0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که در مجموع سه متغیر سبک زندگی اسلامی، نیاز به صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت، می‌تواند ۵۶ درصد از واریانس تعهد زناشویی را تبیین کنند ($P<0/01$). علاوه‌بر آن سبک زندگی اسلامی و نیاز به صمیمیت زناشویی به ترتیب ($Sig=0/042$ و $Sig=0/00$) رابطه معناداری را با تعهد زناشویی دارند و میزان این تأثیر به ترتیب ($Beta=0/257$ و $Beta=0/562$) می‌باشد. می‌توان گفت پابندی به سبک زندگی مبتنی برآموزه‌های اسلامی می‌تواند علاوه‌بر افزایش میزان صمیمیت زناشویی و اصلاح نگرش به خیانت با تعهد زناشویی نیز در ارتباط باشد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، صمیمیت زناشویی، تعهد زناشویی و نگرش به خیانت.

مقدمه

خانواده به‌عنوان نخستین هسته اجتماع و اساسی‌ترین بنیان جامعه در طول تاریخ شناخته می‌شود (کواجیا^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). خانواده به‌عنوان برترین آیین اجتماعی به‌منظور تأمین نیازهای عاطفی، روان‌شناختی و اجتماعی افراد با ازدواج شکل می‌گیرد و در همه‌ی مراحل تکوین آن، زوجین خرده‌نظام اصلی آن را تشکیل می‌دهند (دیلاز، سیتوات و یاسین^۲، ۲۰۱۳؛ نایری، لطفی و نورانی^۳، ۲۰۱۴). کارکرد خانواده حوزه‌هایی همانند حل مسئله، ارتباطات، نقش‌ها، همراهی و آمیزش عاطفی و کنترل را شامل می‌شود (راسل^۴ و گوردون^۵، ۲۰۱۷). در ازدواج موفق سه رکن تعهد، جاذبه و تفاهم نقش مهمی دارند که در این بین، تعهد زناشویی قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کارکردهای اصلی زندگی زناشویی می‌باشد (جان، سم، رورو، و تسوی^۶، ۲۰۱۷) و به‌عنوان مکانیزمی دوام بخش دارای اهمیت به‌سزایی در حفظ کیفیت زندگی زناشویی می‌باشد (میچر^۷، ۲۰۱۳). تعهد ابعاد چندگانه‌ای دارد و دربرگیرنده‌ی دلایل شخصی، اخلاقی و اعتقادی مخصوصی است که شخص را به ادامه‌ی رابطه زناشویی پایبند می‌کند (تانگ و کوران^۸، ۲۰۱۳). ویژگی اصلی تعهد وجود اهداف مشترک برای آینده و ایجاد یک افق زمانی طولانی مدت برای رابطه است. متعهد بودن به یک رابطه برای طولانی مدت، تأثیر قدرتمندی در رفتارهای زوجین دارد و باعث علاقه‌ی دو جانبه‌ی زوجین می‌شود (استنلی^۹، ۲۰۱۰). که با زیرپا گذاشتن این عهد و پیمان، پدیده آسیب‌زای خیانت زناشویی (پیمان‌شکنی) اتفاق می‌افتد (هادی و همکاران، ۱۳۹۵). خیانت زناشویی به هرگونه روابط جنسی یا عاطفی فراتر از چهارچوب روابط متعهدانه بین دو همسر اطلاق می‌گردد (دکاسترو- بوفیل و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۶) و منجر به آسیب به تعهد در روابط عاطفی یا جنسی و یا هر دو می‌شود که نتیجه‌ی آن دور شدن از ارتباط بنیادی بدون رضایت طرف مقابل است (فیف، ویکز و ستلبرگ- فیلبرت^{۱۱}، ۲۰۱۳). پلات^{۱۲} و همکاران، (۲۰۰۸) معتقدند که روابط فرا زناشویی عمده‌ترین دلیل از هم پاشیدگی روابط زناشویی و زمینه اصلی تعارض‌ها و اختلاف‌های زناشویی است. پژوهشگران معتقدند که اختلال در کارکردهای خانواده از قبیل کاهش تعهد و خیانت زناشویی می‌تواند ناشی از سبک زندگی که زوجین برگزیده‌اند و انتظارات و نگرش آنان از ازدواج باشد (پورمیدانی و همکاران، ۱۳۹۳).

سبک زندگی از سه رویکرد جامعه‌شناسی متأثر از اندیشه‌های گیورگ زیمل^{۱۳} به‌عنوان طبقه اجتماعی، رویکرد روان‌شناسی متأثر از اندیشه‌های آلفرد آدلر^{۱۴} به‌عنوان ارزش‌ها، هنجارها و ریشه‌های رفتار که به‌صورت منش و شخصیت شناخته می‌شود و رویکرد دین‌شناسانه تعریف می‌شود (کاویانی، ۱۳۹۶). سبک زندگی الگوی روابط اجتماعی، اوقات فراغت، خودانگاره، ارزش‌ها و نگرش فردی و انتخاب‌های هشیار و ناهشیار فرد برای یک نوع رفتار خاص را نشان می‌دهد (ریپال^{۱۵}، ۲۰۱۲). سبک زندگی به‌عنوان شیوه نسبتاً ثابت افراد، گروه‌ها و جوامع برای پیگیری اهداف زندگی، متأثر از فرهنگ در برگیرنده‌ی نگرش‌ها و ارزش‌های تعیین‌کننده‌ی جایگاه و موقعیت اجتماعی خانواده‌ها می‌باشد (چانی^{۱۶}، ۲۰۱۲). سبک زندگی از دیدگاه اسلامی به مجموعه‌ای از موضوعات مورد قبول اسلام در عرصه‌ی زندگی اشاره دارد که براساس آن معیارها رفتار افراد در خانواده باید مبتنی بر اسلام و آموزه‌های اسلامی باشد (فاتحی‌زاده و همکاران، ۲۰۱۵). سبک زندگی اسلامی یعنی به‌کارگیری روشی برای زندگی که در برگیرنده آموزه‌ها و مبانی دینی مبتنی بر قرآن و

- 1- Queija
- 2- Dildar, Sitwat, & Yasin
- 3- Nayeri., Lotfi & Noorani
- 4- Russell
- 5- Gordon
- 6- John, Seme, Roro & Tsui
- 7- Macher
- 8- Tang & Curran
- 9- Stanley
- 10- de Castro-Bofill, Barrameda
- 11- Fife, Weeks& Stellberg-Filbert
- 12- Platt
- 13- Simmel
- 14- Adler
- 15- Ripoll
- 16- Chaney

سنت باشد (موسوی گیلانی، ۱۳۹۲). خانواده یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی است که می‌تواند به صورت منظم سبک زندگی اسلامی را در افراد نهادینه کند (ابراهیمی، ۱۳۹۴). پژوهش‌ها گویایی این مسئله هستند که دین با مکانیزم‌های گوناگون مانند امید، انگیزه و مثبت‌نگری در زندگی، ایجاد شبکه حمایتی عاطفی و اجتماعی و با دادن معنی و مفهوم به زندگی انسان در بهزیستی روانی فرد، جامعه و خانواده می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد (سهرابی و طیبی، ۱۳۹۷). در این ارتباط شریعتی (۱۳۹۲) نشان داد از بین سه سبک زندگی تارک دنیا، دنیاطلبانه و اسلامی، سبک زندگی اسلامی مناسب‌ترین سبک برای استحکام و حفظ کیفیت زندگی زناشویی می‌باشد. رضایی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی اثربخشی آموزش سبک زندگی اسلام محور و با تأکید بر خانواده، نشان دادند که سبک زندگی اسلام محور به‌طور معناداری صمیمیت بین زوجین را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر ادالت و ردزوان^۱ (۲۰۱۰) معتقدند از تعیین‌کننده‌های سلامت روانی و خشنودی زوجین وجود تعامل سازنده میان آنان و برقراری عشق و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. هرچند محققین در مورد مفهوم صمیمیت اتفاق نظر ندارند ولی صمیمیت می‌تواند شامل معانی مختلفی مبتنی بر سن، جنس، تحصیلات و فرهنگ باشد (مارتین و تاردیف^۲، ۲۰۱۴؛ میچل^۳، ۲۰۰۷). باگاروزی^۴ (۲۰۱۴) صمیمیت را به‌عنوان نزدیکی، شباهت و ارتباط عاشقانه یا عاطفی تعریف می‌کند. افرادی که با هم صمیمی هستند برای بیان افکار و احساسات، نیاز به دانش و درک یکدیگر دارند (باگاروزی، ۲۰۱۴). صمیمیت شامل اعتماد، عشق، مثبت‌گرایی، گشودگی، کیفیت ارتباطات، تقسیم وظایف و ایفای نقش (برابری) است و به اعتماد دوجانبه و ایمنی در رابطه زناشویی منجر می‌شود (میلر و تدر^۵، ۲۰۱۱). پژوهشگران معتقدند اگر دسترسی‌پذیری، پاسخگویی و همدردی در زوجین به حدی باشد که نیازهای زناشویی زوجین را برآورده کند، احتمال گرایش به روابط خیانت‌آمیز زناشویی پایین می‌آید (فردوسی، ۱۳۹۷). از سوی دیگر با کاهش صمیمیت زناشویی، امید به زندگی کاهش یافته و ناسازگاری و نارضایتی بیشتری حاصل می‌شود که مقدمات جدایی یا خیانت زناشویی فراهم می‌شود (زارعی، ۱۳۹۶). این امر نشان می‌دهد که رفتار صمیمانه زوجین نقش مهمی در پیشگیری در خیانت زناشویی و تقویت بنیان خانواده دارد (فردوسی، ۱۳۹۷). در سال‌های اخیر به دلیل هجوم فرهنگ غربی متأثر از رسانه‌ها و دور شدن از آموزه‌های دینی مذهبی، نهاد خانواده دست‌خوش آشفتگی‌های فراوانی شده به گونه‌ای که فروپاشی نهاد خانواده به یکی از چالش‌های تباه-گر زندگی در ایران تبدیل شده است (شعبانی و بانکی پور، ۱۳۹۱). به همین خاطر در بررسی روند رو به افزایش آسیب‌های مرتبط با خانواده و بررسی ادبیات مرتبط با خانواده در جامعه فعلی ایران، سنجه و شناسایی متغیرهای دخیل در آسیب‌شناسی خانواده متناسب با زیست بوم جامعه اسلامی ایرانی و دوری از شیوه‌های مبتنی بر اصول نظریه‌پردازان غربی، روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. از آنجایی که پژوهش‌ها نشان داده‌اند که علی‌رغم پیامدهای عاطفی ویرانگر پیمان‌شکنی امکان‌زنده شدن روابط وجود دارد (ویلیامز، ۲۰۱۱). و از سوی دیگر دین اسلام غنی از دستورات و احکام ارزشی برای زندگی بهتر در بستر خانواده است. بنابراین ضروری می‌باشد پژوهش‌ها بر باورها و نظام ارزشی معناگرا و دین محور خانواده‌های ایران جهت شناسایی آسیب‌شناسی خانواده و غنی‌سازی روابط زوجین متمرکز باشد. بر این اساس هدف پژوهش پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا دین‌داری و پایبندی به سبک زندگی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و صمیمیت زناشویی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تعهد در بین زوجین و کاهش گرایش به خیانت باشد؟

روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش توصیفی تحلیلی و در حیطه پژوهش‌های همبستگی و از نوع رگرسیونی می‌باشد. سبک زندگی اسلامی متغیر ملاک و تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت به‌عنوان متغیر پیش‌بین در نظر گرفته شده‌اند. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل

- 1- Edalate & Redzuan
- 2- Martin & Tardif
- 3- Mitchell
- 4- Bagarozzi
- 5- Miller & Tedder

شهر اصفهان که حداقل ۱ سال و حداکثر ۵ سال از ازدواجشان گذشته، می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۹ زن متأهل به‌عنوان نمونه انتخاب شدند ($n=39$). معیارهای ورود و خروج شامل: ۱- سابقه حداقل ۱ سال ازدواج یا عقد و حداکثر ۵ سال ۲- عدم انتخاب زوجینی که در مرحله نامزدی و آشنایی هستند ۳- عدم وجود تعارض شدید زناشویی یا سابقه درخواست طلاق ۴- وجود یا عدم وجود فرزند ۵- عدم ابتلای زوجین به بیماری‌های مزمن روان‌پزشکی یا جسمانی ۶- عدم شرکت در دوره‌های آموزشی و دریافت مشاوره‌های روان‌شناسی به‌صورت مستمر و پیشرفته.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه سبک زندگی اسلامی (ILST)

این آزمون توسط کاویانی در دو فرم بلند (۱۳۵ سؤالی) و فرم کوتاه (۷۶ سؤالی) در سال ۱۳۸۸ طراحی و هنجاریابی شده است. شیوه پاسخ‌گویی باتوجه به وضعیت زندگی فعلی آزمودنی‌ها در یک طیف ۴ درجه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد قرار دارد. ده شاخص زیر مقیاس‌های این آزمون را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: شاخص اجتماعی (۱۱ آیتم)، باورها (۶ آیتم)، عبادی (۶ آیتم)، اخلاق (۱۱ آیتم)، مالی (۱۲ آیتم)، خانواده (۸ آیتم)، سلامت (۷ آیتم)، تفکر و علم (۵ آیتم)، امنیتی-دفاعی (۴ آیتم)، زمان‌شناسی (۵ آیتم). پاسخگویان باید باتوجه به وضعیت زندگی فعلی خود، به هر کدام در یک طیف ۴ درجه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد پاسخ دهند. هر آیتم باتوجه به اهمیت ضریبی بین ۱ تا ۴ می‌گیرد. نمره کل آزمودنی حداقل ۱۴۱ و حداکثر ۵۷۰ خواهد بود. حداقل امتیاز ممکن ۷۵ و حداکثر ۳۰۰ خواهد بود. نمره بین ۱۲۵ تا ۱۸۷: نشان‌دهنده سبک زندگی اسلامی ضعیف است. نمره بین ۱۲۵ تا ۱۸۷: نشان‌دهنده سبک زندگی اسلامی متوسط است. نمره بالاتر از ۱۸۷: نشان‌دهنده سبک زندگی اسلامی قوی است. سازندگان پرسش‌نامه ضریب پایایی کل این آزمون را ۰/۷۱ به‌دست آورده‌اند. نتایج تحلیل عوامل نیز روایی و ساختار عاملی مناسبی را برای آن نشان داده است. روایی هم‌زمان آن با آزمون جهت‌گیری مذهبی ۰/۶۴ به‌دست آمده است (کاویانی، ۱۳۸۸). پایایی این آزمون برای زیرمقیاس‌های آن عبارتند از شاخص اجتماعی ۰/۴۱، باورها ۰/۴۶، عبادی ۰/۳۰، اخلاق ۰/۶۴، مالی ۰/۳۲، خانواده ۰/۴۰، سلامت ۰/۴۲، تفکر و علم ۰/۵۱، امنیتی دفاعی ۰/۳۰ و زمان‌شناسی ۰/۳۰ (طغیانی و همکاران، ۱۳۹۲).

پرسش‌نامه نیازهای صمیمیت زناشویی^۲

این پرسش‌نامه توسط باگاروزی در سال ۲۰۱۴ تهیه و تنظیم شده است. پرسش‌نامه دارای ۴۱ سوال بوده و هدف آن ارزیابی ابعاد صمیمیت زناشویی (صمیمیت عاطفی، صمیمیت روان‌شناختی، صمیمیت عقلانی، صمیمیت جنسی، صمیمیت بدنی، صمیمیت معنوی، صمیمیت زیباشناختی، صمیمیت اجتماعی-تفریحی) می‌باشد. طیف پاسخگویی آن در هر سوال از عدد ۱ تا ۱۰ مشخص گردیده است و لذا احتیاجی به محاسبه امتیاز هر گزینه ندارد. سؤالات به شکلی رتبه‌بندی شده که از ابه معنای به هیچ وجه چنین چیزی وجود ندارد تا ۱۰ به معنای نیاز بسیار زیادی وجود دارد، به هر نیاز پاسخ می‌دهند. بالاترین نمره در هر بعد ۵۰ و در بعد صمیمیت معنوی ۶۰ می‌باشد. حاصل جمع امتیازات هر بعد (به جز بعد صمیمیت عاطفی) نمره‌ای از ۵ تا ۵۰ خواهد بود. در بعد صمیمیت عاطفی این نمره از ۶ تا ۶۰ خواهد بود. نمرات بالاتر در یک بعد نشان دهنده نیاز بیشتر پاسخ دهنده به آن بعد از صمیمیت از طرف همسر خود خواهد بود و برعکس. اعتمادی (۱۳۸۴) پایایی این پرسش‌نامه با آزمون آلفای کرونباخ را ۰/۹۴ گزارش کرده است. خمسه و حسینیان (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای پایایی هر بعد صمیمیت را با روش آزمون-بازآزمون محاسبه کردند که برای صمیمیت عاطفی، روان-شناختی، عقلانی، جنسی، فیزیکی، معنوی، زیباشناختی و اجتماعی - تفریحی به ترتیب ۸۹٪، ۸۲٪، ۸۱٪، ۹۱٪، ۸۰٪، ۶۵٪، ۷۶٪ و ۵۱٪ به‌دست آوردند که حاکی از پایایی قابل قبول این مقیاس می‌باشد (خمسه و حسینیان، ۱۳۸۷). هوشمند (۱۳۹۱) آلفای کرونباخ

برای پرسش‌نامه نیازهای صمیمیت زناشویی باگاروزی به این شکل محاسبه کرد: صمیمیت عاطفی ۰/۷۱، صمیمیت روان‌شناختی ۰/۶۵، صمیمیت عقلانی ۰/۵۸، صمیمیت جنسی ۰/۷۳، صمیمیت بدنی ۰/۴۸، صمیمیت معنوی ۰/۷۰، صمیمیت زیباشناختی ۰/۷۶، صمیمیت اجتماعی - تفریحی ۰/۶۶. اعتمادی و همکاران (۱۳۸۵) برای تعیین روایی محتوا و صوری این پرسش‌نامه در ایران، پرسش‌نامه را در اختیار ۱۵ نفر از اساتید رشته مشاوره و ۱۵ زن و شوهر قرار دادند و از طریق نظر اصلاحی آنان روایی محتوایی آن را تأیید کردند. پس از اصلاح نهایی، پرسش‌نامه بر روی ۳۰ زن و شوهر اجرا شد. ضریب پایایی کل پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به‌دست آوردند که حاکی از پایایی قابل قبول این ابزار بود.

پرسش‌نامه تعهد زناشویی^۱

این پرسش‌نامه میزان پایبندی افراد به همسرشان و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه می‌گیرد. این آزمون توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) برای مقاصد پژوهشی تهیه و تدوین شده و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند که شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است. سؤال‌های آزمون دارای یک مقیاس ۵ درجه‌ای کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم است که به هر گزینه نمره بین ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. این ابزار ۴۴ سؤال دارد و دامنه کلی نمرات افراد بین ۱ تا ۱۷۲ نمره است و نمره بالاتر در این آزمون بالا بودن تعهد کلی زوجین را نشان می‌دهد (عباسی مولید و همکاران، ۱۳۸۸). آدامز و جونز در شش پژوهش مختلف به‌منظور به‌دست آوردن پایایی و روایی پرسش‌نامه آن را روی ۴۷ نفر متأهل ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. آدامز و جونز میزان پایایی هر یک از مقیاس‌های این آزمون را بر روی نمونه‌های یاد شده به این شرح به‌دست آوردند: تعهد شخصی ۹۱٪، تعهد اخلاقی ۸۹٪، تعهد ساختاری ۸۶٪ (عباسی مولید، ۱۳۸۸). در ایران شاه‌سیا و همکاران (۱۳۸۹) اعتبار این پرسش‌نامه را تأیید کرده‌اند و پایایی این پرسش‌نامه را براساس آلفای کرونباخ ۸۵٪ گزارش کردند. و آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و تعهد اجباری به ترتیب ۷۹٪، ۸۲٪ و ۸۴٪ به‌دست آوردند. در پژوهش قنبری هاشم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) ضرایب پایایی تمام خرده مقیاس‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و به‌صورت تعهد شخصی ۷۹٪، تعهد اخلاقی ۸۰٪ و تعهد اجباری ۸۲٪ گزارش شد. در مطالعه مقدماتی توسط عباسی مولید و همکاران (۱۳۸۸) روایی این آزمون مورد تأیید قرار گرفت.

مقیاس نگرش به خیانت زناشویی (ATIS)

مقیاس نگرش به خیانت توسط مارک واتلی^۲ در سال ۲۰۰۶ تهیه شده و در ایران توسط عبدالله‌زاده (۱۳۸۹) ترجمه شده‌است. عبارت‌های مقیاس شامل جملاتی راجع به احساسات منفی و مثبت نسبت به مقوله خیانت است که آزمودنی باید براساس احساس خود به جملات نمره ۱ تا ۷ بدهد. چیزی به عنوان پاسخ درست یا غلط در این جملات وجود ندارد و مقیاس فقط خواهان واکنش و نظر صادقانه آزمودنی به جملات است. هدف از این سنجش نوع احساسات و تفکر افراد نسبت به مسائل مربوط به خیانت زناشویی است. در واقع پرسشنامه خیانت مقدار تمایل و میزان پذیرندگی یا ردکنندگی خیانت را از منظر افراد مختلف می‌سنجد. امتیازدهی در سؤال‌های ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۰ و ۱۱ به پاسخ بسیار مخالف، امتیاز ۱ و پاسخ بسیار موافق، امتیاز ۷ داده می‌شود. اما در سؤال‌های ۲، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۲ نحوه‌ی نمره‌گذاری معکوس است به‌طوری که به پاسخ بسیار مخالف نمره ۷ و پاسخ بسیار موافق نمره ۱ و پاسخ بین آنها به ترتیب ۶، ۵، ۴، ۳ و ۲ امتیاز داده می‌شود. بالاترین امتیاز ۸۴ است که به معنی پذیرنده خیانت و کمترین امتیاز ۱۲ و به معنی ردکننده خیانت است. امتیاز ۴۸ فرد را بین پذیرندگی و ردکنندگی خیانت قرار می‌دهد. آلفای کرونباخ این مقیاس در بین ۳۸۳ نفر از زنان و مردان مجرد و متأهل ساکن شهرهای علی‌آباد و به‌شهر که به‌صورت تصادفی انتخاب شدند ۰/۸۴ به‌دست آمده‌است. این مقیاس می‌تواند علاوه بر تحقیقات پیمایشی در تعیین علل و متغیرهای تأثیرگذار بر خیانت زناشویی و نگرش به خیانت کمک کننده باشد (عبدالله‌زاده، ۱۳۸۹). عجم (۱۳۹۵) پایایی پرسش‌نامه‌ی خیانت زناشویی به روش آلفای کرونباخ را برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۹ گزارش

1- Marital Commitment Questionnaire

2- Mark whatley

کرده است. همچنین در پژوهش دیگری در ترکیه پایایی پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شده است (توپلو-دمیرتاش و فیچمن، ۲۰۱۷). جواهری، شوقی و باباخانلو (۱۳۹۷) میزان آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس تعهد شخصی ۰/۶۸، تعهد اخلاقی ۰/۷۸ و تعهد ساختاری ۰/۷۳ و برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۲ به دست آوردند. داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) به کمک نرم افزار SPSS-24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

حجم نمونه شامل ۳۹ زن متأهل بود. میانگین سنی زنان متأهل ۲۴ سال بود که کمترین آن ۱۸ و بیشترین آن ۳۷ سال داشتند. میزان تحصیلات آنها به این صورت بود: ۱ نفر زیر دیپلم، ۱۵ نفر دیپلم، ۲ نفر فوق دیپلم، ۱۸ نفر لیسانس و ۳ نفر فوق لیسانس. ۲۲ نفر از آنها فاقد فرزند، ۴ نفر یک فرزند و ۳ نفر از آنها دو فرزند داشتند. ۲۲ نفر از آنها خانه‌دار، ۵ نفر کارمند، ۹ نفر دانشجو و ۳ نفر شغل آزاد داشتند. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره

شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
سبک زندگی اسلامی	۴۳۸/۶	۴۵/۳۵	۳۴۹	۵۳۴
صمیمیت زناشویی	۳۲۰/۴۱	۳۲/۱۵	۲۴۱	۳۶۹
نگرش به خیانت	۲۱/۴۸	۷/۸۶	۱۲	۳۹
تعهد زناشویی	۱۷۷/۹۶	۲۲/۳	۱۲۲	۲۱۵

جدول ۲: آزمون رگرسیون متغیرهای پیش‌بین (سبک زندگی اسلامی، صمیمیت زناشویی، نگرش به خیانت) و متغیر ملاک (تعهد زناشویی)

مدل	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig	R	R ²	تعدیل یافته
رگرسیون	۱۰۶۵۲/۰۶	۳	۳۵۵۰/۶۸	۱۵/۰۴	۰/۰۰۰	۰/۷۵	۰/۵۶۳	۰/۵۲۶
باقیمانده	۸۲۶۰/۶۷	۳۵	۲۳۶/۰۱					
کل	۱۸۹۱۲/۷۳	۳۸						

مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	
	B	Std.E	
۱	عدد ثابت	۵/۱۶۳	۳۸/۹۳
	سبک زندگی اسلامی	۰/۱۲۷	۰/۰۶
	صمیمیت زناشویی	۰/۳۹	۰/۰۸
	نگرش به خیانت	۰/۳۵۶	۰/۳۶

مدل	t	sig
	۲/۱	۰/۰۴۲
	۴/۵۴	۰/۰۰۰
	-۰/۹۸۸	۰/۳۳

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره برای متغیرهای پژوهشی آورده شده است. براساس نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون مشخص شد که ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای سبک زندگی اسلامی و نگرش به خیانت -0.37 ($\text{sig}=0.021$)، سبک زندگی اسلامی و نیاز به صمیمیت زناشویی 0.296 ($\text{sig}=0.067$)، سبک زندگی اسلامی و تعهد زناشویی 0.47 ($\text{sig}=0.003$)، نیاز به صمیمیت زناشویی و تعهد زناشویی 0.688 ($\text{Sig}=0.000$)، نیاز به صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت -0.396 ($\text{sig}=0.013$)، نگرش به خیانت و تعهد زناشویی -0.443 ($\text{sig}=0.005$) می‌باشد ($P<0.01$). همچنین نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان در جدول ۲ آمده است.

جدول شماره ۲ بیانگر آن است که متغیرهای سبک زندگی اسلامی، نیاز به صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت می‌تواند شاخص خوبی برای پیش‌بینی تعهد زناشویی به حساب آیند ($R=0.75$) ($P<0.000$). همچنین یافته‌های این جدول نشان دهنده آن است که ۵۶ درصد از تفاوت‌های فردی در تعهد زناشویی مربوط به سبک زندگی اسلامی، نیاز به صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت است. علاوه بر آن سبک زندگی اسلامی، نیاز به صمیمیت زناشویی به ترتیب ($\text{sig}=0.042$ و $\text{sig}=0.000$) رابطه معناداری را با تعهد زناشویی دارند و میزان این تأثیر به ترتیب ($\text{Beta}=0.257$ و $\text{Beta}=0.562$) می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش پایبندی به سبک زندگی اسلامی نیاز به صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت در پیش‌بینی تعهد زناشویی بود. نتایج پژوهش نشان داد که سبک زندگی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی زوجین با افزایش صمیمیت و تعهد زناشویی و کاهش خیانت زناشویی رابطه دارد و سبک زندگی اسلامی زوجین می‌تواند پیش‌بینی کننده نیاز به صمیمیت زناشویی و تعهد زوجین باشد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پیشین از جمله رگاس^۱ (۲۰۱۹)، رکاچ و فلیبرت^۲ (۲۰۱۵)، میلنر^۳ (۲۰۰۸)، رضاپور و همکاران (۱۳۹۸)، قاصدی (۱۳۹۸)، خیاط (۱۳۹۶)، زارعی و همکاران (۱۳۹۶)، عرب بافرانی و همکاران (۱۳۹۲) هماهنگ است. باتوجه به یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های پیشین می‌توان گفت که نیاز به صمیمیت به‌عنوان یک مشخصه کلیدی و مهم روابط زناشویی به وجود تعامل سازنده بین همسران کمک می‌کند. همان‌طور که گراس (۲۰۱۹) بیان می‌کند افزایش صمیمیت زناشویی می‌تواند علائم و نشانه اختلال روحی ناشی از ضربه خیانت به همسر را کاهش دهد و از طرف دیگر موجب بهبود روابط آنان با یکدیگر بعد از پذیرش خیانت گردد. تحقیقات رکاچ و فلیبرت (۲۰۱۵) نشان می‌دهد نیاز به صمیمیت یک سازه دو طرفه و چند وجهی است و شامل مراقبت، وابستگی متقابل و اعتماد می‌باشد که با افزایش صمیمیت و تعهد، میزان خیانت هم در گروه زنان و هم در مردان به طرز چشم‌گیری کاهش پیدا خواهد کرد. پس می‌توان گفت کمبود یا نبود صمیمیت از شاخص‌های آشفتگی در روابط زناشویی است که می‌تواند باعث خیانت و فروپاشی روابط زوجین گردد. از سویی دیگر و مبتنی بر یافته‌های این پژوهش می‌توان استنباط کرد سبک زندگی اسلامی که نمودهای رفتاری نسبتاً پایدار برخاسته از عقاید، نگرش‌ها و معیارهای اخلاقی اجتماعی مورد تأیید اسلام را شامل می‌شود از طریق شناساندن بایدها و نبایدها و چگونگی رفتار در زمینه‌های مختلف فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و تأکید بر کمال دنیوی و اخروی می‌تواند تعیین کننده و ارتقادهنده صمیمیت و تعهد زناشویی و به تبع آن افزایش کارکرد خانواده باشد.

سایر یافته‌ها نشان داد نگرش منفی به خیانت باعث کاهش خیانت زناشویی و افزایش تعهد زناشویی می‌شود. این یافته با یافته‌های پژوهش ویدیگوس، لویز و پریرا^۴ (۲۰۱۷)، ماتینگلی و کلارک و ویدلر^۵ (۲۰۱۱)، فردوسی (۱۳۹۷)، برزگر بفرویی و جعفریان (۱۳۹۷) و عبداللهی و همکاران (۱۳۹۷) هم‌خوان است. نتایج تحقیق یوسفی و کریمی‌پور و امانی (۱۳۹۶) با عنوان بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی نشان داد بین باورهای مذهبی با تعهد زناشویی

1 - Regas

2 - Rokach & Phillibert

3 - Miller

4 - Rodrigues, Lopes & Pereire

5- Mattingly, Clark & Weidler

رابطه مثبت و معنادار و با نگرش آنها به خیانت زناشویی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. و همچنین بین ابعاد تعهد زناشویی و نگرش زوجین به خیانت زناشویی نیز رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد. ماتینگلی و کلارک و ویدلر (۲۰۱۱) معتقدند تعهد به عنوان واسطه بین انواع رفتارهای خیانت‌آمیز مطرح می‌شود که تعهد کمتر منجر به احتمال خیانت بیشتر می‌شود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت نگرش مثبت به خیانت‌زناشویی و پیمان‌شکنی به عنوان یک رویداد آسیب‌زا قادر است زندگی زناشویی یک زوج را به مخاطره اندازد. در نبود تعهد، اعتماد متقابل بین همسران یا اعضای خانواده کمتر خواهد شد. اگر دسترسی‌پذیری، پاسخگویی و همدم‌طلبی در زوجین به حدی باشد که نیازهای زناشویی را برآورده کند، احتمال نگرش مثبت به روابط خیانت‌آمیز زناشویی پایین می‌آید. بنابراین با توجه به نتایج مطالعه حاضر می‌توان گفت براساس بستر دینی و فرهنگ اسلامی که تاکید بر تعهد در تمامی ابعاد اجتماعی خصوصاً خانواده دارد می‌توان گامی مؤثر در تقویت روابط زناشویی افزایش صمیمیت و تقویت پیوندهای خانوادگی و افزایش تعهد زناشویی برداشت.

عدم شرکت هر دو جنس در پژوهش، عدم غربالگری سایر نظام‌های باوری و ایدئولوژی و فکری زوجین، عدم توجه به زمینه‌های خانوادگی زوجین و پیشینه آموزشی و تحصیلاتی آنان از محدودیت‌های پژوهش می‌باشد که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی سازه سبک زندگی اسلامی-روان‌شناختی و ارتباط و تأثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف زندگی زوجین مورد پژوهش و مطالعه قرار گیرد.

منابع

۱. ابراهیمی، محمدحسن، (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نقش خانواده بر سبک زندگی اسلامی. کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی ایران، تهران، مؤسسه برگزارکننده همایش‌های توسعه محور دانش و فناوری سام ایرانیان.
۲. اعتمادی، عذرا، (۱۳۸۷). افزایش صمیمیت زناشویی. تازه‌های روان‌درمانی، ۴۹ و ۵۰: ۲۱ - ۴۲.
۳. اعتمادی، عذرا؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ احمدی، سید احمد و فرزاد، ولی‌الله. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-رفتاری بر صمیمیت زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان. فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، ۲(۱): ۶۹-۸۷.
۴. برزگر بفرویی، فاطمه؛ جعفریان یسار، حمید، (۱۳۹۷). تأثیر تعارضات زناشویی و جهت‌گیری مذهبی در نگرش به خیانت در ازدواج. نخستین جشنواره تألیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی جایزه ویژه علامه جعفری، انجمن پژوهش‌های علوم اجتماعی ایران، بسیج دانشجویی و انجمن‌های علمی حوزه علمیه قم.
۵. پورمیدانی، سمیه؛ نوری، ابوالقاسم؛ شفتی، سیدعباس، (۱۳۹۳). رابطه سبک زندگی با رضایت زناشویی. فصلنامه خانواده-پژوهی، ۳(۳): ۳۳۱-۳۳۴.
۶. جابری، سمیه؛ اعتمادی، عذرا و احمدی، سید احمد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی با صمیمیت زناشویی. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری ۹۷: ۱۴۳ - ۱۵۱.
۷. جواهری، محمدحسین؛ شوقی، بهزاد؛ باباخانلو، اشرف، (۱۳۹۷). اثربخشی درمان پذیرش و تعهد بر عزت‌نفس جنسی و تعهد زناشویی زوجین با روابط آشفته. فصلنامه ایده‌های نوین روان‌شناسی ۲ (۶): ۱-۱۰.
۸. جواهری، محمدحسین؛ شوقی، بهزاد؛ باباخانلو، اشرف، (۱۳۹۷). اثربخشی درمان پذیرش و تعهد بر عزت‌نفس جنسی و تعهد زناشویی زوجین با روابط آشفته. فصلنامه ایده‌های نوین روان‌شناسی ۲(۶): ۱-۱۰.
۹. خمسه، اکرم و حسینیان، سیمین، (۱۳۸۷). بررسی تفاوت‌های جنسیتی بین ابعاد مختلف صمیمیت در دانشجویان متأهل. مطالعات زنان، ۶(۱): ۳۵ تا ۵۲.
۱۰. خیاط، ابراهیم، (۱۳۹۶). بررسی نقش تعدیل‌گر تعهد مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و طرح‌واره‌های ناسازگار با گرایش به خیانت در زنان و مردان متأهل. فصلنامه نسیم تندرستی.

۱۱. رضاپور، میر صالح؛ یاسر، دلخون؛ حمید، اسماعیل بیگی؛ ماهانی، منیره و چهره آزاد، فریبا، (۱۳۹۸). اثربخشی مداخله مبتنی بر تعهد و صمیمیت جنسی بر سازگاری زناشویی و رضایت جنسی زنان متأهل. نشریه روان پرستاری، ۷(۱)، ۴۱-۴۹.
۱۲. زارعی محمود آبادی، حسن، (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش زوج درمانی مثبت نگر بر صمیمیت زناشویی و امید به زندگی زنان عادی شهرستان بافق. طلوع بهداشت یزد، ۱۶(۲): ۹۸-۱۰۹.
۱۳. سهرابی، حمیدرضا؛ عسکری، طیبی فرزانه. (۱۳۹۷). تأثیرات سبک زندگی اسلامی بر بهداشت روانی خانواده از منظر آیات و روایات اسلامی. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۳(۱): ۴۳-۵۱.
۱۴. شاه‌سیاه، مرضیه، (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهر اصفهان. مجله علمی-پژوهشی اصول بهداشت روانی، ۱۱(۴۳): ۲۳۳ - ۲۳۸.
۱۵. طغیانی، مجتبی؛ کجباف، محمد باقر و بهرام پور، مهدی، (۱۳۹۲). رابطه سبک زندگی اسلامی با نگرش‌های ناکارآمد در دانشجویان. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۴(۵۴): ۳۵ - ۴۳.
۱۶. عباسی مولید، حسین، (۱۳۸۸). بررسی تأثیر آموزش گروهی واقعیت-درمانی بر تعهد زناشویی زوجین شهرستان خمینی شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
۱۷. عبداللهی، الهام؛ صداقتی فرد، مجتبی؛ حقیقت، سارا، (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش‌های مربوط به خیانت براساس ملاک‌های انتخاب همسر و نگرش مربوط به عشق. فصلنامه روان‌شناختی تحلیلی-شناختی. ۹(۳۲): ۲۵-۳۳.
۱۸. عبدالله‌زاده، حسن، (۱۳۸۹). معرفی مقیاس نگرش به خیانت مارک واتلی. تهران، مؤسسه آزمون یار پویا.
۱۹. عجم، علی‌اکبر، (۱۳۹۵). تأثیر آموزش مستقیم و غیرمستقیم ماهواره بر تعارض زناشویی و نگرش به خیانت. مجله مطالعات اسلامی و روان‌شناسی، ۱۰(۱۸): ۱۲۱-۱۴۲.
۲۰. عرب بافرانی، حمیدرضا؛ کجباف، محمدباقر؛ عابدی، احمد و حبیب‌الهی، سعید. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش معنویت بر سازگاری زناشویی زوجین. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۷(۱۲): ۹۵-۱۱۲.
۲۱. عزتی، نسیم و کاکابراتی، کیوان. (۱۳۹۵). پیش‌بینی خیانت زناشویی براساس کیفیت زناشویی و پنج عامل بزرگ شخصیتی. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری. ۱(۹): ۷۵ - ۸۲.
۲۲. فردوسی، سیما، (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی براساس رفتار دل‌بستگی در روابط زناشویی، کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دل‌بستگی در زنان متأهل. روان‌شناسی معاصر، دوفصلنامه انجمن روان‌شناسی ایران ۲(۱۳): ۱۴۹-۱۵۷.
۲۳. قاصدی، مسعود. (۱۳۹۸). اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی در زنان آسیب دیده از خیانت همسر بر تنظیم هیجانی، بخشش و صمیمیت زناشویی. روان‌شناسی اجتماعی، ۷(۵۲): ۵۰-۴۱.
۲۴. قنبری هاشم آبادی، بهرام علی؛ حاتمی ورز، ابولفضل؛ اسماعیلی، معصومه و فرح‌بخش، کیومرث، (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های فرزند پروری، دل‌بستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی. جامعه‌شناسی زنان. ۲(۳): ۳۹ - ۶۰.
۲۵. کاویانی ارانی، محمد، (۱۳۸۸). طرح نظریه سبک زندگی براساس دیدگاه اسلام و ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی عمومی. اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۲۶. کربلایی، محبوبه و آذری، الناز، (۱۳۹۶). اثربخشی درمان هیجان مدار بر صمیمیت زناشویی و کاهش دلزدگی زناشویی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره منطقه ۲ شهر تهران. مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی. ۳(۲/۱): ۱۰۸ - ۱۱۷.
۲۷. هادی، سعیده؛ اسکندری، حسین؛ سهرابی، فرامرز؛ معتمدی، عبدالله و فرخی، نور علی. (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس سبک‌های دل‌بستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طحوااره‌های ناسازگار اولیه (در افراد دارای روابط فرزند زناشویی عاطفی). فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۲۸: ۳۳ - ۶۰.

۲۸. هوشمند، شادی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه خرده مقیاس‌های صمیمیت ازدواج با شاخص ازدواج موفق در زوجین شهرستان مراغه، پایان‌نامه کارشناسی، گروه مشاوره.
۲۹. یوسفی، ناصر؛ کریمی‌پور، بنت الهدی؛ امانی، احمد. (۱۳۹۶). بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی. فصلنامه مشاوره کاربردی، ۱۳(۱): ۴۷-۶۴.
30. Queija, I. S., & Oliva, A., & Parra, A., Camacho, C. (2016). Longitudinal Analysis of the Role of Family Functioning in Substance Use. *Journal of Child and Family Studies*, 25(1), 232-240.
31. Russell, B. S., & Simpson, E., & Flannery, K. M. (2017). The impact of Adolescent Substance Use on Family Functioning the Mediating Role of Internalizing Symptoms. First Published January, 23(4), 18-21.
32. Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72(5), 1177.
33. Bagarozzi, D. A. (2014). Enhancing intimacy in marriage, Branner-Rouledye, Tylor & Forancis group.
34. Chaney, D. (2012). *Lifestyles*. 1st Edition, Routledge.
35. Fife, S. T., Weeks, G. R., & Stellberg-Filbert, J. (2013). Facilitating forgiveness in the treatment of infidelity: An interpersonal model. *Journal of Family Therapy*, 35(4), 343-367.
36. Tang, C. Y., & Curran, M. A. (2013). Marital commitment and perceptions of fairness in household chores. *Journal of Family Issues*, 34(12), 1598-1622.
37. Martin, G. M., & Tardif, M. (2014). What we do and don't know about sex offenders' intimacy dispositions. *Aggression and Violent Behavior*, 19(4), 372-382.
38. Mitchell, A. E. (2007). The effect of self-disclosure and empathic responding on intimacy: Testing an interpersonal process model of intimacy using an observational coding system (Doctoral dissertation, Texas A&M University).
39. Mosko, J. (2009). Communication and attachment dimension's in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy. Purdue University.
40. Macher, S. (2013). Social interdependence in close relationships: The actor-partner-interdependence-investment model (API-IM). *European Journal of Social Psychology*, 43(1), 84-96.
41. L. Platt, R. A., Nalbone, D. P., Casanova, G. M., & Wetchler, J. L. (2008). Parental conflict and infidelity as predictors of adult children's attachment style and infidelity. *The American Journal of Family Therapy*, 36(2), 149-161.
42. de Castro-Bofill, F. R. A., Barrameda, M. J. M., Dadvivas, M. C. S., Panganiban, E. R., & San Jose, A. C. G. (2016). Living within a Broken Vow: The Impact of Parental Infidelity among Late Adolescents in Establishing Romantic Relationships. *Universal Journal of Psychology*, 4(5), 228-235.
43. Shahabi Nezhad, Z., Alian, B., & Hashemi Golpayegani, F. (2016). Effectiveness of Group Counselling on Improvement of Marital Relationship in Infidelity-Affected Mothers of Students in Tehran City. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, 5(2): 309.
44. Edalati, A., & Redzuan, M. R. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American science*, 6(4), 132-137.
45. Sternberg, R. J., & Grigorenko, E. L. (1997). Are cognitive styles still in style?. *American psychologist*, 52(7), 700-712.
46. John, N. A., Seme, A., Roro, M. A., & Tsui, A. O. (2017). Understanding the meaning of marital relationship quality among couples in peri-urban Ethiopia. *Culture, health & sexuality*, 19(2), 267-278.
47. Dildar, S., Sitwat, A., & Yasin, S. (2013). Intimate enemies: Marital conflicts and conflict resolution styles in dissatisfied married couples. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 15(10), 1433-1439.
48. Nayeri, A., Lotfi, M., & Noorani, M. (2014). The effectiveness of group training of transactional analysis on intimacy in couples. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 152(2014), 1167-1170.
49. Toplu-Demirtaş, E., & Fincham, F. D. (2017). Dating Infidelity in Turkish Couples: The Role of Attitudes and Intentions. *The Journal of Sex Research*, 1(1), 1-11.
50. Miller, J. and Tedder, B. (2011). The Discrepancy between Expectations and Reality: Satisfaction in Romantic Relationships. Hanover College, PSY 401: Advanced Research.

51. Regas, S. (2019). Infidelity, self-differentiation, and intimacy: The mindful differentiation model of couple therapy.
52. Millner, V. S. (2008). Internet infidelity: A case of intimacy with detachment. *The Family Journal*, 16(1), 78-82.
53. Rokach, A., & Philibert-Lignières, G. (2015). Intimacy, loneliness & infidelity. *The Open Psychology Journal*, 8(1).
54. Rodrigues, D., Lopes, D., & Pereira, M. (2017). Sociosexuality, commitment, sexual infidelity, and perceptions of infidelity: data from the second love web site. *The Journal of Sex Research*, 54(2), 241-253.
55. Mattingly, B. A., Clark, E. M., Weidler, D. J., Bullock, M., Hackathorn, J., & Blankmeyer, K. (2011). Sociosexual orientation, commitment, and infidelity: A mediation analysis. *The Journal of social psychology*, 151(3), 222-226.

The Role of Islamic Life Adherence, Marital Intimacy, and Attitude toward Infidelity in Predicting Marital Commitment

Nezamaddin Ghasemi¹, Mohammad Hossein Zarei², Maedeh Ayaty, Behnaz Ertezaie³

1. Doctor of Psychology, Assistant Professor, Faculty Member of Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, Iran. (Responsible author)

E.mail: nezamaddinghasemi@gmail.com

2. Master Student of Clinical Psychology, University of Isfahan, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Isfahan, Iran

gmhz.4396@gmail.com

3. Bachelor of Psychology, Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, Iran

gmhz.4396@gmail.com

4. PhD Student in Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Ahvaz, Iran

behnaz_ertezaee@yahoo.com

Abstract

The purpose of this study was to investigate the role of Islamic lifestyle adherence, marital intimacy and attitude towards infidelity in predicting marital commitment of married women in Isfahan.

This is a descriptive-analytical study in the field of correlation and regression studies. The statistical population includes all married women of Isfahan city with at least 2 years and up to 3 years of marriage in winter of 1397. Using the available sampling method, 39 married women were selected and the Kaviani Islamic Lifestyle Questionnaire (ILST), Marital Intimacy Needs (Bagarozzi, 2014), Mark Wattle's Infidelity Attitude (2006) and Adams & Jones Marital Commitment (DCI) were used. Data were analyzed using SPSS-24 software and simultaneous regression.

The results showed that between Islamic lifestyle and marital intimacy ($r = 0/296$ and $\text{sig} = 0/067$), Islamic lifestyle and marital commitment ($r = 0/47$ and $\text{sig} = 0/003$), marital intimacy and marital commitment ($r = 0/688$, $\text{Sig} = 0.000$), There was a significant positive relationship ($P < 0.01$) and also between the Islamic lifestyle and attitude to infidelity ($r = -0/37$ and $\text{sig} = 0/021$), Marital intimacy, and attitude to infidelity ($r = -0/396$ and $\text{sig} = 0/013$) and attitude to infidelity and marital commitment ($r = -0/443$ and $\text{sig} = 0/005$) have a significant negative relationship ($P < 0.01$). The results of regression analysis showed that the three variables of an Islamic lifestyle, marital intimacy and attitude to infidelity, can explain 1% of the variance in marital commitment ($P < 0.01$). In addition to the Islamic lifestyle, marital intimacy ($\text{Sig} = 0.000$ and $\text{Sig} = 0.042$) had a significant relationship with marital commitment, and the magnitude of this effect is ($\text{Beta} = 0.257$ and $\text{Beta} = 0/562$).

A: It can be said that adherence to a lifestyle based on Islamic teachings is also related to increasing marital intimacy and improving attitudes to infidelity and marital commitment.

Keywords: Islamic lifestyle, marital intimacy, marital commitment, attitude to infidelity.

ارائه الگوی مفهومی عفاف جنسی مبتنی بر آیات قرآن کریم (پژوهش کیفی)

محمد سعید کریمی

سطح ۴ حوزه علمیه قم، کارشناس ارشد اخلاق کاربردی، قم؛ مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
M_saeedkarami@yahoo.com

تاریخ پذیرش: [۹۸/۹/۲۳]

تاریخ دریافت: [۹۸/۱/۱۸]

چکیده

این پژوهش به ارائه الگوی مفهومی «عفاف جنسی» از طریق شناسایی و بررسی مؤلفه‌های عفاف جنسی و عامل‌های الگو پرداخته است. این اثر، پژوهشی کیفی و بنیادی است که در بخش ارائه الگوی مفهومی، براساس نظریه برخاسته از داده‌ها به توصیف و تحلیل پرداخته است. به این منظور از آیات قرآن ۷ مفهوم همسو با عفاف شناسایی و با رویکردی انسجام‌گرایانه تبیین شد. با ارائه الگو، نقش برخی از این مفاهیم در تبیین عفاف جنسی به تأیید رسید. از مجموع ۳۴۵ آیه قرآن درباره مسائل جنسی، تعداد ۵۰ آیه که ارتباط مستقیم با عفاف جنسی داشت انتخاب و سپس با کدگذاری باز، مجموعاً ۴۹ کد شناسایی شد. در مرحله کدگذاری محوری، داده‌ها در ۱۹ محور و مفهوم کلیدی دسته‌بندی شدند و در مرحله کد انتخابی، این مفاهیم در ذیل ۴ عامل الگو، قرار گرفتند. عامل‌های الگو شامل مؤلفه‌های مقوله کانونی، زمینه‌ها و علل، مفاهیم راهبردی و پیامدهای عفاف جنسی شناسایی شد و در انتها با طی این فرایند، مدل مفهومی عفاف جنسی با رویکرد قرآنی طراحی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: عفاف، عفاف جنسی، اخلاق جنسی، الگوی مفهومی، قرآن

مقدمه و بیان مسئله

سبک زندگی غربی تأثیرات هولناکی بر شیوع بی بندوباری جنسی داشته است. عفاف به صورت جهانی در همه‌ی نمونه‌های روابط حقیقی و مجازی دستخوش انحراف شده است. به عنوان یک نمونه از جلوه‌های بصری بی‌عفتی می‌توان به این آمار تکان دهنده در سال ۲۰۰۳ اشاره کرد که ۶۴ درصد از تمام برنامه‌های تلویزیونی در آمریکا حاوی مطالب جنسی بوده‌اند. (کانکل و همکاران، ۲۰۰۳) وجود برنامه‌ها و فیلم‌هایی با محتوای جنسی، موزیک-ویدیوها، فیلم‌های مخصوص بزرگسالان و... زمینه را برای مخدوش شدن عفاف در جامعه و به خصوص در میان جوانان و نوجوانان فراهم کرده است. از این رو کاملاً منطقی به نظر می‌رسد که انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) درباره روند جنسی دختران گفته است: «تردیدی نیست که دختران (و پسران) در فضای فرهنگی اشباع شده از پیام‌های sexualizing رشد می‌کنند» (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۲۰۰۷). براساس تحقیقی که در سال ۲۰۰۸ انجام شد ۳۹ درصد از نوجوانان پیام‌های جنسی

و سوسه‌انگیز را پست می‌کنند و ۴۸ درصد از آنها این نوع پیام‌ها را دریافت می‌کنند (کمپین ملی جلوگیری از بارداری نوجوانان، ۲۰۰۸). برخی تحقیقات نشان داده‌اند که بیش از ۶۵ درصد از افرادی که به دنبال پیدا کردن فردی برای داشتن رابطه جنسی از طریق اینترنت بوده‌اند، یک رابطه با شریک اینترنتی داشته‌اند (مک فارکن و همکاران، ۲۰۰۰). این روابط افسار گسیخته بلای جان خانواده شده است. علی‌رغم اینکه غالب غربی‌ها (به‌ویژه آمریکایی‌ها) خیانت را اشتباه می‌دانند، در طی مطالعاتی در سال ۱۹۹۴، نشان داده شد ۲۴/۵ درصد از مردان و ۱۵ درصد از زنان به داشتن رابطه جنسی با کسی غیر از همسرشان پس از ازدواج اعتراف کرده‌اند. (لامن و همکاران، ۱۹۹۴). اینها بخشی از وقایع دو دهه قبل است. اما وضعیت امروز اروپا و آمریکا برای کسی که با دوران ملکه وکتوریا (۱۹۳۷-۱۹۰۱) در انگلیس آشنا است باورپذیر نیست. زمانی که بیان احساسات جنسی به‌صورت کلامی یا نوشتاری تنها با زبان استعاره انجام می‌شد. در آن دوران زمانی که زنی قوزک پای خود را به مردی نشان می‌داد نشان دهنده بی‌عفتی او بود و او در اجتماع یک زن روسپی به‌شمار می‌آمد (درازنین، ۲۰۰۱). سبک زندگی غربی نامی محدود به یک جغرافیای خاص نیست. این نوع زندگی می‌تواند سایر فرهنگ‌ها -از جمله فرهنگ ایرانی- اسلامی- را به کام نابودی بکشاند.

قرآن کریم بهترین منبع برای سبک زندگی عقیفانه است. در این سبک زندگی کیفیت حیات بشر ارتقاء می‌یابد و نیازهای معنوی، روانی و جسمانی او برطرف می‌گردد. در حدود ۳۴۵ آیه از ۶۲۳۶ آیه قرآن کریم به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با عفاف و به‌ویژه مرتبط با مسائل جنسی است. این نشانه‌ی بسیار مهمی بر اهتمام اسلام به برآورده شدن نیازهای روانی انسان و کنترل و برنامه‌ریزی برای نیروی جنسی اوست.

روح مشترک میان این آیات - از واژگان حساسیت برانگیز گرفته تا ترسیم چارچوب روابط میان زن و مرد، ارائه راه کار عملی در زمینه‌ی کنترل نیاز جنسی، الگوی رابطه همسران و تربیت جنسی - رعایت عفاف در جنبه‌های رفتاری و منشی است.

سؤالی که مطرح است این است که الگوی مفهومی عفاف که براساس آن بتوان نظریه‌پردازی کرد چیست؟ طبیعتاً به دلیل اینکه عفاف (لااقل جنبه‌هایی از آن)، مفهومی دینی است، باید پاسخ این سؤال از منابع دینی دریافت شود.

الگوی مفهومی یک رویکرد و ابزاری فراگیر و روشی نوین در تبیین مطالب است. ارائه‌ی الگوی مفهومی سنگ بنای فرضیه‌های مبتنی بر مفاهیم است. چنین بهره‌گیری‌هایی مستلزم مواردی همچون معرفی، عمومی سازی، استاندارد سازی و ایجاد زبان واحد خواهد بود.

آنچه در مدل مفهومی اهمیت دارد عبارت است از شناخت روابط علی میان متغیرها و نتایج (جفری ام، ۱۳۸۹). البته در پژوهش‌های توصیفی که تنها متغیر مستقل مطرح است، به‌واسطه‌ی الگوی مفهومی می‌توان روابط میان مفهوم اصلی و زمینه‌ها، ابزار و پیامدها را کشف نمود.

به هر روی جنبه‌هایی از عفاف جنسی مربوط به فرهنگ و جامعه است و مدل سازی در یاری رساندن به پژوهشگر برای تبیین پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی از توانمندی قابل توجهی برخوردار است (قاسمی، ۱۳۸۸).

قرآن کریم با بیان ارزش‌های اخلاقی در زمینه مسائل جنسی و ارائه‌ی مصادیق عینی عفت‌ورزی، منبع مهمی در الگوی مفهومی عفاف به‌شمار می‌آید. به‌منظور دریافت الگوی مفهومی عفاف از قرآن کریم، باید مطالب مرتبط با موضوع، با مرور و بررسی تمام آیات استخراج می‌گردید. از این‌رو چند مرتبه قرآن کریم مورد مطالعه قرار گرفت و پس از استخراج آیات مربوطه و طبقه‌بندی آنها، برداشت الگو میسر شد.

در مرحله واژه‌شناسی ۷ مفهوم همسو با عفاف، از قرآن شناسایی شد. روش تحقیق در این مرحله کتابخانه‌ای و گردآوری اطلاعات براساس اسناد می‌باشد. اطلاعاتی که پیش از ارائه الگوی مفهومی عفاف جنسی به‌دست آمده است مانند فرضیه‌هایی است که پس از ارائه‌ی الگو، اثبات یا رد خواهند شد. از این رو در مرحله الگوشناسی آن دسته از آیات

جنسی که ارتباط بیشتری با موضوع داشتند انتخاب و در مراحل سه‌گانه، کدگذاری شد. در این مرحله با روش پژوهش کیفی و بر اساس «نظریه برخاسته از داده‌ها» الگوی نهایی عرضه شده است. عامل‌های این الگو عبارتند از: زمینه‌ها و علل، مفهوم اصلی (مقوله کانونی)، راهبردها و پیامدها که به این ترتیب روابط میان مفاهیم کشف شده است. ۳ مؤلفه برای مفهوم اصلی، ۵ مورد زمینه‌ها و علل، ۶ مفهوم راهبردی و ۴ مورد پیامد عفاف جنسی از نگاه قرآن شناسایی شد.

۱- مفهوم‌شناسی «عفاف»

عَفَافٌ و عِفَّةٌ مصدر فعل عَفَى - يَعْفَى است که در معنای لغوی آن اختلاف چندانی نیست. مقایسه آن را به معنای خودنگهداری نسبت به هر چیز قبیح می‌داند (احمد ابن فارس، ۱۴۰۴ق) و لسان‌العرب نیز آن را به معنای خویشتن‌داری نسبت به هر چیز حرام و نازیبا تعریف می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق). از میان واژه‌پژوهان قرآنی راغب اصفهانی عفت را به معنای حصول حالتی برای نفس می‌داند که به واسطه آن می‌توان بر غلبه‌ی شهوت، فائق آمد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۷۳). مصطفوی نیز با بررسی تمامی مصادیق عفاف در قرآن، آن را اینگونه تعریف می‌کند: «عفاف در هر حال و برای زن و مرد، پیر و جوان، فقیر و غنی، عالم و جاهل به معنای جلوگیری از تمایلاتی است که برای نفس سزاوار نیست.» (مصطفوی، ۱۳۶۰).

در اصطلاح نیز معنای لغوی کاملاً مراعات شده است. عفاف از منظر اخلاق فلسفی، فضیلت و میانه‌روی در قوه شهویه است که می‌توان از آن به مفهوم عام «اعتدال در قوه شهویه» تعبیر کرد. اگرچه منظور از شهوت در اینجا تمامی تمایلات انسان است لکن در بسیاری از موارد منظور از عفاف، اعتدال در مسائل جنسی است خواه در زندگی زناشویی باشد یا روابط زن و مرد یا همجنس.

حد میانه‌ی شهوت جنسی آن اندازه‌ای است که نیازهای جسمی، روحی و روانی فرد برآورده شود و کیفیت زندگی او را بهبود بخشد. بنابراین او حق ندارد از این مقدار کم بگذارد و خویش را به فراموشی بسپارد. همچنانکه نباید آنقدر خود را غرق در شهوت‌رانی کند که از پای درآمد و از سایر امور مهم بازماند. از سوی دیگر رفتارهای جنسی در ساحت اجتماع باید به گونه‌ای باشد که از حدود خود خارج نشده و حیاء و عفت عمومی را خدشه‌دار نکند.

۱-۲- تبارشناسی «عفاف جنسی»

معنی اصطلاحی عفاف بسیار مرتبط با علم‌النفس و روان‌شناسی است. هرچند در اخلاق و فقه از احکام عفاف سخن گفته می‌شود، اما این احکام مبتنی بر شناخت دقیق آن در روان‌شناسی است.

عفاف یک ویژگی شخصیتی است که با اراده و ممارست می‌توان به آن دست یافت. این نکته کاملاً با شواهد قرآنی سازگاری دارد، زیرا یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد عفاف زیرساخت‌های شخصیتی دارد. همچنین ویژگی‌های مثبت شخصیتی مانند عزت نفس، اراده، معنویت، طهارت، قناعت و ثبات، در شکل‌گیری شخصیت عقیف مؤثر هستند. بنابراین جایگاه عفاف جنسی از نظر ارتباط آن با نفس، مباحث روان‌شناسی شخصیت و جایگاه آن از نظر تمایلات، مباحث انگیزش و هیجان است.

۲-۲- سنخ‌شناسی «عفاف جنسی»

می‌توان مفهوم عفاف را در یک پیوستار تصور نمود. هر اندازه مؤلفه‌های آن در بُعد درونی و رفتاری پرننگ‌تر باشد، سطح عفاف بالاتر خواهد بود. قرآن کریم به روشنی نشان می‌دهد، سطح عفت‌ورزی باتوجه به وضعیت فرهنگ و شرایط اجتماعی (نساء/۲۵)، سن (نور/۶۰)، جنسیت (نور/۳۱)، توانایی فرد (نساء/۲۵)، نَسَب (احزاب/۳۲) و ازدواج (بقره/۱۸۷)

و ... تغییر می‌کند. این تغییرپذیری به معنای نسبیّت مورد ادعا در مسأله نسبیّت اخلاق نیست. عفاف در همه جا و همه شرایط لازم و خوب است، اما عفاف همانند بسیاری از فضایل اخلاقی با پیامدهای خود سنجیده می‌شود. مثلاً اگر یکی از اهداف عفاف را آرامش و انضباط اجتماعی بدانیم طبعاً عفت‌ورزی بین زن و مرد یا جوان و مُسن که جذابیت و کنش جنسی متفاوتی دارند، گوناگون خواهد بود.^۱

۲-۳- مفاهیم همسو با «عفاف جنسی»

مفاهیم و واژگانی در قرآن و روایات هستند که با عفاف به معنای یاد شده ارتباط مستقیم دارند. این مفاهیم عبارتند از: تقوا، حیا، عدالت، طهارت باطنی، احسان و ازدواج که با بررسی اولیه ارتباط آنها با عفاف سنجیده می‌شود و در مرحله الگوسازی این روابط به صورت کامل‌تر تبیین خواهد شد.

۱-۳-۲. عفاف و تقوا

از مفاهیم مشابه با عفاف مفهوم «تقوا» است. بهترین شاهد برای شباهت این دو، تلاش واژه‌پژوهان برای فرق گذاری میان آن دو است (مصطفوی، ۱۳۶۰).

در فرآیند خویشنداری و محافظت از خود، انسان ابتدا با مهارکردن نفس در برابر تمایلات، خود را کنترل کرده و از رفتار ناصواب اجتناب می‌ورزد. همین فرآیند در عفاف نیز قابل مشاهده است که انسان عقیف ابتدا خود را نسبت به خواهش‌های نفسانی کنترل می‌نماید و سپس رفتار عقیفانه از او سر می‌زند یا از رفتار ناصواب اجتناب می‌کند. توجه به معنای لغوی تقوا و مشاهده نمونه‌های آن، حاکی از این واقعیت است که تقوا جنبه سلبی دارد. یعنی هر کاری که ترک یا انجام داده می‌شود با هدف دفع و رفع نامالیمات و امور منفی است.

اما هر کاری که انسان عقیف ترک می‌کند یا انجام می‌دهد با هدف جلب امور مثبت نظیر عزت نفس، پذیرش و اتکای به خود، و در یک کلام اعتدال در خواسته‌ها است.

از این رو می‌توان گفت تقوا و عفاف به معنای عام آن- در بُعد درونی یکی هستند و در بُعد رفتاری آنچه موجب تمیز آن دو می‌شود اهداف و مقاصد آن دو است. در عفت‌ورزی هدف اعتدال است و در تقوا هدف محافظت از خویشتن است.

۲-۳-۲. عفاف و حیا

حیا فضیلتی است که باعث کناره‌گیری انسان از بسیاری از کارهای ناپسند و انجام کارهای نیکو می‌شود. از دیدگاه روایات بسیاری از رفتارهای مانند تکریم میهمان، وفای به وعده، برطرف کردن حوائج دیگران، نیت کار خوب، دوری زشتی‌ها، انجام واجبات، رعایت حقوق دیگران و در نهایت عقیف بودن نسبت به فحشاء، برآمده از صفت حیا هستند (مفضل بن عمر، بی تا، ۷۹). هم‌چنانکه در حدیثی آمده یکی از ویژگی‌های مؤمن این است که حیای او بر شهواتش حکمرانی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق). وجود این فضیلت، فرد به سوی پوشش مناسب، پرهیز از روابط نامشروع، نگاه کنترل شده، مراقبت از حقوق جنسی طرف مقابل و ... هدایت می‌کند.

باتوجه به تعریف عفاف و حیا می‌توان گفت صفت حیا، ابزاری برای نمایش بیرونی و بُعد رفتاری عفاف است. برای اینکه اعتدال در خواسته‌ها -که جنبه درونی دارد- خود را در رفتار نشان دهد، باید ویژگی حیا تقویت شود.

در مقابل فضیلت حیا، نوعی حیا مذموم وجود دارد. رعایت حیا نه از سر عفاف و کنترل دورونی بلکه به دلیل ترس و ...، نه تنها فضیلت نیست بلکه در کنار بیماری‌های روانی مانند افسردگی و درون گرایی مزمن و ... قرار می‌گیرد.

۱. تبیین علمی چرایی تفاوت‌ها در شکل و میزان عفت‌ورزی از عهده این پژوهش خارج است.

۲-۳-۳. عفاف و طهارت باطنی

قرآن کریم در برخی از آیات مربوط به مسائل جنسی، از واژه طهارت استفاده نموده است. مثلاً در هنگام بیان نعمت‌های بهشتی از زنان پاکدامن با عبارت «فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ» (بقره/۲۵، آل عمران/۱۵، نساء/۵۷) یاد می‌کند. همچنین برای معرفی روابط جنسی عقیفانه در برابر روابط ناهنجار مانند همجنس‌گرایی از واژه طهارت استفاده نموده است (هود/۸۷، اعراف/۸۲، نمل/۵۶). قرآن کریم رعایت عفاف در برخورد‌های اجتماعی میان نامحرمان را نیز موجب پاک‌ی دل می‌داند و می‌فرماید: «أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ» (احزاب/۵۳). این آیات نشان می‌دهند که رفتار عقیفانه ناشی از طهارت باطنی است و همین رفتار موجب افزایش طهارت دل می‌شود.

۲-۳-۴. عفاف و عدالت

رویکرد فلسفی به اخلاق، عدالت را راه میانه‌ی قوه ناطقه می‌داند نه قوه شهویه، در این میان انواع عدالت آنچه موجب تشابه عدالت و عفاف شده است «رفتار عادلانه نسبت به خود» است. میانه روی در رابطه‌ی جنسی دست کم به دو دلیل لازم است؛ اول به جهت رعایت عفاف و دوم به جهت رعایت عدالت نسبت به خود. چنانچه عفاف به معنای اعتدال در تمایلات، به خاطر ارزش ذاتی‌اش، مورد توجه باشد نگاهی فضیلت محورانه به آن دوخته شده است و چنانچه عفت-ورزی، نه به جهت خوب بودن فی‌نفسه بلکه به دلیل رعایت عدالت نسبت به خود انجام شود این نگاه خودگرایانه است (کریمی، ۱۳۹۵، ۸۷). به هر روی توجه به عفاف صرفاً به خاطر آثار فردی و اجتماعی آن، مناسب با دیدگاه غایت‌گرایان است.

۲-۳-۵. عفاف و کفاف

کفاف از ریشه کفّ یكفّ، است و هر واژه‌ای از این ریشه مشتق شود باید معنی «منع از محقق شدن امری» در آن باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ۸۵). کفاف به معنی دست ننگه داشتن از درخواست و احساس بی‌نیازی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ۱۱۳). کسی که به کفاف و قناعت می‌رسد به اندازه‌ی نیازش از دنیا مصرف می‌کند و اضافه نمی‌آورد (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷).

از ویژگی‌های انسان عقیف، خودمهارگری است. یعنی انسان عقیف می‌تواند خود را نسبت به زیاده‌خواهی‌ها منع کند و از شتاب‌زدگی در انتخاب و عواقب انتخاب نسنجیده بپرهیزد. این تناسب معنایی مورد تأیید روایاتی است که در آنها کفاف و عفاف در کنار هم ذکر شده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ ق؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق؛ مفید، ۱۴۱۳).

از کنار هم قرار دادن مفاهیمی چون قناعت‌ورزی، کف نفس، تقوا و خودمهارگری و آموزه‌هایی چون رعایت حریم میان نامحرمان، پوشش مناسب، مراقبت از نگاه‌ها و ... می‌توان به این نتیجه رسید که اگرچه دین اسلام به نیازهای فردی توجه ویژه‌ای کرده است اما از توجه حداکثری به آن، دل‌مشغولی مداوم و برافروختن شعله‌ی شهوت -که ممکن است به رها شدن افسار آن بیانجامد- بپرهیز داده است. به هر حال قناعت‌ورزی به معنی بی‌توجهی به نیازهای خود و جامعه نیست بلکه به معنی استفاده از هر نعمتی به مقدار احتیاج افراد غیربیمار است.

۲-۳-۶. عفاف و احسان

از واژه‌های پرکاربرد در ادبیات جنسی قرآن کریم که تأثیر به‌سزایی در شناخت دیدگاه قرآن نسبت به مسائل جنسی دارد، واژه‌ی «احسان» است. «حِصْن» در لغت به معنای مکان محافظت شده‌ای است که به درون آن راهی نیست (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ ق).

در قرآن کریم «محصنات» به سه معنا به‌کار رفته است: زنان پاکدامن (نور/۴)، زنان شوهردار (نساء/۲۴)، زنان آزاد (نساء/۲۵). وجه اشتراک این سه معنی، عفاف است که برای زن حاصل می‌شود. زنی که خود را بدون ازدواج و یا در

اثر عدم ملکیت عقیف نگاه داشته و یا به سبب ازدواج عفت او حفظ شده است، در مهم موارد پاکدامن و محافظت شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق).

خانواده نه با قوه قهریه و خشونت بلکه با مودت و رحمت تبدیل به دژ می‌شود. در روایات اموری ذکر شده که در صورت توجه به آن‌ها زن و مرد با چشم و دلی پاک زندگی جنسی خود را از هرج و مرج و فحشا به دور خواهند داشت و زندگی آن‌ها همچون حصن و دژ می‌شود. محکم از عوامل انحراف مصون خواهد ماند.

اظهار محبت و علاقه (کلینی، ۱۴۰۷ ق؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳)، توجه به آراستگی ظاهری خود (کلینی، ۱۴۰۷ ق؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳)، اعلام آمادگی برای رابطه و پا پس نکشیدن از آن (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴ ق؛ طبرسی، ۱۳۷۰)، پیش‌نوازی (علی بن موسی الرضا، ۱۴۰۲ ق) و برانگیختن (طوسی، ۱۴۰۷ ق)، برخی از موارد توصیه شده در روایات هستند که توجه همسران به آن‌ها موجب پاکدامنی و تحصین طرف مقابل خواهد شد. از این رو می‌توان ادعا کرد احادیثی که می‌فرمایند: «فحصنوهن فی البیوت» (العیاشی، ۱۳۸۰ ق) مرادشان زندانی کردن زن نیست بلکه در صدد بیان تأثیر رفتار همسران در پایند کردن شریک زندگیشان در خانه و جلوگیری از انحراف او است.

به هر روی «احسان» به معنای نفوذناپذیری در برابر عوامل انحراف جنسی و «تحصین» یعنی نفوذناپذیر کردن شریک زندگی، از عوامل درونی و بیرونی ایجاد عفاف به‌شمار می‌آیند.

۲-۳-۷. عفاف و ازدواج

ازدواج راه میانه نسبت به رهبانیت و هرج و مرج جنسی است. از آیات ۳۲ و ۳۳ سوره نور به دست می‌آید که در جامعه اسلامی ازدواج اصل است، نه پرهیز و خودداری از آن. خداوند ابتدا به همه توصیه می‌کند نسبت به وضعیت ازدواج افراد جامعه بی تفاوت نباشند (نور/ ۳۲). سپس در صورت فراهم نشدن شرایط ازدواج از سوی دیگران، پاکدامنی را وظیفه‌ی شخصی هر فرد می‌داند (نور/ ۳۳). اکثر مفسران عفت را به صبر تفسیر کرده‌اند^۱. اگرچه صبر در چنین شرایطی از مصادیق عفاف به حساب می‌آید لکن معنی عفاف منحصر در آن نیست زیرا عفت حد اعتدال در قوه شهویه را گویند که ازدواج از مهم‌ترین مصادیق آن به‌شمار می‌آید. این بیان مطابق با تفسیری از امام صادق علیه السلام است که در تبیین این آیه‌ی شریفه فرمودند: «باید ازدواج کنند تا خداوند آن‌ها را از خزانه فضلش بی‌نیاز فرماید» (کلینی، ۱۴۰۷ ق؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق). از این رو برخی باتوجه به این روایت و کنار هم قرار دادن شواهد دورن متن آیات، چنین برداشت کرده‌اند که تنها راه عفت و پاکدامنی ازدواج است (یزدانی، ۱۳۷۷).

جدول ۱: رابطه میان مفاهیم همسو با عفاف جنسی

قلمرو مفهوم	تعامل مفاهیم	تقابل مفاهیم	نقش تبیینی در عفاف جنسی
عفاف (جنسی)	تقوا، طهارت، حیا	فحشا، فجور، زنا	اصل مفهوم
تقوا (ی جنسی)	عفاف، طهارت، ورع	فحشا، فجور، زنا	تبیین‌گر مفهوم عفاف
حیا	عفاف	هرزگی	ابزار نمایش عفاف در بُد رفتاری
طهارت باطنی	عفاف، تقوا، معنویت، طیب	خبثت، سوء	بستر درونی برای شکل‌گیری عفاف
عدالت	کفاف، تقوا، عفاف	ظلم (ظلم به نفس)	ندارد
کفاف	عفاف، احسان	تنوع‌طلبی	تبیین‌گر مفهوم عفاف
احسان	کفاف، عفاف، ازدواج	خیانت	اثر بیرونی عفاف
ازدواج	احسان، عفاف	اعتداء، عزوبت، طلاق	کامل‌ترین مصداق در بُعد رفتاری

۱. ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۵، ۱۱۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ۴۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ۴۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ۲۲۰.

۳- پیشینه پژوهش

درباره عفاف پژوهش‌های فراوانی وجود دارد. از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

قاضی زاده و احمدی سلمانی (۱۳۸۶) در پژوهشی به مفهوم عام عفاف - و نه عفاف جنسی - از منظر قرآن و روایات پرداخته‌اند. پژوهشگران بیشتر رویکرد تحلیلی داشته و بسیاری از آیات مربوط به عفاف را مورد بحث قرار نداده‌اند. همچنین به دلیل گستره وسیع مفهوم عام عفاف - از عفاف جنسی در ابعاد دیداری، کلامی و روابط گرفته تا عفاف فقرا و اغنیا و عفت در خوردن - مطالب به صورت پراکنده مورد طرح و بررسی قرار گرفته‌اند.

زاهدی و همکاران (۱۳۸۹) با مطالعه سیر نزول آیات مربوط به عفاف تلاش نموده‌اند تا روش قرآن کریم در نهادینه کردن عفاف و حجاب را به دست آورند. پژوهشگران با روش تحلیل محتوا ۲۱ سوره از قرآن کریم که آیات آن‌ها بیشتر به عفاف مرتبط است را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش «تبیین اصول و پایه‌های معرفتی»، «فرهنگ‌سازی» و «تشریح» سه روش مورد تأیید قرآن کریم برای نهادینه‌سازی عفاف و حجاب به شمار می‌آید.

حجازی (۱۳۹۷) تلاش نموده است نظام اخلاقی عفاف را بر مبنای سوره نور استنباط و تحلیل نماید. بر اساس یافته‌های این پژوهش مفهوم اخلاقی عفاف در قالب مؤلفه‌های اصول و مبانی، الزامات، مقدمات و موانع تبیین شده است. اگرچه این مدل می‌تواند در خصوص موضوع پژوهش کاربرد داشته باشد لکن پژوهشگر در مواردی از آیات غیر مرتبط با عفاف برای تبیین عفاف استفاده نموده است.

پژوهش‌های فوق نزدیک‌ترین آثار به پژوهش حاضر هستند لکن همانطور که دیدید هیچ یک به مدل مفهومی عفاف نپرداخته‌اند. در حقیقت گام اول به سوی سبک زندگی عقیفانه شناخت دقیق از مفهوم عفاف است که این کار صرفاً با مراجعه به لغت‌نامه قابل دستیابی نیست.

۴- روش‌شناسی

این پژوهش با روش کیفی و بر مبنای نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۱ انجام شده است. در این روش پژوهشگر یکی از مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری باز را به عنوان مقوله محوری که اساس یک نظریه است، شناسایی می‌کند (کرسول، ۱۳۹۸). سپس سایر مقوله‌ها به عنوان زیر مجموعه دیگر عوامل الگو (زمینه و علل، راهبرد و پیامد) دسته‌بندی شده و رابطه آنها با مقوله محوری (مفهوم اصلی) مشخص می‌شوند.

جامعه آماری مورد مطالعه آیات قرآن کریم هستند که پس از مطالعه کل قرآن، آیه‌های مربوط به مسائل جنسی استخراج شد. این آیات بالغ بر ۳۴۵ آیه از قرآن کریم است. برخی از این آیات در رابطه با واژگان حساسیت برانگیز - مانند اندام جنسی، اشاره به خصوصیات زنانه (مانند قاعدگی، حاملگی، ولادت و شیردهی)، منشأ خلقت انسان (منی، نطفه و ...)، - است و مابقی آیات درباره مسائل جنسی و جنسیتی و حکم فقهی و اخلاقی آن‌ها می‌باشد. به هر روی قرآن کریم در موضوعات مختلف جنسی مانند نگاه، پوشش، خواستگاری و ازدواج، طلاق، روابط جنسی، تربیت جنسی و ... بر حفظ و گسترش عفاف تأکید نموده است.

با بررسی آیات جنسی، تعداد ۵۰ آیه که به طور مستقیم با عفاف جنسی یا واژه‌های همسو با آن ارتباط داشت انتخاب و سپس با کدگذاری باز مجموع ۴۹ کد شناسایی شد. در مرحله کدگذاری محوری، داده‌ها در ۱۹ محور و مفهوم کلیدی دسته‌بندی شدند و در مرحله کد انتخابی، این مفاهیم در ذیل ۴ عامل الگو، قرار گرفتند.

مرحله کدگذاری باز: ۴۹ مفهوم اولیه



مرحله کدگذاری محوری: ۱۶ مفهوم کلیدی

حیا (۱۶ مورد)، آراستگی (۱ مورد)، ثبات شخصیت (۱۳ مورد)، طهارت (۱۳ مورد)، قناعت (۳ مورد)، شناور بودن مفهوم (۵ مورد)، صبر (۳ مورد)، ازدواج آسان (۲ مورد)، مسئولیت‌پذیری (۲ مورد)، آرامش (۴ مورد)، معنویت (۲ مورد)، اراده (۱۰ مورد)، عشق (۱ مورد)، حفظ حریم (۲ مورد) عزت نفس (۳ مورد)



مرحله کدگذاری انتخابی: ۴ عامل الگو

مفهوم اصلی (۳ مؤلفه)، راهبرد (۶ مفهوم)، زمینه‌ها و علل (۵ مفهوم)، پیامد (۴ مفهوم)

عکس ۱: جریان مدیریت داده‌ها و حرکت به سمت الگوی نهایی

جدول ۲: نمونه‌ای از فراگرد استنباط الگوی مفهومی عفاف جنسی از آیات قرآن کریم در سه مرحله کدگذاری

آیات مربوط به عفاف جنسی	قلمرو	کد باز	کد محوری	کد انتخابی
۱. وَ إِن خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِن خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا (نساء/ ۳)	خانواده	قناعت و کفاف از نشانه‌های عفاف است.	قناعت	مفهوم اصلی
۲. أَحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ ... (نساء/ ۲۴)	جامعه، خانواده	پرهیز از روابط جنسی بیرون از کانون خانواده	ثبات شخصیت	مفهوم اصلی
۳. وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آيَاتِنَا وَ اللَّهُ أَمَرْنَا بِهَا ... (اعراف/ ۲۸)	جامعه، فرد	از زمینه‌های عدم عفاف، فرافکنی و اسناد بی عفتی به عوامل بیرونی است.	مسئولیت‌پذیری	زمینه‌ها و علل
۴. قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ... (نور/ ۳۰)	فرد	حفظ نگاه و پوشاندن آنچه دیده شدنش حرام است از نمونه‌های عفاف است.	حیا حفظ حریم	راهبرد
۵. وَ لِيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور/ ۳۳)	فرد	تلاش برای یافتن راه‌های عقیف ماندن از نشانه‌های عفاف است.	اراده صبر	راهبرد
۶. فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْسِيًا عَلَىٰ اسْتِخْيَارٍ ... (قصص/ ۲۵)	جامعه	با حیاء و وقار قدم برداشتن از نمونه‌های عفاف است	حیا	راهبرد
۷. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً ... (روم/ ۲۱)	خانواده	عفاف زمینه ساز آرامش و عشق است.	آرامش	پیامد

عفاف در قرآن به دو صورت بیان شده است. گاهی ضمن بیان احکام کلی و گاهی در جایگاه توصیف موارد عفت‌ورزی یا بی‌عفتی به نکاتی اشاره نموده است. روشن است در تمامی این آیات واژه عفاف و مشتقات آن وجود ندارد. بلکه گزینش این آیات به جهت انطباق فضای کلی این آیات بر عفاف است. هر کدام از این ۵۰ آیه در جدول کدگذاری سه مرحله‌ای قرار گرفت. کد باز، کد محوری و کد انتخابی براساس تکیه بر یک یا چند بخش از آیه انتخاب شد. در ذیل نمونه‌ای از جدول کدگذاری سه مرحله‌ای مشاهده می‌شود که با اضافه نمودن بخش قلمرو، محدوده‌ی نزول آیه (فرد، خانواده و جامعه)، پژوهشگر می‌تواند نسبت به سرایت یا عدم سرایت آن حکم به سایر موارد آگاه باشد.

۵- تحلیل یافته‌های پژوهش

۵-۱- مفهوم اصلی، مؤلفه‌های «عفاف جنسی»

در بخش مفهوم‌شناسی و مقایسه عفاف با مفاهیم همسو، تا اندازه‌ای منظور از عفاف روشن شد، اما در این بخش با بررسی نمونه‌های عفت‌ورزی و بی‌عفتی در قرآن کریم، مؤلفه‌های عفاف جنسی استنباط می‌شود. مفاهیم همسو، نقش به‌سزایی در تبیین عفاف دارند. به‌منظور شناسایی مؤلفه‌های عفاف جنسی برخی از آن مفاهیم که از متون اسلامی انتخاب شده، بار دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. با بررسی قرآن کریم -افزون بر ویژگی‌های مفهوم عفاف که در واژه‌شناسی به آن پرداخته شد- تعداد ۳ مؤلفه در ناحیه مفهوم یافت شد.

۵-۱-۱. ثبات شخصیت

جایگاه عفاف به‌معنای اعتدال در تمایلات، نفس انسان می‌باشد. از این‌رو مفهوم عفاف باید در مباحث انگیزش و هیجان و مباحث شخصیت تبیین شود. ازجمله ویژگی‌های انسان عفیف، ثبات شخصیت او است. این افراد به راحتی خود را در اختیار دیگران نمی‌گذارند، در روابط خود با دیگران سنجیده عمل می‌کنند و عدم پریشانی آنها رفتاری با ثبات از ایشان به جای می‌گذارد. بر عکس هرچه فرد شخصیتی بی‌ثبات داشته باشد بیشتر به رفتارهای غیرعفیفانه رو می‌آورد. این وضعیت را به‌صورت بیمارگونه در افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی می‌توان دید. شخصیت مرزی الگویی از بی‌ثباتی در روابط با دیگران، خودپنداره و عواطف، و تکانشگری بارز است (انجمن روان‌پزشکی امریکا، ۱۳۹۴). از ملاک‌های تشخیص آن تکانش‌گری دست‌کم در دو زمینه است که بالقوه آسیب‌رسان هستند مانند ولخرجی، روابط جنسی، سوء مصرف مواد، رانندگی بی‌احتیاط، زیاده‌خوری (همان). از این‌رو فقدان عفاف جنسی در این‌گونه افراد محتمل است.

قرآن کریم با بیان نمونه‌های عفت‌ورزی مانند ماجرای حضرت مریم با پیام‌آور الهی (مریم/۱۷)، حضرت یوسف و زلیخا (یوسف/۳۲)، حضرت موسی و دختران شعیب (قصص/۲۵)، ویژگی‌های حورالعین (الرحمن/۷۲) و ... ثبات شخصیت افراد عفیف را نمایش داده است. هم‌چنین نمونه‌های بی‌عفتی مانند زلیخا (یوسف/۲۶)، شتاب قوم لوط برای یافتن طعمه جنسی جدید (هود/۷۸)، وارد کردن اتهام جنسی به زنان پاکدامن (نور/۴)، علاقه به اشاعه فحشا هرچند خود بی‌بهره باشند (نور/۱۹) و ... به روشنی نشان می‌دهد که افراد غیرعفیف از ثبات شخصیت بی‌بهره‌اند.

۵-۱-۲. طهارت

منظور از طهارت پاکی نفس و دل است. همان‌طور که در بخش مفهوم‌شناسی گفته شد، طهارت باطنی بستری برای شکل‌گیری عفاف در بُعد نفسانی است و در نتیجه رفتار عفیفانه برخاسته از نفس سلیم و دلی پاک است. هرچه صفحه دل پاکتر باشد عفت و اعتدال در آن بهتر شکل می‌گیرد. طهارت زمینه‌ای است که از مفهوم اصلی، قابل انفکاک نیست، از این‌رو طهارت هم زمینه و هم مؤلفه عفاف به‌شمار می‌آید.

از سوی دیگر از افراد خبیث ن می‌توان انتظار رعایت عفاف را داشت (نور/۲۳-۲۶). در نمونه‌های قرآنی تقابل طهارت و خبیثت فراوان به چشم می‌خورد. از دیدگاه قرآن، ابتذال (الرحمن/۷۲) دوستی مخفیانه با جنس دیگر (بقره/۲۳۵)، روابط نامشروع (نساء/۲۴) و ... ریشه در خبیثت و تاریک بودن فرد دارد. به این ترتیب - طهارت که با راهبرد معنویت ارتباط تنگاتنگی دارد - از مهم‌ترین مؤلفه‌های عفاف جنسی است.

۳-۱-۵. قناعت و کفاف

یکی از مفاهیم کلیدی در عفاف به معنای عام و عفاف جنسی به صورت خاص، کفاف و قناعت است. قناعت به معنای بسنده کردن از روی رضایت است (مصطفوی، ۱۳۶۸). تصور اینکه قناعت و بسنده کردن به داشته‌ها نتیجه عفت‌ورزی است، تصویری خطا است، زیرا در بُعد درونی عفاف، اعتدال در تمایلات و شهوات همراه با رضایت و خود مهارگری است. انسان می‌تواند عملی را بر خلاف رضایت خود انجام دهد ولی نمی‌تواند ادعا کند این عمل برخاسته از اعتدال نفس او است. بنابراین وقتی سخن از اعتدال نفس است طبعاً رضایت و خود مهارگری جزء جدایی‌ناپذیر آن است. در قرآن کریم اهمیت قناعت در عفاف جنسی بیان شده است. آنگاه که از حورالعین سخن می‌گوید، از اکتفاء آن‌ها به همسر خود و اینکه حتی در دل نیز هوای دیگری را ندارند تمجید می‌کند (الرحمن/۵۶ و ص/۵۲). براساس این مؤلفه، چنانچه تعدد زوجات و ازدواج‌های متوالی، دلیلی غیر از هوای نفس نداشته باشد، مخالف با عفاف است، زیرا اصل عفاف و کفاف انسان را به سمت قناعت سوق می‌دهد. اما این مسأله‌ای است که ضمانت اجرای بیرونی ندارد و اسلام رعایت عدالت میان همسران را که ضمانت اجرا دارد، ضروری می‌داند (نساء/۳). با این حال در صورتی که مرد از ناتوانی در اجرای عدالت ترس داشته باشد باید به یک همسر اکتفا کند. خداوند پس از تشریح این حکم می‌فرماید ذلک «ادنی الاتعولوا» (همان) یعنی این حکم از انحراف بهتر جلوگیری می‌کند. ممکن است منظور انحراف از عدل (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴) یا انحراف از حق (فضل الله، ۱۴۱۹ ق). شاید هم مراد انحراف از مسیر تعالی و تکامل باشد که با زیاده‌خواهی ناسازگار است. حتی اگر این معنای سوم اراده شده باشد با دو معنای سابق منافات ندارد زیرا عدم اعتدال در تمایلات هم بر خلاف عدالت نسبت به خود و هم بر خلاف حق است. به هر روی قناعت و کفاف حتی در صورت جواز چند همسری توصیه شده است.

۳-۲-۵. زمینه‌ها و علل «عفاف جنسی»

قرآن کریم به زمینه‌های عفاف و بی‌عفتی جنسی اشاره کرده است. باتوجه به پررنگ بودن جنبه‌های روان‌شناختی «عفاف جنسی» این زمینه‌ها اکثراً مربوط به ذهن، روان و نفس انسان است. طهارت، ثبات شخصیت، آرامش، عزت نفس، مسئولیت‌پذیری و ازدواج آسان، زمینه‌ساز عفاف هستند. این زمینه‌ها غالباً مربوط به زیرساخت شخصیتی هستند. هرچه طهارت فرد بیشتر باشد و از آرامش کافی برخوردار باشد، عزت نفس داشته باشد و در نهایت مسئولیت رفتار خود را بپذیرد و آن را به بیرون اسناد ندهد، می‌تواند از افراط و تفریط در خواسته‌ها و تمایلات بپرهیزد.

یکی دیگر از عوامل عفاف در جامعه، همکاری و توجه مردم نسبت به یکدیگر است (نور/۳۲). هرچه شرایط اجتماعی برای ازدواج مساعد باشد و ازدواج‌ها با سهولت انجام شود، عفاف هم بیشتر خواهد شد (حجر/۷۱). از سوی دیگر با عادی شدن رفتار غیرعقیفانه در جامعه و هم‌گرایی انسان‌های ناپاک، بی‌عفتی تقویت می‌شود (هود/۷۸، اعراف، ۸۲). از این رو زیرساخت اجتماعی در شیوع بی‌عفتی و عفاف بسیار تأثیرگذار است. افزون بر این، توجه به پیامدهای عفاف - که به آن‌ها اشاره خواهد شد - زمینه‌انگیزی عفاف محسوب می‌شود.

۳-۵- راهبردهای «عفاف جنسی»

راهبرد، عملیاتی است که دستیابی به هدف را آسان می‌کند. این عملیات نیازمند تصمیم و اراده است. شخصیت‌سازی و اعتدال قوا هم بدون اراده و خواست شخصی اتفاق نمی‌افتد. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد پس از آنکه در مرحله‌ی «زمینه‌ها و علل»، بستر برای «عفاف جنسی» آماده شد، یک دسته فعالیت‌های کلی به‌عنوان راهبرد در مورد مفهوم اصلی انجام می‌گیرد تا سرانجام پیامدهای فرایند ایجاد شود.

۱-۳-۵. حیاء

پراستفاده‌ترین راهبرد عفاف در قرآن کریم، راهبرد حیاء است که در ۱۷ نمونه قرآنی بر محور آن بحث شده است. حیاء ابزاری برای نمایش بُعد رفتاری عفاف است. از این‌رو نباید آن دو را با یکدیگر اشتباه کرد. نمی‌توان انکار کرد که سطوحی از حیاء ناشی از اعتدال در تمایلات باشد، لکن اگر قرار باشد اعتدال در تمایلات، رفتار عقیفانه را شکل دهد، غالباً همراه با حیاء بروز می‌کند. اگر حیاء کارکرد ابزاری برای عفاف نداشت بلکه یکی از مؤلفه‌های آن می‌بود در این صورت، رقیق شدن پرده‌های حیاء میان زن و شوهر به‌معنای از بین رفتن عفاف قلمداد می‌شد. اما این درحالی است که آن‌ها سرشار از عفاف هستند و از ابزار حیاء استفاده نمی‌کنند. پوشش، رفتار، نگاه و گفتار میان همسران کاملاً متفاوت با روابط آن‌ها با دیگران است و این به جهت یکی شدن آن دو به‌واسطه پیوند زناشویی است و روشن است حیاء نسبت به خود بی‌معنی است.

از ویژگی‌های حیاء در قرآن می‌توان به پنهان بودن رفتار جنسی (نمل/۵۴ و ۵۶، عنکبوت/۲۹) صراحت نورزیدن در بیان مسائل جنسی (یوسف/۲۳)، کنترل نگاه (یوسف/۳۱، نور/۳۰ و ۳۱)، متعارف سخن گفتن (احزاب/۳۲، قصص/۲۵)، پوشش مناسب (نور/۳۰ و ۳۱)، اجازه گرفتن برای ورود به حریم خصوصی (نور/۵۸) نام برد.

قرآن کریم به‌صورت ویژه درباره حیاء دختران حضرت شعیب علیه السلام در گفتار و رفتارشان، سخن گفته (قصص/۲۵) و در احادیث مربوط به این داستان قرآنی نیز به رابطه سرشار از حیاء حضرت موسی علیه السلام با ایشان اشاره شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵).

فایده راهبردی حیاء این است که تمایلات را کنترل می‌کند. ممکن است شخصی به اعتدال کامل، نبود تمایلات انحرافی و زیاده‌خواهی و ... دست نیافته باشد اما به‌واسطه حیاء ارادی، خود را کنترل می‌کند و در نتیجه با استمرار به مراتب بالای عفاف دست می‌یابد.

۲-۳-۵. اراده

قرآن کریم در ۱۰ آیه از اراده و نقش بی‌بدیل آن در عفاف سخن گفته است که تمام این موارد به نقش راهبردی آن اشاره دارد.

براساس نگاه قرآن نفس اماره، انسان را به سمت زشتی‌ها سوق می‌دهد (یوسف/۵۳). طبیعتاً برای انسان‌های کم‌اراده، عفت‌ورزی و برخلاف هوای نفس عمل کردن دشوار است ولی با تقویت اراده می‌توان برخلاف جریان طوفانی هوای نفس حرکت نمود. حتی در مواردی مانند دلپسته بودن قبل از ازدواج که عفاف و اعتدال در تمایلات امری دشوار است، در این موارد نیز تقوا لازم دانسته شده و می‌توان با اراده رفتاری عقیفانه بروز داد (بقره/۲۳۵). از این‌رو می‌توان در برخی موارد از اراده به تقوا یاد کرد. تقوا به معنای حفظ خویشتن با هدف دوری از آسیب‌ها ابزاری است که عفاف را به دنبال خواهد داشت.

به هر روی یکی از پرکاربردترین راهبردهای عفاف عزم و اراده است. در قرآن کریم انسان عقیف، شخصیتی با اراده نشان داده شده است که توانایی محافظت از پوشش (نور/۳۰) و کنترل روابط جنسی خود را دارد (مؤمنون/۵). گریز حضرت یوسف از موقعیت گناه (یوسف/۲۴) و پایداری حضرت مریم در مقابل فردی غریبه که بعداً معلوم شد پیام‌آور

الهی است (مریم/۱۸) نمونه‌هایی از اراده‌ی قوی برای حفظ عفاف است. هم‌چنین از نگاه قرآن انسان‌های بی‌عفت، افرادی سست اراده هستند که توان کنترل نفس خویش را ندارند (یوسف/۲۴ و ۳۱).
بر این اساس ارتباط میان زمینه‌های عفاف و راهبردها نیز مشخص می‌شود. عزت نفس، طهارت و ثبات شخصیت که از زمینه‌ها و زیرساخت‌های شخصیتی عفافند، به تقویت اراده کمک می‌کنند.
این راهبرد با گریز از موقعیت، ایستادگی و ثبات قدم، تغییر دادن شرایط و ... انجام می‌شود.

۳-۳-۵. صبر

بسیاری در ترجمه «و لیستعفف» (نور/۳۳) از واژه‌ی عفاف استفاده نموده‌اند و برخی هم به معنی خودداری و خویش‌نشانداری ترجمه کرده‌اند و از ترجمه آن به صبر امتناع ورزیده‌اند. ترجمه‌ای که عفاف را به صبر معنا کرده باشد به ندرت یافت می‌شود؛ اما با این وجود مفهوم صبر در عفت‌ورزی بسیار پر رنگ است. صبر در عفاف نقشی راهبردی دارد.

می‌توان عفاف را به دو نوع منفعلانه و فعال تقسیم نمود. عفاف فعال آن است که فرد با انجام اقدامات مثبتی مانند ازدواج خود را عقیف نگاه دارد و به اعتدال در تمایلات برسد. عفاف منفعلانه صرفاً به معنای انجام ندادن اقدامات منفی و غیرعقیفانه است. بنابراین صبر که یک اقدام منفعلانه است از راهبردهای به‌دست آوردن عفاف است. البته انفعالی بودن صبر چیزی از ارزش آن نمی‌کاهد بلکه نشان می‌دهد که به تنهایی کافی نیست و افراد عقیف نیازمند روشهای فعال در حفظ عفاف هستند. به هر روی بدون صبر و پرهیزکاری، روش‌های فعال نیز قابل اجرا نیستند. ازدواج با شرایط و مراحل متعدّدش غالباً بدون اندکی صبر امکان‌پذیر نیست. در قرآن نیز پس آنکه حکم ازدواج با کنیزان را در صورت فراهم نبودن شرایط ازدواج با زنان آزاد بیان شده، خداوند فرموده است: «وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ» (نساء/۲۵) یعنی بهتر است انسانی که توانایی صبر دارد از رابطه‌ی جنسی مشروع که با شأن اجتماعی او ناسازگار است، پرهیزد.
شکیبایی راهبردی است که ارتباط محکمی با آرامش درونی و عزت نفس دارد. قرآن کریم هنگام تبیین شخصیت دختران حضرت شعیب علیه السلام از صبر و وقار ایشان تمجید می‌کند که از ورود به جمع مردانه و ستم کار نسبت به زنان، پرهیز کردند تا مبادا شخصیت عقیف آن‌ها خدشه‌دار شود (قصص/۲۳).

۴-۳-۵. حفظ حریم

شرط سلامت هر رابطه‌ی، مرزبندی و ضابطه‌دار بودن آن است. حتی در رابطه میان همسران که پرده حیاء بسیار رقیق می‌شود هم برای محافظت از حریم‌ها باید تلاش نمود. چنانچه در روابط اجتماعی میان مردان و زنان حریم‌ها حفظ نشوند، عفاف خدشه‌دار می‌گردد. از این رو در بسیاری از آیات مربوط به عفاف جنسی بر بی‌پرده و آشکارا بودن روابط غیرعقیفانه اشاره شده است (نمل/۵۴ و ۵۶، عنکبوت/۲۹). هم‌چنین در قرآن کریم نسبت به پوشیده بودن اندام و جلوگیری از تحریکات بصری تأکید شده است (نور/۳۰). بنابراین یکی از راه‌های بی‌عفتی آشکار نمودن رفتار و اندام جنسی است. از سوی دیگر مراعات حدود و حریم‌ها، عفت فردی و اجتماعی را تقویت می‌نماید. قرآن کریم درباره نگاه داشتن حریم نسبت به زنان نامحرم به‌ویژه همسران پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: از آنها مستقیماً درخواست نکنید و خواسته‌های خود را از پشت پرده بخواهید (احزاب/۵۳) که نشان از اهمیت حفظ حرمت‌ها و پاسبانی حریم‌ها دارد.

۵-۳-۵. معنویت

معنویت یک جنبه شخصیتی دارد که از آن تحت عنوان طهارت یاد شد. اما معنویت ابزاری برای حفظ عفاف نیز بشمار می‌آید. برنامه ریزی عملی برای تقرب نسبت به خداوند، یاد و ذکر الهی و استمداد و کمک‌خواهی از او در جلوگیری از

۱. از ۵۴ ترجمه فارسی نرم‌افزار جامع التفاسیر نور تنها ترجمه نوبری عفاف را به صبر ترجمه نمود است. (نوبری، ۱۳۹۶)

انحراف و صیانت از عفاف نقش به‌سزایی دارد. خداوند در دو داستان حضرت یوسف و مریم علیهم‌السلام به این ویژگی راهبردی اشاره فرموده است. حضرت یوسف در پاسخ به تقاضای بی‌شمرانه زلیخا فرمود: مَعَاذَ اللَّهِ (یوسف/ ۲۳) به خدا پناه می‌برم و حضرت مریم به هنگام نزدیک شدن غریبه - که بعداً معلوم شد فرستاده الهی است - فرمود: إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَانِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (مریم/ ۱۸) من از تو به خدای مهربان پناه می‌برم البته اگر تو موجود باتقوایی باشی. در هر دو ماجرا بر کمک‌خواهی از خداوند برای نجات از رفتار غیرعفیفانه طرف مقابل تأکید شده است.

۶-۳-۵. ازدواج آسان

ازدواج از مهم‌ترین، جامع‌ترین و قدرتمندترین نمونه‌های عفاف است. بنابراین یکی از راه‌های حفظ عفاف فراهم کردن شرایط ازدواج است.

برنامه‌ریزی قرآن برای حفظ پاکدامنی انسان‌ها، متناسب با توانایی‌های آنها است. بنابراین برای کسانی که توانایی رعایت عدالت نسبت به همسران - اعم از حقوق مالی و جنسی و... - را دارند اجازه ازدواج با چهار همسر دائم، ازدواج با همسران موقت و داشتن کنیز را صادر کرده است^۱. اما برای عموم مردم که از رعایت نشدن حقوق همسران می‌هراسند توصیه به ازدواج دائم با یک همسر شده است (نساء/۳). در برخی موارد که مرد یا زن مسلمان نمی‌توانند ازدواج دائمی خود را آغاز کنند راهکار موقت در نظر گرفته شده است (نساء/۲۴). ازدواج با کنیز هم به‌عنوان آخرین راهکار برای آنهایی است که از سویی شرایط تشکیل خانواده با زنان پاکدامن و آزاد را نداشته باشند و از سوی دیگر با صبر نمودن دچار مشقت شوند (نساء/۲۵). در حال حاضر با از بین رفتن کنیزداری، تنها راه زیست عفیفانه ازدواج دائم و موقت میان مرد و زن آزاد است. قرآن کریم افراد جامعه را به زدودن افکار غلط درباره ازدواج فرا می‌خواند و به آنها دستور می‌دهد تا شرایط ازدواج را برای دیگران فراهم کنند (نور/۳۲). همه این‌ها برای حفظ عفاف است و اگر این شرایط مهیا نشد باز هم تأکید می‌کند که افراد بی‌همسر، عفیف بمانند (نور/۳۳) خواه با اقدام شخصی خود برای ازدواج یا با صبر و یا هر راهکار معقول دیگری که ممکن بود.

آسان‌گیری در ازدواج نیز زمینه را برای حفظ عفت فراهم می‌کند که در ماجرای حضرت لوط علیه‌السلام و قوم بد کردارش این مسئله مشهود است. او حتی حاضر بود در صورت توبه قومش برای نمونه دختران خود را به ازدواج برخی از آنها درآورد (حجر/ ۷۱، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴) تا با این روش به آن‌ها بفهماند که ازدواج آسان بهترین راه کار در عفت‌ورزی است و در غیر این صورت و با ملاک قرار دادن چیزی غیر از دین و اخلاق، فساد کبیر جهان را فرا خواهد گرفت (کلینی، ۱۴۰۷ ق).

۵-۴- پیامدهای «عفاف جنسی»

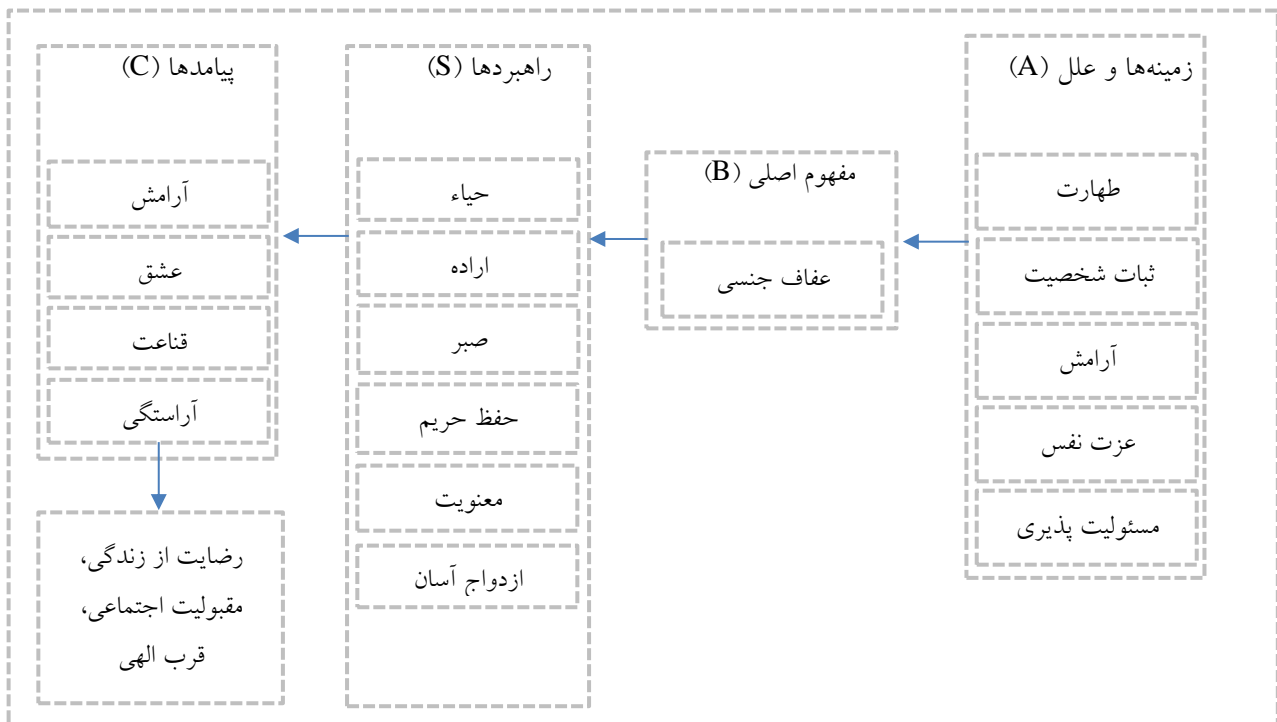
رعایت عفاف پیامدهای فردی و اجتماعی فراوانی دارد. در قرآن کریم فوایدی برای عفاف ذکر شده که زمینه را برای قرب الهی فراهم می‌کند. به عبارت دیگر این پیامدها اهداف میانی هستند و راه را برای نیل به هدف نهایی باز می‌کنند. یکی از پیامدهای عفاف آرامش است. افراد عفیف دست کم به دلیل اعتدال در تمایلات به آرامش می‌رسند. در آیه ۲۱ سوره روم به دو پیامد مهم عفاف اشاره شده است. یکی از آن دو آرامش و دیگری عشق میان همسران است که هر دو از نشانه‌های خداوند و راه رسیدن به او به‌شمار آمده است (روم/۲۱). عشق میان همسران عامل قناعت و بسنده کردن آنها به یکدیگر است. افزون بر این، عفاف نیز بصورت مستقل از عوامل قناعت است. یکی از معانی «احسان» که در قرآن به‌کار رفته (نساء/۲۴)، وجود حالتی است که زن و شوهر یکدیگر را بی‌نیاز از غیر کنند و خانواده را چنان دژ محکمی در برابر انحراف و آسیب قرار دهند. چنین همسرانی لباس و آراستگی و آبروی برای شریک زندگی‌شان هستند.

۱. روشن است که صدور اجازه به‌معنای توصیه به آن نیست و اگر هم باشد چنین شخصی که توان رعایت تمامی حقوق مالی، عاطفی و جنسی را نسبت به حرمسرا داشته باشد مصداق ندارد.

از این رو یکی دیگر از پیامدهای عفاف - که نمونه‌ی بارز آن تشکیل خانواده است - آراستگی و زیبایی است (بقره/۱۸۷). جامعه کسانی که شرایط ازدواج برایشان فراهم نمی‌شود - ولی اجازه نمی‌دهند کمبودهای جنسی، آنها را به انحراف و کژروی بکشاند و خود را از پرخاشگری ناشی از کمبودها، حفظ می‌کنند - افرادی با شخصیت و آراسته می‌بینند. پیامدهای یاد شده همگی در مسیر تقرب به خداوند قرار دارند و راه معرفت و نزدیک شدن به او را فراهم می‌کنند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

سرانجام پس از افزودن تمام مقوله‌های شناسایی شده و جمع کردن آنها در یگ الگو، الگوی ABSC^۱ به‌عنوان الگوی نهایی با روش تحقیق «نظریه برخاسته از داده‌ها» عرضه می‌شود:



عکس ۲: مدل نقش آفرینی عفاف جنسی در بهروزی فردی و اجتماعی و تقرب نسبت به خدا

مقایسه پژوهش حجازی (۱۳۹۷) و پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در برخی موارد یافته‌ها مورد تأیید سایر پژوهش‌ها هستند. حجازی یکی از اصول و بنیادهای عفاف را ایمان می‌داند اما با توجه به اینکه عفاف یک مفهوم جهانی است و با دقت در آیات قرآن کریم به نظر می‌رسد به کار بردن طهارت باطنی به جای ایمان مناسب‌تر است. البته ایمان و معنویت می‌توانند به‌عنوان یک راهبرد مهم در شکل‌گیری عفاف مطرح باشند. همچنان‌که حیاء، اراده، حفظ حریم، صبر و ازدواج سایر راهبردهایی هستند که برخی از آنها در پژوهش حجازی با عناوین مشابه مطرح شده است.

به هر روی اعتبارسنجی این پژوهش بیش از آن که وابسته با سایر پژوهش‌ها باشد با توجه به انسجام درونی قابل ارزیابی است. در بحث مفهوم‌شناسی مفاهیم همسو با عفاف و رابطه دوسویه آنها مطرح شد. پس از بررسی تمامی آیات مربوط به عفاف و ساخت مدل مفهومی عفاف جنسی تمامی آن رابطه‌ها که به صورت فرضیه مطرح شد مورد تأیید قرار گرفتند.

۱ A: Anticipant; B: Behaviour; S: Strategy; C: Consequences

ارائه‌ی این الگوی مفهومی یک فایده دیگر نیز داشت و آن دستیابی به تعریف جامع عفاف جنسی است. براساس این الگو، عفاف جنسی یعنی انسانی که از نظر شخصیتی سالم است، با اراده و عزم دورنی، حفظ حریم، ارتباط معنوی با خدا و در نهایت با ازدواج، به درجه‌ای از طهارت باطنی، قناعت و ثبات شخصیتی دست می‌یابد که تمایلات جنسی او در دو لبه افراط و تفریط قرار نخواهد گرفت.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد؛ ۱۳۶۷، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، محقق: طناحی، محمود محمد، قم: اسماعیلیان
۳. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ ۱۳۶۳، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم: جامعه مدرسین
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر
۶. العیاشی، محمد بن مسعود؛ ۱۳۸۰ق، *تفسیر العیاشی*، مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران: المطبعة العلمیه
۷. انجمن روان‌پزشکی امریکا، ۱۳۹۴، *راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی DSM-5*، مترجمان: هامایاک آوادیس یانس، حسن هاشمی میاناباد، داود عرب قهستانی، تهران: رشد
۸. بحرانی، سید هاشم؛ ۱۴۱۶ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت
۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دار الکتب الإسلامی
۱۰. جفری‌ام، ماریاما؛ ۱۳۸۹، *اصول مدل‌سازی معادلات ساختاری*، ترجمه صمد رسول‌زاده اقدم، تهران: پژوهش‌گاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۱۱. حجازی، سیده شیرین؛ ۱۳۹۷، *نظام اخلاق عفاف از منظر قرآن کریم بر مبنای سوره نور*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده (مطالعات راهبردی زنان)، دوره بیستم، شماره ۸۰، تابستان ۱۳۹۷
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیه
۱۳. زاهدی، عبدالرضا؛ امرایی، ایوب؛ نظریگی، مریم؛ ۱۳۸۹، *روش قرآن کریم در نهادینه‌سازی «عفاف» و «حجاب» (با رویکرد ترتیب نزول)*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان (مطالعات راهبردی زنان)، سال سیزدهم، شماره ۴۹، پاییز ۱۳۸۹
۱۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن؛ ۱۴۱۴ق، *هدایه الأئمه إلى أحكام الأئمه ﷺ*، مشهد: آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیه
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه‌ی مدرسین
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو
۱۷. طریحی، فخر الدین بن محمد؛ ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن؛ ۱۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، محقق: خراسان، حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الإسلامیه
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان
۲۰. علی بن موسی الرضا؛ ۱۴۰۲ق، *طب الإمام الرضا (الرساله الذهبیه)*، محقق: نجف، محمد مهدی، قم: دار الخیام
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، قم: هجرت
۲۲. فرهنگی، علی اکبر؛ بی تا، *ارتباطات انسانی*، تهران: رسا

۲۳. فضل الله، سید محمد حسین؛ ۱۴۱۹ ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعه و النشر
۲۴. فیض کاشانی، ملا محسن؛ بی تا، المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم: جامعه مدرسین
۲۵. قاسمی، وحید؛ ۱۳۸۸، مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics، تهران: جامعه شناسان
۲۶. قاضی زاده، کاظم؛ احمدی سلمانی، سید علی؛ عفاف در آیات قرآن و نگاهی به روایات، کتاب زنان، سال نهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۶
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ ۱۴۰۷ق، الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الاسلامیه
۲۸. کرسول، جان؛ ۱۳۹۸، پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم نگاری، مطالعه موردی)، مترجم: حسن دانایی فرد، تهران: اشراقی
۲۹. کرمی، محمد سعید؛ ۱۳۹۵، ابعاد و چالش های اخلاقی تنوع طلبی جنسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
۳۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ ۱۴۰۴ ق، مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق و مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۳۱. مصطفوی، حسن؛ ۱۳۶۸، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۳۲. مفید، محمد بن محمد؛ ۱۴۱۳ق، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: آل البيت علیهم السلام (کنگره شیخ مفید)
۳۳. مفضل بن عمر؛ بیتا، توحید المفضل، محقق: مظفر، کاظم، قم: داوری.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۳۵. نوبری، صادق؛ ۱۳۹۶، ترجمه قرآن نوبری، تهران: اقبال
۳۶. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی؛ ۱۴۱۰ق، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه
۳۷. یزدانی، عباس؛ ۱۳۷۷، آزادی: تحلیلی از آزادی و اخلاق جنسی، قم: عباس یزدانی
38. American Psychological Association, —Executive Summary,|| Report of the APA Task Force on the Sexualization of Girls, 2007, as found at: <http://www.apa.org/pi/women/programs/girls/report-full.pdf>
39. Draznin, Yaffa Claire (2001). Victorian London's Middle-Class Housewife: What She Did All Day (#179). Contributions in Women's Studies. Westport, Connecticut: Greenwood Press. pp. 95–96
40. Kunkel D, Eyal K, Biely E, et al. Sex on TV3: A Biennial Report to the Kaiser Family Foundation. Menlo Park, CA: The Henry J. Kaiser Foundation; 2003. Available at: www.kff.org/entmedia/loader.cfm?url=/commonspot/security/getfile.cfm&PageID=14209
41. Laumann, E. O., Gagnon, J. H., Michael, R. T., & Michaels, S. (1994). The social organization of sexuality: Sexual practices in the United States. Chicago: University of Chicago Press.
42. McFarlane M, Bull S, Rietmeijer C. The Internet as a newly emerging risk environment for sexually transmitted diseases. JAMA 2000, 284: 443–446
43. National Campaign to Prevent Teen and Unplanned Pregnancy, CosmoGirl.com, —Sex and Tech: Results from a Survey of Teens and Young Adults,|| 2008, pg. 4, as found at: <http://www.thenationalcampaign.org/sextech/>

Presenting a conceptual model of sexual chastity based on the verses of the Holy Quran (qualitative research)

Mohammad Saeed Karami

Level 4 of Qom Seminary, Master of Applied Ethics, Qom; Institute of Higher Education, Ethics and Education

M_saeedkarami@yahoo.com

Abstract:

This research has presented the conceptual model of "sexual chastity" by identifying and examining the components of sexual chastity and factors of the model. This work is qualitative and fundamental research that has been described and analyzed in the section of presenting a conceptual model based on the theory derived from data. For this purpose, 7 concepts related to chastity were identified from the verses of the Qur'an and explained with a coherent approach. By providing a model, the role of some of these concepts in explaining sexual chastity was confirmed. From a total of 345 verses of the Qur'an on sexual issues, 50 verses that were directly related to sexual chastity were selected, and then, with open coding, a total of 49 codes were identified. In the pivotal coding stage, the data were categorized into 19 elements and key concepts, and in the selective code stage, these concepts were subdivided into four template factors. The factors of the model including the components of the focal category, contexts, and causes, strategic concepts, and consequences of sexual chastity were identified and at the end, during this process, the conceptual model of sexual chastity has been designed with a Quranic approach.

Keywords: chastity, sexual chastity, sexual ethics, conceptual model, Quran

پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر مبنای تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین در زوجین

احمد رضا کیانی*^۱، محمود محمدی رازی^۲

۱. دکتری مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)

a.kiani@uma.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه محقق اردبیلی

mahmudmohamadi00gmail.com

تاریخ دریافت: [۹۸/۱/۱۶]

تاریخ پذیرش: [۹۸/۹/۲۳]

چکیده

هدف از این پژوهش پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر مبنای تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین در زوجین بود. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. ابزارهای این پژوهش شامل: تجربیات ناگوار کودکی ACEs، رفتارهای دلبستگی، ادراک ازدواج والدین، رضایت از ازدواج و پرسشنامه فرم کوتاه الگوهای ارتباطی، که بر روی تعداد ۴۰۰ آزمودنی (۲۰۰ زوج) در شهر بجنورد انتخاب شده بودند اجرا گردید و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت، به دلیل اینکه جامعه از تعداد بالایی برخوردار بوده و اطلاعاتی از تمامی این افراد در دست نبود، از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ادراک فرد از ازدواج والدین و ادراک از ازدواج خود و همچنین رضایت‌مندی از ازدواج معناداری و مثبت بودن رابطه را نشان می‌دهد. ادراک فرد از ازدواج خود با دلبستگی رابطه مثبت و معناداری وجود داشته، همچنین رابطه رویدادهای ناگوار کودکی با ادراک از ازدواج خود رابطه منفی و معنا داری وجود داشته است و در نهایت رابطه ادراک از ازدواج خود و الگوهای تبادل نیز نشانگر وجود رابطه منفی و معنادار است. نتیجه‌گیری: از این پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین پیش‌بینی‌های خوبی در رضایت‌مندی از ازدواج فرد می‌باشند.

کلید واژه‌ها: رضایت‌مندی از ازدواج، تجربیات ناگوار کودکی، دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک

مقدمه

ازدواج ارتباطی اساسی و زیربنایی بین زن و مرد است و نوعی تعهد محکم است که پایه‌ای برای بزرگسالی فراهم می‌آورد (عباس، عقیل و همکاران، ۲۰۱۹). سازگاری زناشویی در ازدواج از اهمیت اساسی برخوردار است و از آنجاکه سازگاری زناشویی ضعیف منبع عظیمی از استرس‌های مزمن را با خود به همراه دارد، می‌تواند باعث آشفتگی روان‌شناختی زوجین شود (وایزمن و باکم، ۲۰۱۲). رضایت از ازدواج به ارزیابی شخص از میزان رضایت از زندگی خود گفته می‌شود (پاووت و داینر، ۲۰۰۸). رضایت از ازدواج عبارت است از: احساس خشنودی و لذت تجربه شده توسط زن و مرد زمانی که به همه جنبه‌های ازدواجشان فکر می‌کنند (عطاری و همکاران، ۱۳۹۵) گریف در تعریف رضایت زندگی زناشویی اظهار می‌کند که زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق

زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی‌اند، از نوع و کیفیت گذران اوقات فراغت رضایت دارند و مدیریت خوبی در زمینه وقت و مسائل مالی خودشان اعمال می‌کنند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹).

یکی از عواملی که می‌تواند سلامت روانی بعدی افراد و حتی رضایت از زندگی آنها را پیش‌بینی کند، تجربیات ناگوار کودکی می‌باشد (هوگز و بلیس و هاردکستل و همکاران، ۲۰۱۷). تجربیات ناگوار کودکی^۱ (ACEs) استرس‌زاهای ضربه‌زایی هستند که وقتی در طول دوران کودکی تجربه می‌شوند، تاثیر منفی فراوانی بر سلامت رفتاری بزرگسالان می‌گذارند (آندا، فلیتی، برمر و همکاران، ۲۰۰۶). این تجربیات شامل سوء‌آزار کلامی، فیزیکی و جنسی توسط مراقب، سوءاستفاده یا استفاده غلط والدین از مواد، خشونت ارتباطی والدین و زندانی شدن والدین می‌شود که اغلب با هم رخ می‌دهند و ارتباط قدرتمندی با مشکلات رفتاری (مثلاً افزایش تعداد تجربیات ناگوار کودکی، پیامدهای منفی را نیز افزایش می‌دهد) دارند. (آندا و همکاران، ۲۰۰۶؛ شونکوف^۲، ۲۰۱۶). محققان نشان داده‌اند که این تجربیات با مشکلات سلامت روان در کودکان و بزرگسالان ارتباط دارند (الداجی، ماکانجولا و گوریچ^۳، ۲۰۱۰) و یکی از عوامل مهم در کارکرد روابط عاشقانه (آماتو و باس، ۲۰۰۲) و رضایت زناشویی فرد در آینده و ازدواج می‌باشد و مردانی که در روابط خود، رفتارهای خشونت‌آمیز داشتند، اغلب این تجربیات ناگوار و خاصه سوء‌آزار را در دوران کودکی تجربه کرده بودند (کرافت و سروویچ، ۲۰۰۵). برای مثال، روزنباوم و اوهلری (۱۹۸۱) در یک مطالعه با هدف مقایسه شوهراان آزارگر از غیرآزارگر نشان داده‌اند که ۸۰ درصد شوهراان آزارگر، در خانواده مبدأ خودشان قربانی آزار بوده‌اند و ۸۲ درصد از آنها شاهد آزار بین پدر و مادرشان بوده‌اند.

یکی دیگر از عواملی که در رضایت زناشویی تأثیر به‌سزایی دارد، رفتار دلبستگی^۴ افراد می‌باشد (آلدر، یورگاسون و همکاران، ۲۰۱۷). رفتارهای دلبستگی (دسترس‌پذیری، پاسخگویی و تعهد^۵) به مکانیزمی گفته می‌شود که باعث می‌شود امنیت و رضایت در رابطه به وجود بیاید و باعث حفظ دلبستگی ایمن و سالم می‌شود (ناپ، ساندبرگ و همکاران، ۲۰۱۵). دلبستگی نایمن با افسردگی و سازگاری زناشویی منفی، رفتار چسبنده و وابسته و سطح بالاتر آشفتگی زناشویی ارتباط دارد (موندر، مک‌داف، لوسیر و رایت^۶، ۲۰۱۱). این دلبستگی ریشه در خانواده مبدأ فرد دارد و نقش مهمی در رضایت و کارکرد روابط آتی فرد دارد (آلدر و همکاران، ۲۰۱۷). بالبی (۱۹۶۹) دسترس‌پذیری و پاسخگویی را به‌عنوان دو رفتار اساسی در نظر گرفته بود که باعث ایجاد حس ایمنی و آسایش در ارتباط می‌شود و نبود این دو رفتار باعث ایجاد اضطراب و آشفتگی در ارتباط می‌شود. دسترس‌پذیری بدین معنی است که نماد دلبستگی در موقع نیاز موجودیت دارد و پاسخگویی به معنی توجه به نیازهایی است که شریک در پی ارضاء آنها می‌باشد. در کنار این دو رفتار، رفتار سومی برگرفته از مدل متمرکز بر هیجان (جانسون و ویلیامز-کیلر، ۱۹۹۸) به نام تعهد وجود دارد که باعث ابقاء دلبستگی ایمن می‌شود. تعهد نوعی فرایند ارتباطی پرورش‌دهنده و آرامش‌دهنده است که در زمان آشفتگی و نیازمندی شریک به رابطه رخ می‌دهد. در نتیجه، سه مولفه مهم و کلیدی دسترس‌پذیری، پاسخگویی و تعهد، به عنوان مولفه‌های اصلی خلق دلبستگی ایمن در نظر گرفته می‌شوند (جانسون، ۲۰۰۴).

ادراک فرد از ازدواج والدین می‌تواند بر رضایت زناشویی وی تأثیر بگذارد (آلدر و همکاران، ۲۰۱۷). یعنی اگر فردی ادراکش این باشد که والدینش زندگی رضایت‌بخشی داشته‌اند، این ادراک می‌تواند با رضایت زناشویی جاری خود فرد ارتباط مثبتی داشته باشد. تحقیقات نشان داده که تأثیرات خانواده مبدأ بر روابط بعدی فرزندان در ازدواج شایان توجه است (استرید، گاردنر، کتلی و توماس^۷،

1. Adverse Childhood Experiences
2. Anda, Felitti, Bremner
3. Shonkoff
4. Oladeji., Makanjuola, &Gureje
5. attachment behaviors
6. accessibility, responsiveness, and engagement
7. Knapp, Sandberg, Novak, & Larson
8. Mondor, McDuff, Lussier, & Wright
9. Stride, Gardner, Catley, & Thomas

۲۰۱۵). آماتو و باس (۲۰۰۱) دریافتند که هم تعارض‌های موجود در خانواده مبدأ و هم وضعیت زناشویی والدین، می‌توانند رضایت زناشویی آتی دخترانشان را پیش‌بینی کند.

تحقیقات نشان داده که سبک‌ها و الگوهای تعاملی زوجین یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند (ابراهیمی و کیمیایی، ۲۰۱۴). زوجین در هنگام حل مسائل به دو سبک رایج متوسل می‌شوند. این دو سبک شامل تقاضا و کناره‌گیری^۱ می‌شود (کریستینسن و همکاران، ۲۰۰۶) که در این الگوی تعاملی یکی از زوجین در جستجوی بحث در مورد مشکل و تغییر مشکل است و دیگری سعی در اجتناب از تعارض دارد. این الگوی تقاضا-کناره‌گیری ارتباط قدرتمندی را رضایت زناشویی دارد (دوناتو و همکاران، ۲۰۱۳). این الگو از دامنه‌ای بین الگوی مخرب ارتباطی گرفته تا الگوی سازنده در نوسان می‌باشد و مطابق با تحقیقات این الگو با کژکاری ارتباطی (الدردیج و همکاران، ۲۰۰۷) و ناسازگاری فردی ارتباط دارد (مالیس و رولوف^۲، ۲۰۰۶) و بر طبق گفته درمانگران ارتباطی نقش برجسته‌ای در کارکرد معیوب زوجی دارد (شوهام و روهرباخ^۳، ۲۰۰۲). با توجه به موارد ذکر شده در بالا، هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر مبنای تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین در زوجین می‌باشد.

ابزارهای پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود، که از نظر هدف بنیادی است. داده‌ها از طریق توزیع، تکمیل و گردآوری پرسش‌نامه‌های روا و پایایی هر کدام از عوامل روان‌شناختی مورد نظر به دست آمد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین شهر بجنورد می‌باشد، که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۴۰۰ تن (۲۰۰) زوج انتخاب شدند. و با رعایت تمام جوانب اخلاقی تمامی پرسشنامه‌ها به صورت دو به دو بین آقا و خانم توزیع گردید و هر زوج بر حسب کد مشخص شده به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند تا جوانب راز داری رعایت گردد. داده‌های خام با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

ابزار تجربیات ناگوار کودکی^۴ (ACEs): این پرسش‌نامه توسط مرکز پیشگیری و کنترل بیماری‌های آمریکا و بنیاد کایزر (بلیس، هوگز، لیکنبی، ۲۰۱۴) طراحی شده است و شامل ده سوال می‌باشد که هر کدام یک بعد از تجربیات ناگوار کودکی را می‌سنجند. این ده بعد شامل موارد زیر می‌شود: سوء‌آزار هیجانی، سوء‌آزار جسمانی، سوء‌آزار جنسی، غفلت هیجانی، غفلت جسمانی، خشونت خانگی، مصرف مواد والدین، زندانی شدن والدین، بیماری روانی والدین و طلاق والدین می‌شود. پاسخگویی به سوالات به صورت «بلی» و «خیر» می‌باشد و پاسخ مثبت نشانه وجود آن تجربه در فرد در ۱۸ سال اول زندگی می‌باشد. مجموع نمرات در دامنه بین صفر تا ۱۰ قرار دارد و نمره بالاتر نشانه وجود تجربیات ناگوار بیشتر در فرد است. یکی از سوالات برای نمونه بدین صورت است: «آیا در ۱۸ سال اول زندگی، در بین اعضای خانواده شما کسی افسردگی یا بیماری روانی یا گرایش به خودکشی داشت؟». پرسشنامه تجربیات ناگوار کودکی ابزاری پایا و روا برای اندازه‌گیری دشواری‌ها و مشکلات دوران کودکی است و در مطالعات گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است (آندا، بوچارت و فیلتی، ۲۰۱۰؛ مرکز پیشگیری و کنترل بیماری‌ها، ۲۰۱۴). این پرسش‌نامه ابزاری معتبر و صرفه-جویانه برای سرند افراد از طریق ارزیابی گذشته‌نگرانه تجربیات ناگوار کودکی است و از همسانی درونی رضایت‌بخشی برخوردار است (وینگنفلد، شافر، ترفر و همکاران، ۲۰۱۰). از آنجا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های روان‌سنجی داخلی برای آن موجود نیست. پایایی کل پرسشنامه ۰/۷۴ و در خرده مقیاس‌ها به ترتیب موارد ذکر شده:

1 . demand-withdraw

2 . Malis & Roloff,

3 . Shoham & Rohrbaugh

4. Adverse childhood Experiences

۰/۶۹، ۰/۷۲، ۰/۷۹، ۰/۷۸، ۰/۷۳، ۰/۸۵، ۰/۷۷، ۰/۷۰، ۰/۶۶ و ۰/۷۵ در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ به دست آمده است.

رفتارهای دلبستگی^۱: این مقیاس توسط ساندربرگ و همکاران (۲۰۱۲) ساخته شده است و شامل سه بعد دسترس‌پذیری، پاسخگویی و تعهد می‌شود. نمونه سوالات برای هر بعد شامل «من خیلی کم در دسترس همسرم هستم» (دسترس‌پذیری)، «وقتی همسرم عمیق‌ترین احساساتش را با من در میان می‌گذارد، به وی گوش می‌دهم» (پاسخگویی) و «به سختی می‌توانم به همسرم اعتماد و اتکا کنم» (تعهد) می‌شود. پاسخ‌ها در یک مقیاس لیکرتی در دامنه‌ای بین هرگز درست نیست (۱) تا همیشه درست است (۵) در نوسان است. هر خرده‌مقیاس دو سوال دارد و کلاً شامل ۱۲ سوال می‌باشد؛ شش سوال ادراک فرد از رفتار دلبستگی خودش را می‌سنجد و شش سوال ادراک فرد از دلبستگی همسرش به وی را می‌سنجد. نمره پائین‌تر در این مقیاس نشانه دلبستگی مثبت‌تر است. در نسخه اصلی، آلفای کرونباخ این مقیاس از ۰/۶۶ تا ۰/۸۵ گزارش شده و نمره بازآزمایی در دامنه‌ای بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۵ گزارش شده است (ساندربرگ و همکاران، ۲۰۱۶). از آنجا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های روان‌سنجی داخلی برای آن موجود نیست. پایایی این پرسش‌نامه ۰/۷۸ با استفاده از آلفای کرونباخ به دست آمد.

ادراک ازدواج والدین^۲: این مقیاس شامل سه سوال می‌شود که از آزمودنی خواسته می‌شود تا میزان موافقت خود را با هر کدام از عبارات در دامنه‌ای بین کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) درجه‌بندی کنند. برای مثال یک عبارت این است: «مادرم ازدواج شادی داشت». نمره بالاتر در این مقیاس نشانه ادراک مثبت‌تر از ازدواج والدین می‌باشد. در تحقیق آلدِر و همکاران (۲۰۱۷) این پرسش‌نامه از پایایی بسیار بالایی هم برای ادراک مردان از ازدواج خودشان ($\alpha=92$) و هم برای ادراک زنان از ازدواج خودشان ($\alpha=92$) برخوردار بوده است. از آنجا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های روان‌سنجی داخلی برای آن موجود نیست. در این تحقیق آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بوده است.

رضایت از ازدواج^۳: این پرسش‌نامه توسط باسبی و همکاران (۲۰۰۱) ساخته شده و شامل هفت آیت می‌شود که هفت بعد روابط زناشویی را می‌سنجد و رضایت زناشویی نامیده شده است. از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود که هر کدام از هفت بعد ارتباط (مثل صمیمیت جنسی، کیفیت تبادل و ارتباط، زمان‌های با هم گذراندن) را در یک مقیاس لیکرتی در دامنه‌ای بین کاملاً ناراضی (۱) تا کاملاً راضی (۵) درجه‌بندی کنند. نمره بالاتر نشانه رضایت بیشتر است. در تحقیق باسبی و همکاران (۲۰۰۱) این ابزار از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بوده است. در تحقیق آلدِر و همکاران (۲۰۱۷) نیز این ابزار از پایایی بالایی ($\alpha=90$) برخوردار بوده است. از آنجا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های روان‌سنجی داخلی برای آن موجود نیست. در این تحقیق آلفای کرونباخ آن ۰/۷۲ گزارش شده است.

پرسش‌نامه فرم کوتاه الگوهای ارتباطی^۴: این پرسش‌نامه نسخه کوتاه پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی است که متشکل از ۱۱ ماده می‌باشد که توسط کریستین سنوهوی، در سال (۱۹۹۰، ۱۹۹۳) ساخته شده است. نمره‌گذاری آن به صورت طیف لیکرتی ۹ درجه‌ای (۱ = بسیار بعید، ۹ = بسیار محتمل) می‌باشد. نمرات بالاتر در هر خرده مقیاس نشانگر احتمال استفاده از این الگوی ارتباطی در تعامل‌های درگیری است. ۶ گویه به بررسی الگوهای تعامل مکمل بین زوجین و ۵ گویه به بررسی الگوهای تعاملی متقارن می‌پردازد. الگوهای مکملی بدین صورت است که یکی از زوجین بحث می‌کند و دیگر اجتناب می‌کند، یکی از زوجین تقاضا می‌کند و دیگری کناره‌گیری می‌کند، یکی از زوجین انتقاد و دیگری دفاع می‌کند. به طور کل سوالات خرده‌مقیاس‌ها به صورت زیر است: تقاضای زن/کناره‌گیری مرد (سوالات ۳ و ۸ و ۱۰)، تقاضای مرد/کناره‌گیری مرد (سوالات ۴ و ۹ و ۱۱)، تقاضا/کناره‌گیری کل (۳ و ۴ و ۸ و ۱۱)، تعامل مثبت کل

- 1 . Attachment Behaviors
- 2 . perception of parents' marriage
- 3 . Marital Satisfaction
- 4 . Communication patterns questionnaire – short form

(مجموع سوالات ۲ و ۵ و ۷). در این تحقیق نمرات طوری جمع‌بندی شده که نمره پائین‌تر نشانه الگوی سازنده‌تر است. تحقیقات پایایی و روایی بالایی را برای این ابزار گزارش کرده‌اند (فوتریس و همکاران، ۲۰۱۰). از آنجا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های روان‌سنجی داخلی برای آن موجود نیست. آلفای کرونباخ برای مقیاس کل در این پژوهش ۰/۶۵ گزارش شده است.

یافته‌ها

در قسمت یافته‌ها، قبل از هر چیز به اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به آزمودنی‌ها اشاره می‌شود. در این قسمت، جنسیت، سن ازدواج، تعداد فرزندان، تحصیلات و درآمد ذکر شده است.

در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به آزمودنی‌ها اشاره می‌شود.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی (N=۴۰۰)

مولفه	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۱۹۹	۵۰/۳
	مرد	۲۰۱	۴۹/۸
سن ازدواج	زیر ۲۰ سال	۱۱۷	۲۹/۲۵
	۲۱ تا ۲۵ سال	۱۵۳	۳۸/۲۵
	۲۶ تا ۳۰ سال	۱۱۷	۲۹/۲۵
	۳۰ سال به بالا	۱۳	۳/۲۵
تعداد فرزند	۰	۱۲۴	۳۱/۰
	۱	۱۰۲	۲۵/۵
	۲	۱۲۹	۳۲/۳
	۳	۴۵	۱۱/۳
تحصیلات	زیر دیپلم	۹۸	۲۴/۵
	دیپلم	۷۳	۱۸/۳
	کارشناسی	۱۶۰	۴۰/۰
	کارشناسی ارشد	۵۹	۱۴/۸
درآمد	دکتری	۱۰	۲/۵
	کم	۱۱۴	۲۸/۵
	متوسط	۲۳۲	۵۸/۰
	بالتر از متوسط	۵۳	۱۳/۳
	زیاد	۱	۰/۳

توضیحات زیر جدول تعداد نمونه‌های این پژوهش ۴۰۰ نفر می‌باشد که ۱۹۹ نفر آنها خانم و ۲۰۱ نفر آنها آقا می‌باشند. تحصیلات: بیشترین و کمترین فراوانی.

در جدول ۲ شامل همبستگی ادراک فرد از ازدواج والدین، ادراک از ازدواج خود، رضایتمندی از ازدواج، دلبستگی، رویدادهای ناگوار کودکی و الگوهای تبادل می‌باشد.

جدول ۲: همبستگی متغیرهای حاضر در پژوهش (N=۴۰۰)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. ادراک فرد از ازدواج والدین	۱					
۲. ادراک از ازدواج خود	۰/۳۷۶**	۱				
۳. رضایت‌مندی از ازدواج	۰/۲۵۱**	۰/۴۷۹**	۱			
۴. دلبستگی	۰/۰۵۰	-۰/۳۱۳**	-۰/۵۶۶**	۱		
۵. رویدادهای ناگوار کودکی	-۰/۰۵۵	-۰/۱۶۱**	-۰/۱۹۹*	۰/۱۷۱**	۱	
۶. الگوهای تبادل	-۰/۰۹۱	-۰/۲۵۵**	-۰/۳۸۴**	۰/۴۱۸**	۰/۰۵۷	۱

** سطح اطمینان در ۰/۰۱ و * سطح اطمینان در ۰/۰۵ می‌باشد.

باتوجه به نتایج جدول شماره ۲ ادراک فرد از ازدواج والدین و ادراک از ازدواج خود و همچنین رضایت‌مندی از ازدواج به ترتیب ۱- ۰/۳۷۶ - ۰/۲۵۱ که نشانگر معناداری و مثبت بودن رابطه می‌باشد و ادراک فرد از ازدواج خود با دلبستگی رابطه مثبت و معناداری وجود داشته ۰/۰۵۰ همچنین رابطه رویدادهای ناگوار کودکی با ادراک از ازدواج خود رابطه منفی و معناداری وجود داشته است ۰/۰۵۵ و در نهایت رابطه ادراک از ازدواج خود و الگوهای تبادل نیز به این صورت می‌باشد ۰/۰۹۱ که نشانگر وجود رابطه منفی و معنادار است.

جدول ۳ شامل نتیجه رگرسیون متغیرهای کلی پژوهش می‌باشد.

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون جهت پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر اساس متغیرهای ملاک

مدل	R	R ²	Adjusted R ²	F	Sig
۱	۰/۲۹۸	۰/۰۸۹	۰/۰۷۸	۸/۷۱۷	۰/۰۰۰

همان‌طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، متغیرهای پیش‌بین قادر به پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج می‌باشند و ۰/۰۷ درصد از واریانس رضایت‌مندی زناشویی بر مبنای رفتار دلبستگی، الگوهای تبادل، تجربیات ناگوار کودکی و ادراک از ازدواج والدین قابل پیش‌بینی می‌باشد.

در جدول ۴ شامل خلاصه اطلاعات رگرسیونی متغیرهای پژوهشی جهت پیش‌بینی از رضایت‌مندی از ازدواج می‌باشد.

جدول ۴. خلاصه اطلاعات تحلیل رگرسیون جهت پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر اساس متغیرهای پیش‌بین

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	B	STE	Beta	t	Sig
رضایت‌مندی از ازدواج	مقدار ثابت	۳۰/۸۹۸	۲/۰۲۲		۱۵/۲۸۴	۰/۰۰۰
	رفتار دلبستگی	-۰/۱۳۸	۰/۰۵۲	-۰/۱۳۵	-۲/۶۵۲	۰/۰۰۸
	الگوهای تبادل	-۰/۰۳۳	۰/۰۲۲	-۰/۰۷۱	-۱/۳۷۸	۰/۱۶۹
	تجربیات ناگوار کودکی	-۰/۴۹۸	۰/۲۵۸	-۰/۰۹۷	-۱/۹۲۸	۰/۰۵۵
	ادراک از ازدواج والدین	۰/۳۹۱	۰/۰۸۷	۰/۲۲۹	۴/۴۹۴	۰/۰۰۰

همان‌طوری که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، از بین چهار متغیر رفتار دلبستگی، الگوهای تبادل، تجربیات ناگوار کودکی و ادراک از ازدواج والدین، دو متغیر رفتار دلبستگی و ادراک از ازدواج والدین توانسته است رضایت‌مندی از ازدواج را پیش‌بینی کند. متغیر رفتار دلبستگی ($\beta = -0/135$ ، $t = -2/265$) به صورت منفی و معنی‌دار و همچنین ادراک از ازدواج والدین ($\beta = 0/229$ ، $t = 4/494$) به صورت مثبت و معنی‌دار قادر به پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بودند.

نتایج

هدف از این پژوهش، پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر مبنای تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین در زوجین بود. یافته اول پژوهش نشان داد که تجربیات ناگوار کودکی با رضایت‌مندی از ازدواج رابطه منفی و معناداری دارد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل نشان داد که شدت سوءرفتارهای دوران کودکی با رضایت‌مندی از ازدواج مرتبط است. این یافته با یافته‌های باربری و شارف (۲۰۱۲) هم‌خوانی دارد. به‌علاوه، در پژوهش سندی-ان ماری گریفیت (۲۰۱۸) تحت عنوان رابطه تجربیات ناگوار کودکی با سلامت روابط زناشویی افراد بزرگسال، این نتیجه تأیید شد که شیوع تجربیات ناگوار کودکی تأثیر مستقیمی بر رضایت زناشویی و همچنین بر سلامت داشته است. علاوه بر این، اکثر افرادی که در کودکی تجربه ناگواری داشته‌اند در روابط عاشقانه خود احساس ناراحتی می‌کردند و در نهایت به نابودی خانواده منجر شده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، از آنجا که تجربیات ناگوار کودکی باعث افزایش خطاهای شناختی می‌شود و افراد دارای چنین تجربیاتی در یک یا چند حیطه مشکلات شناختی دارند (مکلین و همکاران، ۲۰۱۶). آنها حتی قادر به پاسخ درست و استفاده از مقابله‌های سازگاران در شرایط پرسترس نیستند. بنابراین، در هنگام مشکلات زناشویی، هم ممکن است دچار خطاها و تحریف‌های شناختی شده و هم ممکن است قادر به پاسخ‌های سازگاران نباشند. در نتیجه این آسیب در پردازش شناختی اتفاقات می‌تواند بر نوع تعامل و متقابلاً کیفیت روابط زناشویی تأثیر بگذارد.

یافته دوم پژوهش نشان داد که بین رضایت‌مندی از ازدواج و رفتارهای دلبستگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های حاضر در این زمینه با یافته‌های پژوهش رینر بنسن (۲۰۰۴) همسو است. طوری که نشان می‌دهد رضایت‌مندی از رابطه در زوج‌های متاهل می‌تواند متأثر از نوع دلبستگی به شریک عشقی، سبک دلبستگی زوج و ترکیب آنها باشد. در پژوهشی دیگر (فینی، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹) محققان به این نتیجه رسیدند که بین سبک دلبستگی ناامن و رضایت از ارتباط رابطه وجود دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، از آنجا که در این پژوهش منظور از رفتار دلبستگی، سه رفتار دسترس‌پذیری، پاسخ‌گویی و تعهد می‌باشد، انتظار می‌رود که با افزایش این سه رفتار رضایت‌مندی از ازدواج نیز بالاتر برود. طبق نظر بالبی، وجود دسترس‌پذیری و پاسخ‌گویی باعث ایجاد حس ایمنی و آسایش در ارتباط می‌شود و وقتی که امنیت و آسایش در رابطه افزایش بیابد، باعث افزایش رضایت از رابطه شده و نارضایتی از ارتباط کاهش می‌یابد. دسترس‌پذیری بدین معنی است که نماد دلبستگی در موقع نیاز موجودیت دارد. این موجودیت یکی از عوامل اساسی در رابطه زناشویی است. در رابطه زناشویی انتظار بر این است که زوجین در مواقع نیاز در دسترس همدیگر باشند. صرف اینکه زوجین فکر کنند که در مواقع نیاز فردی وجود دارد که فرد می‌تواند به وی رجوع کند، این خود باعث آرامش زوجین می‌شود. پاسخ‌گویی نیز به معنی توجه به نیازهایی است که شریک در پی ارضاء آنها می‌باشد. در دسترس بودن کافی نیست، بلکه در کنارش زوجین باید در مواقع نیازهای جسمانی و روانی پاسخ‌گویی هم باشند. وقتی میزان این پاسخ‌گویی به موقع و مناسب است، این باعث افزایش رضایت‌مندی می‌باشد، زیرا که در زوجین ناسازگار، طرفین در مواقع ضروری، یا نیازهای همدیگر را نادیده می‌گیرند یا بدان نیازها پاسخ نمی‌دهند. تعهد نیز نوعی فرایند ارتباطی پرورش‌دهنده و آرامش‌دهنده است که در زمان آشفتگی و نیازمندی شریک به رابطه رخ می‌دهد. در نتیجه، سه مولفه مهم و کلیدی دسترس‌پذیری، پاسخ‌گویی و تعهد، به‌عنوان مولفه‌های اصلی خلق دلبستگی ایمن در نظر گرفته می‌شوند (جانسون، ۲۰۰۴) و وجود آنها باعث افزایش رضایت‌مندی از ازدواج می‌شود.

یافته‌های سوم پژوهش نشان داد که بین رضایت‌مندی از ازدواج و الگوهای تبادل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در پژوهشی توسط پترسون (۱۹۷۳)، کالین و ونگلیستی (۲۰۰۰)، تورل و دیگران (۲۰۰۴)، نیز مشخص شد که یکی از عوامل رضایت زناشویی، الگوهای ارتباطی است. مدهی، صمدزاده و جوادی (۱۳۹۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که یکی از عوامل رضایت زناشویی، انواع الگوهای ارتباطی بین زوجین است. یعنی هرچه الگوهای تبادل به صورت سازنده و متقابل تر باشد، رضایت بالاتر می‌رود. در الگوهای سازنده و متقابل، زوجین در هنگام بحث از خودشان دفاع نمی‌کنند، دیگری را سرزنش نمی‌کنند، از بحث کناره‌گیری نمی‌کنند و سعی می‌کنند هیجان‌ات و افکار خود را به صورت شفاف و باز مطرح کنند و ترسی از طرد شدن یا پذیرفته نشدن از سوی طرف مقابل ندارند. در صورتی که در سبک‌های تعاملی غیرسازنده، سکوت و دفاع و انتقاد و سرزنش و کناره‌گیری وجود دارد. بنابراین، با وصف ویژگی‌های تبادل سازنده، انتظار می‌رود که وجود چنین خصیصه‌هایی باعث افزایش رضایت از ازدواج شود.

یافته چهارم پژوهش نشان داد که بین ادراک از ازدواج والدین و رضایت‌مندی از ازدواج رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این با یافته آلدِر و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. آنها بدین نتیجه رسیدند که ادراک فرد از ازدواج والدین با رضایت زناشویی آتی فرزندان رابطه دارد. ضمناً، تحقیق استراید و همکاران (۲۰۱۵) نشان داده که خانواده مبدا بر روابط بزرگسالان تأثیر معنی‌داری دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد در پی بازآفرینی و بازخلق زندگی گذشته خود هستند. ما معمولاً همان الگوهایی را در زندگی آتی خود تکرار می‌کنیم که قبلاً در تعامل بین والدین‌مان آموخته‌ایم. مطابق تحقیق آماتو و باس (۲۰۰۱) می‌توان گفت وقتی فردی شاهد تعارض خانواده مبدا و هم وضعیت زناشویی والدین خود است، انتظار می‌رود که این امر تعارض رضایت زناشویی بعدی وی را پیش‌بینی کند. پس بنابراین، مشاهده الگوهای رفتاری مثبت و سازنده بین والدین، طبیعتاً این ذهنیت مثبت را پیش می‌آورد که «روابط والدین من مثبت و خوشایند بوده است». این ذهنیت بعداً به زندگی آتی فرد سرایت کرده و همین سوگیری شناختی مثبت می‌تواند باعث خوش‌بینی بیشتر و اسنادهای زناشویی مثبت‌تری شود که این باعث رضایت از ارتباط می‌شود. کیفیت روابط موجود بین والدین، نقش بزرگی در سازگاری بعدی کودکی و زندگی مشترک او دارد.

در مورد یافته رگرسیون نیز باید گفت که ادراک فرد از ازدواج والدین مهم‌ترین پیش‌رضایت زناشویی بود و بعد از آن رفتار دلبستگی توان پیش‌بینی‌کنندگی رضایت زناشویی را در سطحی کمتر از ادراک فرد از ازدواج والدین دارا بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که متغیر شناخت و ادراک و باورهای فرد می‌تواند یکی از عوامل مهم در رضایت از ازدواج باشند؛ باورهایی که از همان کودکی و در تعامل فرد با والدین شکل می‌گیرند. این باورها آنقدر قدرتمند هستند که وقتی ادراک فرد از ازدواج والدینش مثبت باشد، این می‌تواند مهم‌ترین عامل پیش‌بینی رضایت بعدی وی در ازدواج باشد. این ادراک می‌تواند باعث اسنادهای ارتباطی خوش‌بینانه‌تری شود و همچنین فرد را در برابر خطاهای شناختی مصون بدارد که در نتیجه باعث افزایش رضایت می‌شود. حتی رفتار دلبستگی که بعد از ادراک از ازدواج والدین دومین عامل پیش‌بین رضایت زناشویی بود، می‌تواند تحت تأثیر ادراک فرد قرار گیرد. وقتی ادراک فرد از رابطه مثبت باشد، وی احساس ایمنی خواهد کرد و در مواقع نیاز در دسترس همسرش خواهد بود و به نیازهای وی پاسخ می‌گوید و این در نهایت رضایت را افزایش می‌دهد.

این پژوهش همچون تمام پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. اولین محدودیت اینکه بسیاری از ابزارهای این پژوهش برای اولین بار توسط محققان این پژوهش به فارسی برگردانده شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند و بنابراین نیاز به بررسی دقیق ویژگی‌های روان‌سنجی دارند. ضمناً، بعضی از این پرسشنامه‌های خود گزارشی مستلزم استفاده از حافظه بلندمدت و یادآوری خاطرات گذشته بوده و این ممکن است باعث سوگیری حافظه در فراخوانی اطلاعات قبلی شود. جامعه این پژوهش ترکیبی از زنان و مردان بوده است و پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی متغیر جنسیت به صورت خاص و دقیق‌تری مد نظر قرار گیرد. در نهایت، مطابق با یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود برای افزایش رضایت زناشویی قبل از هر چیز در پی آن باشیم که رضایت خانواده‌ها را بالا ببریم؛ خانواده‌هایی که همین فرزندان از آن برمی‌خورند و بعداً خودشان ازدواج می‌کنند. پس، آموزش به خانواده‌ها برای بهبود مهارت‌های تعاملی آنها و برقراری روابط سازنده می‌تواند عاملی مهمی در ادراک آتی فرد داشته باشد. به خانواده‌ها باید آموزش داده

شود که طوری فرزندان خودشان را به بار بیاورند که این فرزندان احساس امنیت و آرامش کنند و اضطراب جدایی به آنها دست ندهند، چون این ناامنی بنیادی باعث می‌شود که بعداً فرزندان دارای سبک دلبستگی ناایمن شده و رضایت زناشویی آنها به خطر بیفتد.

منابع

۱. عطاری، علی (۱۳۸۷). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی-خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱، ص ۸۱-۱۰۸
۲. یوسفی، سجاده؛ مرادی، مرتضی و تیشه وردایم، محمد کاظم (۱۳۸۹). نقش تعهد سازمانی کارکنان در تسهیم دانش، ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ۷، شماره ۳۰، صفحات ۲۳-۳۶.
3. Anda, R. F., Felitti, V. J., Bremner, J. D., Walker, J. D., Whitfield, C. H., Perry, B. D., ... & Giles, W. H. (2006). The enduring effects of abuse and related adverse experiences in childhood. *European archives of psychiatry and clinical neuroscience*, 256(3), 174-186.
4. Bowlby, J. (1969). Disruption of affectional bonds and its effects on behavior. *Canada's MentalHealth Supplement*, 59, 12-12.
5. Bradbury, L. L., & Shaffer, A. (2012). Emotion dysregulation mediates the link between childhood emotional maltreatment and young adult romantic relationship satisfaction. *Journal of Aggression, Maltreatment and Trauma*, 21, 497-515. <http://dx.doi.org/10.1080/10926771.2012.678466>
6. Christensen A, Eldridge KA, Catta-Preta AB, Lim VR, Santagata R. Cross-cultural consistency of the demand-withdraw interaction pattern in couples. *Journal of Marriage and Family*. 2006; 68:1029-1044.
7. Cohen, S., Schulz, M. S., Weiss, E., & Waldinger, R. J. (2012). Eye of the beholder: The individual and dyadic contributions of empathic accuracy and perceived empathic effort to relationship satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 26, 236-245. <http://dx.doi.org/10.1037/a0027488>, pii: 2012-05104-001
8. DiLillo, D., Peugh, J., Walsh, K., Panuzio, J., Trask, E., & Evans, S. (2009). Child maltreatment history among newlywed couples: A longitudinal study of marital outcomes and mediating pathways. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 77(4), 680-692. <http://dx.doi.org/10.1037/a0015708>
9. Ebrahimi, E., & Ali Kimiaei, S. (2014). The study of the relationship among marital satisfaction, attachment styles, and communication patterns in divorcing couples. *Journal of Divorce & Remarriage*, 55(6), 451-463.
10. Eldridge, KA.; Christensen, A. Demand-withdraw communication during couple conflict: A review and analysis.. In: Noller, P.; Feeney, J., editors. *Understanding marriage: Developments in the study of couple interaction*. Cambridge University Press; Cambridge, UK: 2002. p. 289-322.
11. Futris, T. G., Campbell, K., Nielsen, R. B., & Burwell, S. R. (2010). The Communication patterns questionnaire-short form: a review and assessment. *The Family Journal*, 18(3), 275-287.
12. Hughes, K., Bellis, M. A., Hardcastle, K. A., Sethi, D., Butchart, A., Mikton, C., ... & Dunne, M. P. (2017). The effect of multiple adverse childhood experiences on health: a systematic review and meta-analysis. *The Lancet Public Health*, 2(8), e356-e366
13. Johnson, S. M. (2004). *The practice of emotionally focused couple therapy: Creating connection* East Sussex, UK: Brunner-Routledge.
14. Johnson, S. M., & Williams-Keeler, L. (1998). Creating healing relationships for couples dealing with trauma: The use of emotionally focused marital therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 24(1), 25-40. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1998.tb01061.x>
15. Knapp, D. J., Sandberg, J. G., Novak, J., & Larson, J. H. (2015). The mediating role of attachment behaviors on the relationship between family-of-origin and couple communication: Implications for couples therapy. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 14(1), 17-38. <https://doi.org/10.1080/15332691.2014.953650>
16. Malis RS, Roloff ME. Demand-withdraw patterns in serial arguments: Implications for well-being. *Human Communication Research*. 2006; 32:198-216.
17. Meagan C. Alder, Jeremy B. Yorgason, Jonathan G. Sandberg & Stephanie Davis (2017): Perceptions of Parents' Marriage Predicting Marital Satisfaction: The Moderating Role of Attachment Behaviors, *Journal of Couple & Relationship Therapy*, DOI: 10.1080/15332691.2017.1372834

18. Michael E, Spiegel A. Parental conflict and intimacy: Do our perceptions influence the formation of personal relationship? *Colgate Univ J Sci.* 147-56
19. Morris MH, West C. Post-divorce conflict and avoidance of intimacy. *J Divorce Remarriage.* 2001; 35: 93-105.
20. Oladeji, B. D., Makanjuola, V. A., & Gureje, O. (2010). Family-related adverse childhood experiences as risk factors for psychiatric disorders in Nigeria. *The British Journal of Psychiatry,* 196(3), 186-191.
21. Rosenbaum A, O'Leary K. Children: The unintended victims of marital violence. *American Journal of Orthopsychiatry* 1981;51(4):692–699. [PubMed: 7294173]
22. Sandberg, J. G., Busby, D. M., Johnson, S. M., & Yoshida, K. (2012). The Brief Accessibility, Responsiveness, and Engagement (BARE) Scale: A tool for measuring attachment behavior in couple relationships. *Family Process,* 51(4), 512–526. <https://doi.org/10.1111/j.1545-5300.2012.01422.x>
23. Sandberg, J. G., Novak, J. R., Davis, S. Y., & Busby, D. M. (2016). The brief accessibility, responsiveness, and engagement scale: A tool for measuring attachment behaviors in clinical couples. *Journal of Marital and Family Therapy,* 42(1), 106–122. <https://doi.org/10.1111/jmft.12151>
24. Sandy-Ann M. Griffith (2018)., THE RELATIONSHIP BETWEEN CHILDHOOD ADVERSITY AND ADULT RELATIONSHIP HEALTH FOR ECONOMICALLY MARGINALIZED, RACIALLY AND ETHNICALLY DIVERSE INDIVIDUALS, Old Dominion University.
25. Shoham, V.; Rohrbaugh, MJ. Brief strategic couple therapy.. In: Gurman, AS.; Jacobson, NS., editors. *Clinical handbook of couple therapy.* 3rd ed.. Guilford Press; New York: 2002. p. 5-25.
26. SHONDA M. CRAFT and JULIANNE M. SEROVICH. Family-of-Origin Factors and Partner Violence in the Intimate Relationships of Gay Men Who Are HIV Positive
27. Shonkoff, J. P. (2016). Capitalizing on advances in science to reduce the health consequences of early childhood adversity. *JAMA pediatrics,* 170(10), 1003-1007.
28. Silvia Donato*, Miriam Parise, Ariela F. Pagani, Anna Bertoni, Raffaella Iafrate. Demand-Withdraw, Couple Satisfaction And Relationship Duration
29. Stride, C. B., Gardner, S., Catley, N., & Thomas, F. (2015). "Mplus code for the mediation, moderation, and moderated mediation model templates from Andrew Hayes" PROCESS analysis examples'. Retrieved October 11, 2016, from <http://www.offbeat.group.shef.ac.uk/FIO/mplusmedmod.htm>.
30. Abbas, J., Aqeel, M., Abbas, J., Shafer, B., Jaffar, A., Sundas, J., & Zhang, W. (2019). The moderating role of social support for marital adjustment, depression, anxiety, and stress: Evidence from Pakistani working and nonworking women. *Journal of affective disorders,* 244, 231-238.

Predicting Marriage Satisfaction Based on adverse Childhood Experiences, Attachment Behaviors, Exchange Patterns, and Perceptions of Parental Marriage in Couples

Ahmad Reza Kiani¹, Mahmood Mohammadi Razi²

1. Ph.D. in Counseling, Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili (Corresponding Author)
a.kiani@uma.ac.ir
2. MSc of School Counseling, University of Mohaghegh Ardabili
mahmudmohamadi00@gmail.com

Abstract:

The purpose of this study was to predict marital satisfaction based on adverse childhood experiences, attachment behaviors, exchange patterns, and perceptions of parental marriage in couples. This was a descriptive correlational study. The tools of this study were ACEs childhood adverse experiences, attachment behaviours, parental marriage perception, marital satisfaction, and a short communication form questionnaire which was administered to 400 subjects (200 couples) in Bojnourd city using SPSS software. Because the population was large and no information was available from all of these individuals, multi-stage cluster sampling was used. Results: Findings showed that one's perception of parental marriage and perception of one's own marriage as well as one's satisfaction with marriage was significant and positive. There was a significant and positive relationship between one's perception of marriage and attachment, as well as a negative and significant relationship between childhood adversity and one's own perception of marriage, and finally, the relationship between perceptions of marriage and exchange patterns showed a negative and meaningful relationship. Conclusion: It can be concluded from this study that adverse childhood experiences, attachment behaviors, exchange patterns, and perceptions of parental marriage are good predictors of marital satisfaction.

Keywords: Marriage Satisfaction, Adverse Childhood Experiences, Attachment, Exchange Patterns and, Perceptions

پیش‌بینی رضایت زناشویی مردان و زنان بر اساس متغیرهای انگیزه‌های استقبالی، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکارانه

توفیق البوغیش*^۱، رضا خجسته‌مهر^۲، ذبیح‌الله عباسپور^۳

۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده- دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)
tofigh.zizo70@gmail.com

۲- استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز
khojastehmehr@yahoo.com

۳- استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز
Z.abbaspour@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۹۸/۹/۲۳]

تاریخ دریافت: [۹۸/۲/۲۰]

چکیده

رضایت زناشویی از عواملی است که موجب رضایت و خشنودی در زندگی می‌شود. شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر رضایت زناشویی، برای کمک به حفظ ازدواج بسیار لازم و کمک کننده است. مطالعات نشان می‌دهند که انگیزه و رفتارهای فداکارانه می‌توانند به شکل‌های مختلف رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی مردان و زنان بر اساس متغیرهای انگیزه‌های استقبالی، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکارانه زنان و مردان^۱ شهر اهواز انجام شد. به منظور دستیابی به این هدف ۳۰۰ زوج با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی از نوع در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های پژوهش شامل سنجه ادراک رفتارهای فداکارانه (PSM)، سنجه انگیزه‌های فداکارانه (MSM)، سنجه ارزیابی رابطه (RAS) توسط آنها تکمیل گردید. طرح تحقیق حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش، پژوهشگر به دنبال بررسی روابط ساده و گام به گام بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک می‌باشد. نتایج نشان داد که در نمونه مردان از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیرهای رفتارهای فداکارانه و انگیزه‌های اجتنابی فداکاری از توانایی پیش‌بینی رضایت زناشویی برخوردارند، همچنین در نمونه زنان، از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیرهای رفتارهای فداکارانه و انگیزه‌های استقبالی از توانایی پیش‌بینی رضایت زناشویی برخوردارند. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که دسته‌ای از متغیرها در مردان مثل رفتارهای فداکارانه و انگیزه‌های اجتنابی فداکاری نقش تعیین کننده‌تری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند، همچنین در زنان هم دسته‌ای از متغیرها مثل رفتارهای فداکارانه و انگیزه‌های استقبالی نقش تعیین کننده و مهم‌تری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند. شناسایی و کار بر روی این دسته از متغیرها، نقشی تأثیرگذار بر رضایت زوجین و روابط خانوادگی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: رضایت زناشویی، انگیزه‌های استقبالی، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری، رفتارهای فداکارانه

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده علاوه بر تأمین و ارضای عاطفی، روانی، جنسی (و سایر نیازها) می‌تواند کانون پرورش نسل‌های سالم و رشدیافته باشد؛ اما این در صورتی است که رابطه‌ی زوج‌ها و به‌طور کلی کانون خانواده، سالم، گرم و بدون تنش باشد. بدیهی است که هر رابطه‌ی ناسازگار به توقف و رکود رشد اعضا منجر خواهد شد (روشن‌روان، ۱۳۹۵). صادقی، فاتحی‌زاده، احمدی، بهرامی و اعتمادی (۱۳۹۴) عنوان می‌کنند که مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه‌ی خانواده عامل بسیار تأثیرگذاری در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده است؛ بنابراین اهمیت شناخت و بررسی عواملی که سبب قوام و استحکام این نهاد می‌گردند، می‌تواند گامی مفید در راستای ارتقای سطح فرهنگ جامعه تلقی گردد (ریوس^۱، ۲۰۱۰).

یکی از مؤلفه‌هایی که در حوزه‌ی زناشویی مهم است رضایت زناشویی^۲ است که زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و باهم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۴). رضایت زناشویی را می‌توان به‌صورت توافق بین شریک‌ها بر موضوعات مهم در رابطه، خرسندی از وضعیت کنونی رابطه و تعهد به ادامه آن، ابراز عاطفه و رابطه جنسی در ارتباط و علایق و فعالیت‌های مشترک زوج تعریف کرد (اسپنیر^۳، ۲۰۰۱). به عقیده عدالتی و ردوزان^۴ (۲۰۱۰)، رضایت زناشویی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است.

متغیرهای مختلفی می‌توانند بر رضایت زناشویی زوج‌ها اثر بگذارند. از جمله متغیرهایی که بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند می‌توان به فداکاری^۵ و انگیزه‌های فداکاری^۶ اشاره کرد (پارکر^۷ و پاتندن^۸، ۲۰۰۹). فداکاری در معنای عمومی لغت به مفهوم صرف‌نظر کردن از خواسته‌ها و منافع شخصی به نفع شریک یا به نفع حفظ و تقویت رابطه است؛ به‌عبارت دیگر فداکاری این‌گونه تعریف شده است: چشم‌پوشی از فعالیت و رفتاری که فرد خواهان آن است یا عمل کردن به‌گونه‌ای که مطلوب فرد نیست (فیگرس^۹، ۲۰۰۸). پژوهش‌هایی وجود دارند که ارتباط فداکاری با رضایت در رابطه زوجین را تأیید کرده‌اند (ون لانگ^{۱۰}، ۱۹۹۷ و همکاران، ۱۹۹۷؛ ون لانگ، رازبلت^{۱۱} و همکاران، ۱۹۹۷). ون لانگ و همکاران (۱۹۹۷) پی بردند که «میل به فدا کردن تا اندازه‌ای میانجی ارتباط بین سطح تعهد و سازگاری در رابطه است».

فیگرس (۲۰۰۸) اشاره می‌کند که، انگیزه‌های فداکارانه می‌تواند در رابطه بین رفتارهای فداکارانه و رضایت زناشویی نقش تعدیل کننده داشته باشد. فیگرس (۲۰۰۸) انگیزه فداکاری را چنین تعریف می‌کند: علتی که فرد به واسطه‌ی آن اقدام به فداکاری برای همسر خود می‌کند. او اشاره می‌کند که وقتی یک فرد در زندگی از خود فداکاری نشان می‌دهد او ممکن است درصدد یافتن انگیزه‌ی شریک زندگی‌اش از این کار برآید. فداکاری کردن برای شریک زندگی می‌تواند برای انگیزه‌های متفاوتی صورت گیرد. انگیزه استقبالی فداکاری در جست‌وجوی پیامدهای مثبتی چون شاد کردن دیگران یا صمیمیت بیشتر است، در حالیکه انگیزه اجتنابی فداکاری سعی بر این دارد تا از پیامدهای منفی همچون تعارض نارضایتی و یا کاهش علاقه و رغبت دیگر نسبت به رابطه، اجتناب شود. در واقع انگیزه اجتنابی در فداکاری به واسطه اجتناب از تعارض در کوتاه مدت منجر به آسایش خاطر و رفع نگرانی می‌شود اما با خود اضطراب و تنش‌هایی را به همراه می‌آورد که مرتبط با تعارض‌هایی است که سعی شده بود از آنها اجتناب شود (سلطان‌زاده، ۱۳۹۱).

- 1- Rios
- 2- marital satisfaction
- 3- Spinier
- 5- Dalai & Recusant
- 6- Sacrifice
- 7- Sacrifice motivation
- 8- Parker
- 9- Patterned
- 10- Figurers
- 11- Valance
- 12- Agnew
- 13- Result

پژوهش ایمپت، گیبیل^۱ و پیلو^۲ (۲۰۰۵) نشان داد زوج‌هایی که به خاطر انگیزه‌های استقبالی^۳ فداکاری می‌کنند به احتمال بیشتر با هم می‌مانند، در حالی که آن زوج‌هایی که به خاطر انگیزه‌های اجتنابی^۴ فداکاری می‌کنند رابطه‌شان مضر و خطرناک خواهد بود. بیشتر زوج‌هایی که به خاطر انگیزه‌های اجتنابی فداکاری می‌کنند، کمتر احساس رضایت می‌کنند و احتمال بیشتری می‌رود که یک ماه بعد از هم جدا شوند و آن احساس تعهد و رضایت اولیه در رابطه‌شان برایشان مهم نیست. احساسات از جمله احساس همدردی، احساس گناه و غم و اندوه می‌تواند میل و انگیزه برای کمک به دیگران را افزایش می‌دهد. در مقابل احساس خشم می‌تواند انگیزه برای مراقبت از دیگران را کاهش دهد (فیگرس، ۲۰۰۸).

بنابراین باتوجه به نقش مؤثر انگیزه‌های فداکارانه و رفتارهای فداکارانه در رضایت زناشویی، هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه‌ی انگیزه‌های فداکارانه و رفتارهای فداکارانه با رضایت زناشویی در زنان و مردان متأهل و اینکه کدام یک از متغیرهای پیش‌بین سهم بیشتری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند، هدف دوم پژوهش حاضر است. باتوجه به ملاحظات نظری و یافته‌های پژوهشی موجود در زمینه موضوع مورد بررسی، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر بررسی شدند.

۱- انگیزه‌های استقبالی فداکاری مردان با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد. ۲- انگیزه‌های اجتنابی فداکاری مردان با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد. ۳- انگیزه‌های استقبالی فداکاری زنان با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد. ۴- انگیزه‌های اجتنابی فداکاری زنان با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد. ۵- رفتارهای فداکارانه مردان با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد. ۶- رفتارهای فداکارانه زنان با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش تحقیق حاضر توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. در این پژوهش، پژوهشگر به دنبال بررسی روابط ساده و رگرسیون چندگانه (گام به گام) بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک خواهد بود. جامعه آماری در این تحقیق افراد متأهل شهر اهواز می‌باشند که در فاصله زمانی اجرای پژوهش در این شهر زندگی می‌کنند. در پژوهش حاضر تعداد ۱۵۰ مرد و ۱۵۰ زن با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی از نوع در دسترس (افراد حاضر در ادارات، اماکن عمومی مانند پارک‌ها) از بین مردان و زنان متأهل شهرستان اهواز انتخاب شدند. و بعد از ارائه توضیحات لازم و راهنمایی‌های مربوطه و نیز اطمینان‌سازی از در امان بودن اطلاعات و پاسخ‌ها، پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار آنها قرار گرفت و از آنان خواسته شد به گویه‌های پرسش‌نامه‌ها با دقت و صراحت پاسخ دهند. در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره‌ها، و برای آزمون فرضیه‌ها و پاسخ سوالات پژوهش از روش‌های آمار استنباطی شامل همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه (گام به گام) استفاده می‌شود. در این پژوهش داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS-23 تجزیه و تحلیل می‌گردد.

ابزار سنجش

۱- پرسش‌نامه رفتارهای فداکارانه هارپر و فیگرس^۵ (PSBM): این مقیاس که توسط هارپر و فیگرس (۲۰۰۸) تهیه شده است، یک ابزار ۵۰ سؤالی است که در برگیرنده‌ی ادراک خود فرد از رفتارهای فداکارانه‌ی خود و رفتارهای فداکارانه همسرش طی شش ماه گذشته می‌باشد. ۲۵ سوال اول در برگیرنده‌ی رفتارهای فداکارانه خود فرد و ۲۵ سوال دوم در برگیرنده‌ی ادراک فرد از رفتارهای فداکارانه شریک زندگی‌اش می‌باشد. آزمودنی با استفاده از یک درجه‌بندی در دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) به سؤالات پاسخ

1-Gable

2- Peplau

3- Approach motiveness

4- Avoidance motiveness

5- Harper & Figurs

می‌دهد. فیگرس (۲۰۰۸) پایایی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ برای مردان ۰/۸۴ و برای زنان ۰/۸۱ عنوان کرد. این مقیاس در ایران برای اولین بار توسط کاوند (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه‌ی رفتارهای فداکارانه، انگیزه‌های فداکاری و ادراک انصاف با صمیمیت زناشویی در والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر بروجرد»، ترجمه و مورد استفاده قرار گرفت. کاوند (۱۳۹۰) در پژوهشی پایایی ۲۵ سوال اول این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ در مردان ۰/۹۰ و در زنان ۰/۸۸، و ۲۵ سوال دوم این مقیاس را هم در مردان و هم در زنان ۰/۹۲ برآورد کرد. همچنین وی روایی سازه‌ی این مقیاس را با پرسش‌نامه کیفیت زناشویی نورتون در نمونه مردان ۰/۵۵ و ۰/۶۵ و در نمونه زنان ۰/۵۱ و ۰/۶۸ گزارش نمود که همگی در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بودند. آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۹۰ محاسبه شد.

۲- پرسش‌نامه انگیزه‌های فداکاری ایمپت و همکاران (۲۰۰۵): مقیاس انگیزه‌های فداکاری جهت روشن کردن انگیزه‌های افراد از فداکاری نسبت به همسرشان طی ۶ ماه گذشته طراحی شده است. دارای ۱۵ ماده می‌باشد که ۸ ماده آن مربوط به انگیزه‌های استقبالی و ۷ ماده آن مربوط به انگیزه‌های اجتنابی است. به‌عنوان مثال از آزمودنی سؤال می‌شود که آیا از فداکاری نسبت به همسرش لذت می‌برد. این مقیاس انگیزه‌های فداکاری را در مقیاس لیکرت در دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) می‌سنجد. فیگرس (۲۰۰۸) پایایی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و ۰/۷۹ برای انگیزه‌های استقبالی و اجتنابی زنان و ۰/۸۶ و ۰/۷۹ برای انگیزه‌های استقبالی و اجتنابی مردان گزارش کرده است. کاوند (۱۳۹۰). پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ محاسبه نمود، وی ضریب پایایی خرده-مقیاس انگیزه استقبالی در مردان ۰/۷۶ و در زنان ۰/۷۵ و ضریب پایایی خرده‌مقیاس انگیزه اجتنابی در مردان ۰/۶۳ و در زنان ۰/۷۸ گزارش کرد. همچنین روایی سازه این مقیاس با پرسش‌نامه کیفیت زناشویی نورتون (۱۹۸۳) برای انگیزه استقبالی و اجتنابی به ترتیب در نمونه مردان ۰/۶۱ و ۰/۲۰٪ و در نمونه زنان ۰/۶۴ و ۰/۲۹- به دست آمد که همگی در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بودند.

۳- پرسش‌نامه ارزیابی رابطه (RAS): سنجه‌ی ارزیابی رابطه (هندریک، دایک و هندریک، ۱۹۹۸) یک ابزار ۷ ماده‌ای است که رضایت‌مندی زناشویی را در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کمترین میزان رضایت) تا ۵ (بیشترین میزان رضایت) می‌سنجد. این مقیاس میزان رضایت کلی فرد از رابطه، اینکه شریک و همسر او چگونه به نیازهایش توجه می‌کند، اینکه کیفیت رابطه او در مقایسه با روابط دیگران چگونه است، رابطه به چه میزان دچار مشکل است؛ و نیز میزان پشیمانی فرد از رابطه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نمره بالاتر نشان‌دهنده‌ی رضایت بیشتر از رابطه است (هندریک و همکاران، ۱۹۹۸). دوهان^۱ و مانیوساوا^۲ (۲۰۰۴) پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند (خجسته‌مهر و همکاران). همچنین کوچکی (۱۳۹۱) میزان همسانی درونی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کرد. در پژوهش خجسته‌مهر، کوچکی و رجبی (۱۳۹۱) برای بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم فارسی این مقیاس در نمونه‌ای از جمعیت والدین دانش‌آموزان دبیرستانی ضریب پایایی با استفاده از روش‌های دو نیمه‌سازی و همسانی درونی به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۵ به دست آمد. همچنین به‌منظور بررسی روایی سازه این مقیاس از پرسش‌نامه کیفیت زناشویی^۳ استفاده گردید و میزان همبستگی آن با پرسش‌نامه کیفیت زناشویی ۰/۸۸ محاسبه شد که این مقدار در سطح $(P < ۰/۰۰۱)$ معنادار است. پایایی به‌دست‌آمده به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) در پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۱) ۰/۹۲ محاسبه شد.

۴- ابزار جمعیت‌شناسی

این پرسش‌نامه به‌منظور به‌دست آوردن اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به افراد گروه نمونه ساخته شده، که متشکل از ۱۲ ماده است. این ماده‌ها شامل: جنسیت، سن، میزان تحصیلات، تاریخ عقد، داشتن فرزند، تعداد فرزندان، شاغل بودن، مدت زمان اشتغال، نوع شغل، محل زندگی است.

1- Doohan

2- Manusov

3- marital Quality Inventory

یافته‌ها

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی پیرسون مربوط به انگیزه‌های استقبالی فداکاری، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری، رفتارهای فداکارانه و رضایت زناشویی مردان و زنان، در جدول ۱ آورده شده است. جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمره‌های انگیزه‌های استقبالی فداکاری، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری، رفتارهای فداکارانه و رضایت زناشویی مردان و زنان نمونه پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۱- مشاهده می‌شود، در نمونه مردان میانگین و انحراف معیار نمره‌های انگیزه‌های استقبالی فداکاری (۲۴/۹۷ و ۷/۸۵)، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری (۱۶/۶۰ و ۵/۹۱)، رفتارهای فداکارانه (۷۴/۲۵ و ۱۲/۱۸)، و رضایت شغلی (۱۷/۱۸ و ۳/۹۴) می‌باشد و در نمونه زنان میانگین و انحراف معیار نمره‌های انگیزه‌های استقبالی فداکاری (۲۴/۳۶ و ۸/۳۱)، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری (۱۷/۰۹ و ۵/۸۰)، رفتارهای فداکارانه (۷۱/۳۶ و ۱۱/۰۸)، و رضایت شغلی (۱۶/۹۷ و ۴/۳۰) می‌باشد.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمره‌های انگیزه‌های استقبالی فداکاری، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری، رفتارهای فداکارانه و رضایت زناشویی مردان و زنان

متغیر	تعداد	مردان		زنان	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
انگیزه‌های استقبالی فداکاری	۱۵۰	۲۴/۹۷	۷/۸۵	۲۴/۳۶	۸/۳۱
انگیزه‌های اجتنابی فداکاری	۱۵۰	۱۶/۶۰	۵/۹۱	۱۷/۰۹	۵/۸۰
رفتارهای فداکارانه	۱۵۰	۷۴/۲۵	۱۲/۱۸	۷۱/۳۶	۱۱/۰۸
رضایت زناشویی	۱۵۰	۱۷/۱۸	۳/۹۴	۱۶/۹۷	۴/۳۰

لازم به ذکر است که یکی از مفروضه‌های مهم مدل تحلیل رگرسیون، نرمال بودن توزیع متغیرها است. در پژوهش حاضر، برای بررسی نرمال بودن متغیرها از کجی و کشیدگی متغیرها استفاده شده است. ضریب کجی (و ضریب کشیدگی) به ترتیب برای متغیرهای رضایت زناشویی (۰/۵۳ و ۰/۳۸)، انگیزه‌های استقبالی فداکاری (۰/۱۷- و ۰/۹۹-)، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری (۰/۷۵ و ۰/۰۴-) و رفتارهای فداکارانه (۰/۴۱- و ۰/۰۹) به دست آمدند. اعداد ذکر شده نشان می‌دهند که باتوجه به معیار نرمال بودن، متغیرهای پژوهش همگی دارای قدر مطلق ضریب کجی کوچک‌تر از ۳ و قدر مطلق ضریب کشیدگی کوچک‌تر از ۱۰ هستند و لذا تخطی از نرمال بودن داده‌ها قابل مشاهده نیست.

جدول ۲- همبستگی بین متغیرهای انگیزه‌های استقبالی فداکاری، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکارانه با رضایت زناشویی در نمونه مردان و زنان

متغیر پیش‌بین		متغیر ملاک (رضایت زناشویی)	
		مردان	زنان
		r	p
انگیزه‌های استقبالی فداکاری	۰/۳۷***	۰/۳۷***	p=۰/۰۰۱
انگیزه‌های اجتنابی فداکاری	-۰/۲۶***	-۰/۲۰*	p=۰/۰۱۲
رفتارهای فداکارانه	۰/۵۲***	۰/۳۵***	p=۰/۰۰۱

*=p<۰/۰۵

**=p<۰/۰۱

همان‌طور که در جدول شماره ۲- ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی بین متغیرهای انگیزه‌های استقبالی فداکاری، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکارانه با رضایت زناشویی در نمونه مردان با استفاده از آزمون یک دامنه‌ی پیرسون به ترتیب برابر با $r=0/37$ ، $r=-0/26$ و $r=0/52$ به دست آمده است. با توجه به این نتایج مشخص می‌گردد که بین انگیزه‌های استقبالی فداکاری مردان با رضایت زناشویی در سطح معناداری $p<0/1$ ، بین انگیزه‌های اجتنابی فداکاری مردان با رضایت زناشویی در سطح معناداری $p<0/05$ و بین رفتارهای فداکارانه مردان با رضایت زناشویی در سطح معناداری $p<0/1$ ارتباط معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه‌های ۳، ۱ و ۵ پژوهش تأیید می‌گردد.

همچنین در جدول شماره ۲- ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی بین متغیرهای انگیزه‌های استقبالی فداکاری، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکارانه با رضایت زناشویی در نمونه زنان با استفاده از آزمون یک دامنه‌ی پیرسون به ترتیب برابر با $r=0/41$ ، $r=-0/20$ و $r=0/35$ به دست آمده است. با توجه به این نتایج مشخص می‌گردد که بین انگیزه‌های استقبالی فداکاری زنان با رضایت زناشویی در سطح معناداری $p<0/1$ ، بین انگیزه‌های اجتنابی فداکاری زنان با رضایت زناشویی در سطح معناداری $p<0/05$ و بین رفتارهای فداکارانه زنان با رضایت زناشویی در سطح معناداری $p<0/1$ ارتباط معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه‌های ۲، ۴ و ۶ پژوهش تأیید می‌گردد.

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون رضایت زناشویی مردان از روی متغیرهای انگیزه‌های استقبالی، انگیزه‌های اجتنابی و رفتارهای فداکارانه به روش گام به گام

ضرایب رگرسیون		F P	R ²	R	شاخص‌ها متغیر پیش بین	متغیر ملاک
۲	۱					
	$\beta = 0/51$	۴۵/۰۷			رفتارهای فداکاری	رضایت زناشویی
	$t = 6/71$	$P = 0/001$	0/26	0/51		
	$P = 0/001$					
$\beta = -0/21$	$\beta = 0/47$	27/59	0/29	0/54	انگیزه‌های اجتنابی فداکاری	
$t = -2/79$	$t = 6/33$	$P = 0/001$				
$P = 0/006$	$P = 0/001$					

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود طبق نتایج رگرسیون به روش گام به گام متغیرهای انگیزه‌های استقبالی فداکاری، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکاری وارد تحلیل شدند. در گام اول تنها متغیر رفتارهای فداکاری قرار گرفته است که R و R^2 آن به ترتیب 0/51 و 0/26 است و سپس در گام دوم با اضافه شدن متغیر انگیزه‌های اجتنابی فداکاری R و R^2 آن به ترتیب 0/54 و 0/29 بدست آمد. بنابراین R و R^2 این تحلیل به ترتیب 0/54 و 0/29 است. یعنی 29٪ واریانس رضایت زناشویی مردان به وسیله‌ی متغیرهای انگیزه‌های اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکاری تبیین می‌شود. بنابراین در پاسخ به سؤال اول پژوهش باید گفت که از بین متغیرهای پیش‌بین متغیرهای رفتارهای فداکارانه و انگیزه‌های اجتنابی فداکاری از توانایی پیش‌بینی رضایت زناشویی در نمونه مردان برخوردارند.

همان‌طور که در جدول ۴- ملاحظه می‌شود طبق نتایج رگرسیون به روش گام به گام متغیرهای انگیزه‌های استقبالی فداکاری، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکاری وارد تحلیل شدند. در گام اول تنها متغیر انگیزه‌های استقبالی فداکاری قرار گرفته است که R و R^2 آن به ترتیب 0/41 و 0/17 است و سپس در گام دوم با اضافه شدن متغیر رفتارهای فداکاری R و R^2 آن به ترتیب 0/47 و

۲۲. بدست آمد. بنابراین R و R² این تحلیل به ترتیب ۰/۴۷ و ۰/۲۲ است. یعنی ۲۲٪ واریانس رضایت زناشویی زنان به وسیله متغیرهای انگیزه‌های استقبالی فداکاری و رفتارهای فداکاری تبیین می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیرهای رفتارهای فداکارانه و انگیزه‌های استقبالی فداکاری از توانایی پیش‌بینی رضایت زناشویی در نمونه زنان برخوردارند.

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون رضایت زناشویی زنان از روی متغیرهای انگیزه‌های استقبالی، انگیزه‌های اجتنابی و رفتارهای فداکارانه به روش گام به گام

ضرایب رگرسیون		شاخص‌ها			
۱	۲	F P	RS	R	متغیر پیش‌بین
$\beta = ۰/۴۱$ $t = ۵/۶۱$ $P = ۰/۰۰۱$		۳۱/۴۹ $P = ۰/۰۰۱$	۰/۱۷	۰/۴۱	انگیزه‌های استقبالی فداکاری
$\beta = ۰/۲۳$ $t = ۳/۰۵$ $P = ۰/۰۰۳$	$\beta = ۰/۳۳$ $t = ۴/۳۰$ $P = ۰/۰۰۱$	۲۱/۲۸ $P = ۰/۰۰۱$	۰/۲۲	۰/۴۷	رضایت زناشویی رفتارهای فداکاری

بحث

این پژوهش با هدف بررسی پیش‌بینی رضایت زناشویی مردان و زنان براساس متغیرهای انگیزه‌های استقبالی، انگیزه‌های اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکارانه در تیر ماه ۱۳۹۷ در شهر اهواز انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که رضایت زناشویی افراد به تفکیک جنسیت آنها متأثر از متغیرهای انگیزه‌های استقبالی، انگیزه‌های اجتنابی و رفتارهای فداکارانه می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که بین انگیزه‌های استقبالی فداکاری مردان و زنان با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد، ادبیات پژوهش مربوط به رابطه انگیزه‌های استقبالی و رضایت زناشویی سرشار از مواردی است که نشانگر رابطه مثبت بین این دو متغیر است (مانند: کاوند، ۱۳۹۰؛ سلطانزاده، ۱۳۹۱؛ ایمپت و همکاران، ۲۰۱۰؛ ایمپت و ایمپت و همکاران، ۲۰۱۲) را گزارش کرده‌اند که با نتیجه‌ی این یافته‌ی ما هم-سو می‌باشد. نتایج پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۷)، نشان داد که انگیزه‌های استقبالی فداکاری (فداکاری باهدف ایجاد پیامدهای مثبتی چون شاد کردن همکاران یا صمیمیت بیشتر در رابطه) با رضایت زناشویی رابطه مثبت و انگیزه‌های اجتنابی فداکاری (فداکاری باهدف اجتناب از پیامدهای منفی همچون تعارض، نارضایتی و یا کاهش علاقه و رغبت دیگری نسبت به رابطه) با رضایت زناشویی رابطه منفی دارند. برخی پژوهش‌ها عدم ارتباط را گزارش کردند (ماتینگلی، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش نشان داد که بین انگیزه‌های اجتنابی فداکاری مردان و زنان با رضایت زناشویی ارتباط منفی معناداری وجود دارد، اما این نتیجه با نتایج پژوهش (ایمپت و همکاران، ۲۰۱۴؛ ایمپت و همکاران، ۲۰۱۰؛ ایمپت و همکاران، ۲۰۱۲؛ سلطانزاده، ۱۳۹۱؛ آقایی، ۱۳۹۶؛ خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۷) هم‌سو و هم‌جهت می‌باشد. پژوهش آقائی (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی رابطه‌ی رفتارها و انگیزه‌های فداکاری باکیفیت زناشویی: یک پژوهش فراتحلیل نشان داد رابطه‌ی انگیزه‌های استقبالی فداکاری باکیفیت زناشویی صرف‌نظر از نوع جنسیت همواره مثبت و رابطه‌ی انگیزه‌های اجتنابی فداکاری باکیفیت زناشویی در بیشتر موارد منفی است. در تبیین این یافته‌های پژوهشی می‌توان گفت که انگیزه‌های استقبالی فداکاری با بهزیستی فردی و نزدیکی عاطفی زوجین رابطه دارد (ایمپت و همکاران، ۲۰۱۲). اصالت یا احساس واقعی بودن یکی از عوامل تبیین‌کننده‌ی نوع رابطه انگیزه‌های فداکاری با رضایت زناشویی است. بدین صورت که در شرایط استقبالی، افراد هنگام

فداکاری برای همسر احساس اصالت بیشتری دارند و این به نوبه‌ی خود سبب می‌شود آنها احساس بهتری نسبت به فداکاری داشته و خوشبختی ارتباطی بیشتری تجربه کنند (ایمپت و همکاران، ۲۰۱۲).

در تبیین دیگر یافته‌ی پژوهشی می‌توان گفت که انگیزه اجتنابی در فداکاری در پی کاهش خشم، تعارض، اختلاف و دوری از پیامدهای منفی می‌باشد. این انگیزه شاید در کوتاه‌مدت مانع از فروپاشی رابطه و بروز اختلاف و تعارض شود، اما در طولانی‌مدت به علت ایجاد عواطف منفی در فرد و به دنبال آن کاهش تمایل فرد به برقراری رابطه با همسر خود، تأثیرات منفی آن آشکار خواهد شد. به عبارت دیگر انگیزه اجتنابی فداکاری بر کیفیت رابطه زناشویی و ثبات آن تأثیرات منفی داشته و رضایت، صمیمیت و کیفیت ارتباط را به مرور زمان کاهش می‌دهد. نتایج این پژوهش با بررسی ایمپت و همکاران (۲۰۱۲) که دریافتند انگیزه اجتنابی کیفیت رابطه را کاهش داده و برای همسران زیان‌آور است هماهنگ نمی‌باشد. بنابراین افرادی که با انگیزه‌های اجتنابی فداکاری می‌کنند خشم و تعارض بیشتری را در روابط با همسرانشان تجربه می‌کنند. پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که انجام فداکاری از روی انگیزه‌های اجتنابی فرد را دچار احساس ناراحتی، رنجش و زیان می‌کند، و بر طبق نظریه‌ی وابستگی متقابل نیز می‌توان چنین توضیح داد که انجام فداکاری از روی انگیزه‌های اجتنابی به معنی آن است که فرد از روی اجبار از انجام توالی رفتاری دلخواه خود صرف‌نظر کرده و متحمل هزینه می‌گردد. بدیهی است که چنین وضعیتی تأثیری نامطلوب بر احساسی می‌گذارد که فرد نسبت به زندگی زناشویی‌اش دارد و موجب کاهش رضایت او از رابطه‌اش می‌گردد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که هم برای مردان و هم برای زنان بین رفتارهای فداکارانه با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد، پژوهش‌های زیادی به بررسی نقش رفتارهای فداکارانه در رضایت زناشویی پرداخته‌اند؛ نتایج برخی از این پژوهش‌ها نشانگر رابطه مثبت (مانند: سلطان‌زاده اهوازی، ۱۳۹۱؛ محملو و همکاران، ۱۳۹۵؛ دهقان‌پور، ۱۳۹۵؛ خجسته‌مهر و همکاران، ۲۰۱۷) بین رفتارهای فداکارانه و رضایت زناشویی است. هم‌سو با نتایج این پژوهش موید رابطه مثبت بین این متغیرهاست. برخی پژوهش‌ها به رابطه منفی (توتنهاگن و کوران، ۲۰۱۱؛ توتنهاگن و همکاران، ۲۰۱۳) دست یافتند و برخی پژوهش‌ها هیچ ارتباطی بین آنها مشاهده نکردند (رایجت و همکاران، ۲۰۱۷). بررسی یونگ و کوران (۲۰۱۶) در یک نمونه ۲۰۰ نفری از مردان و زنان هم‌خانه در مورد فداکارهای صمیمانه و رضایت ارتباطی نشان داد فراوانی فداکاری صمیمانه با رضایت از رابطه رابطه‌ی منفی دارد و قدردانی بیشتر همسر از فداکاری فرد با رضایت ارتباطی بیشتری همراه است. بر اساس نظریه وابستگی متقابل (فیگرس، ۲۰۰۸) و باتوجه به ماهیت تعاملی زندگی زناشویی، موقعیت‌هایی پیش می‌آید که منافع و نیازهای همسران در تعارض با یکدیگر قرار گیرد. در این مورد فداکاری یکی از طرفین سبب حل تعارض و حفظ و بهبود کیفیت روابط زناشویی شود. همچنین رضایت زناشویی یکی از پیش‌بین‌های رفتارهای فداکارانه است و با فراوانی فداکاری رابطه مثبت معنادار دارد (خجسته‌مهر، ۱۳۹۷). خجسته‌مهر و همکاران (۲۰۱۸) نیز در مطالعه‌ای پدیدارشناختی مشخص کردند عقاید مذهبی از اجزای اصلی تجربه زیسته فداکاری در نمونه ایرانی است. این نتیجه با توجه به نقش سازه‌های فرهنگی و تعالیم تربیتی متفاوت و باتوجه به اهمیت فداکاری و گذشت در آموزه‌های دینی در کشور ایران در مقایسه با سایر جوامع، به ویژه جوامع فردگرای غربی قابل تبیین است؛ بنابراین، باتوجه به اهمیت آموزه‌های دین اسلام در میان مردم ایران، ممکن است عواملی همچون رضای خداوند، اعتقاد به ثواب اخروی و غیره باعث شود افراد دشواری‌های زندگی زناشویی را تحمل کنند و از منافع خود به صورت غیرمشروط و بدون هیچ چشم‌داشتی، به نفع رابطه و همسرشان بگذرند. با بررسی یافته‌های پژوهش می‌توان این چنین نتیجه گرفت که رضایت زناشویی افراد به تفکیک جنسیت آنها متأثر از متغیرهای انگیزه‌های استقبالی، انگیزه‌های اجتنابی و رفتارهای فداکارانه است. لذا پیشنهاد می‌شود باتوجه به اینکه پژوهش حاضر بر روی یک نمونه خاص (مرد و زن) و در جامعه‌ای خاص (شهر اهواز) انجام گرفته است پژوهش، بروی گروه‌ها و جامعه‌های دیگر تکرار شود. پیشنهاد دیگر این است در قالب تحقیق آزمایشی، رفتارهای رابطه یار از جمله رفتارهای فداکارانه به زوجین آموزش داده شود تا تأثیرات آن بر ثبات و خوشنودی زندگی زناشویی موردبررسی قرار گیرد. از جمله محدودیت‌های پژوهش این است که ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه بوده و جنبه خودگزارشی دارد و از دیگر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات نظیر مصاحبه استفاده نشده است، بنابراین در استفاده از نتایج آن باید احتیاط کرد.

در انتها از کلیه ی کسانی که مرا در انجام این پژوهش به هر نحوی همراهی کردند نهایت تشکر را دارم. لازم به ذکر است که این مقاله از پایان‌نامه‌ی آقای توفیق البوغیبش دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی مشاوره‌ی خانواده دانشگاه شهید چمران اهواز استخراج شده است و هیچ ارگان یا سازمان خاصی از آن حمایت مادی و معنوی نکرده است.

منابع

۱. آقائی، زینب (۱۳۹۶). رابطه‌ی رفتارها و انگیزه‌های فداکاری باکیفیت زناشویی: یک پژوهش فرا تحلیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۲. جمشیدی، م؛ نوری پور لیلولی، ر؛ جان‌بزرگی، م و فردین، م. (۱۳۹۴). اثربخشی توانمندسازی کارکردی زوجین مبتنی بر رویکرد اسلامی بر رضایت‌مندی زناشویی زنان. فصلنامه‌ی فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده. ۱۰(۳۱)، ۷-۳۵.
۳. خجسته‌مهر، ر. (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه‌ی زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در شهر اهواز. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۴. خجسته‌مهر، ر؛ محمدی، ر؛ سودانی، م؛ عباس‌پور، ذ. (۱۳۹۷). تجربه زیسته فداکاری در ازدواج‌های پایدار: یک مطالعه پدیدارشناسی توصیفی روان‌شناسانه، در حال چاپ.
۵. خجسته‌مهر، رضا؛ دهقان‌پور، ثنا؛ عباس‌پور، ذبیح‌اله (۱۳۹۷). رابطه تعهد، ادراک انصاف و رضایت زناشویی با فداکاری در زنان متأهل شهر اهواز، در حال چاپ.
۶. دهقان‌پور، ثنا (۱۳۹۵). رابطه تعهد، ادراک انصاف و رضایت زناشویی با فداکاری در زنان متأهل شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۷. روشن‌روان، ن. (۱۳۹۵). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس‌های دیدگاه‌فهمی خود (SDPT) و دیدگاه‌فهمی همسر (ODPT) و رابطه آن با رضامندی زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۸. سلطان‌زاده، س. (۱۳۹۱). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای فداکاری در ازدواج در والدین دانش‌آموزان مدارس دخترانه مقطع راهنمایی شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۹. صادقی، م؛ فاتحی‌زاده، م؛ احمدی، ا؛ بهرامی، ف و اعتمادی، ع. (۱۳۹۴). تدوین مدل خانواده سالم براساس دیدگاه متخصصان خانواده (یک پژوهش کیفی). فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده ۵(۱۶)، ۱۷۰-۱۴۲.
۱۰. کاوند، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه رفتارهای فداکارانه، انگیزه‌های فداکاری و ادراک انصاف با صمیمیت زناشویی در والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر بروجرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۱. کوچکی، رحیم (۱۳۹۱). بررسی مدل پیشنهادی اثر سبک‌های دلبستگی بر کیفیت زناشویی با میانجی‌گری اسنادهای ارتباطی و راهبردهای حل تعارض غیرسازنده در والدین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر همدان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم-تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۲. محمدلو، هادی؛ کارگربرزی، حمید؛ خانبانی، مهدی و امینی یگانه، پروین (۱۳۹۴). رابطه بین ادراک رفتارهای فداکارانه همسر با عملکرد خانواده و رضایت زناشویی در پرستاران سالمند بازنشسته شهر تهران. نشریه سالمندشناسی ۱(۲)، ۴۵-۵۳.
13. Edalati, A., & Redzuan, M. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science*, 6(4), 132-137.

14. Figuerres, K.Sh. (2008). Sacrifice in marriage: Motives, behaviors, and outcomes. Brigham young university.
15. Harper, J. M., & figuerres ,K. S. (2008). Perception of sacrifice scale. Unpublished measure. Brigham young university, Provo, Ut.
16. Hendrick, S. S., Dicke, A., & Hendrick, C. (1998). the relationship attachment scale. *Journal of Social and personal Relationships*, 15(1), 137-142.
17. Impett, E. A., Kogan, A., English, T., John, O., Oveis, C., Gordon, A. M., & Keltner, D. (2012). Suppression sours sacrifice emotional and relation costs of suppressing in romantic relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 38(6), 707-720.
18. Impett ,E. A., & Gordon, A. M. (2010). Why do people sacrifice to approach rewards versus to avoid costs? Insights from attachment theory. *Personal Relationship* 1۷,(2), 299-315.
19. Impett, E. A., Gere, J., kogan, A., Gordon, A. M., & Keltner, D. (2014). how sacrifice impacts the giver and the recipient: Insights from approach-avoidance motivational theory. *Journal of personality*, 82(5), 390-401.
20. Impett, E. A., Gable, S. L. ,& Peplau, L. A. (2005). Giving up and giving in: the costs and benefits of daily sacrifice in intimate relationships. *Journal of personality and social psychology*, 89 (3), 327.
21. Impett, E. A., Javam, L., Le, B. M., ASYABI-ESHGHI, B. E. H. Z. A. D., & Kogan, A. (2013). The joys of genuine giving: Approach and avoidance sacrifice motivation and authenticity. *Personal Relationships*, 20(4), 740-754.
22. Impett, E. A., Le, B. M., Kogan, A., Oveis, C., & Keltner, D. (2014). When you think your partner is holding back: The costs of perceived partner suppression during relationship sacrifice. *Social Psychological and Personality Science*, 5(5), 542-549.
23. Impett, E.A., & Gordon, A. M. (2008). For the good of others: Toward a positive psychology of sacrifice.
24. Khojasteh Mehr, R., Kavand, M., Soudani, M. (2017). The Interaction Between Sacrificing Behaviors and Equity Perception: How Does It Contribute to Marital Intimacy. *International Journal of Psychology*. 11(2) 175-197.
25. Khojasteh Mehr, R., Mohammadi, R., Soudani, M., & Abbaspour, Z. (2018). [The lived experience of sacrifice in enduring marriages: A descriptive phenomenological psychological study (Persian)]. *Journal of Counseling Research*, 17(65), 150-87.
26. Mattingly, B. A., (2008). The effects of sacrifice types and motives on romantic relationship quality. *The new school psychology bulletin*, 5(2), 27-30.
27. Mattingly, B. A. (2007). The effects of sacrifice types and motives on romantic relationship quality. *The New School Psychology Bulletin*, 5(2), 27-30.
28. Parker, R., & Patten, R. (2009). Strengthening and repairing relationship: Addressing forgiveness and sacrifice in couples education and counseling. *Australian family relationships clearing house*.
29. Righetti, F., & Impett, E. (2017). Sacrifice in close relationships: Motives, emotions, and relationship outcomes. *Social and Personality Psychology Compass*, 11(10).
30. Rios, C. M. (2010). The relationship between premarital advice, Expectations and Marital satisfaction. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirement for the degree of science in marriage and family therapy, Utah state university.
31. Spanier, G. B. (1989, 2001). *Dyadic Adjustment Scale (DAS)*. North Tonawanda, NY: Multi-Health Systems, Inc.
32. Totenhagen, C. J., & Curran, M. A. (2011). Daily hassles, sacrifices, and relationship quality for pregnant cohabiters. *Family Science*, 2(1), 68-72.
33. Totenhagen, C. J., Curran, M. A., Serido, J., & Butler, E. A. (2013). Good days, bad days: Do sacrifices improve relationship quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30(7), 881-900.
34. Van Lange, p. A., Rusbult, C. E., Drigotas, S. M., Arriaga, X. B., Witcher, B. S., & Cox, C. L. (1997). Willingness to sacrifice in close relationships. *Journal of personality and social psychology*, 72(6), 1373.
35. Young, V. J., & Curran, M. A. (2016). Intimacy Behaviors and Relationship Satisfaction for Cohabiters: Intimate Sacrifices Are Not Always Beneficial. *The Journal of psychology*, 150(6), 779-792.

The prediction of marital satisfaction of men and women based on variables of approach motives, avoidance motives of sacrifice and sacrificing behaviors

Tawfiq al-Bughbish^{1*}, Reza Khojasteh Mehr², Zabihullah Abbaspour³

1- Master of Family Counseling - Shahid Chamran University of Ahvaz (corresponding author)

tofigh.zizo70@gmail.com

2- Assistant Professor, Counseling Department, Shahid Chamran University, Ahvaz

khojastehmehr@yahoo.com

3- Assistant Professor, Counseling Department, Shahid Chamran University, Ahvaz

Z.abbaspour@gmail.com

Abstract

Marital satisfaction is one of the factors that result in satisfaction and happiness in life. Identifying variables that affect marital satisfaction is very helpful and necessary to maintain a marriage. Studies show that sacrificing motivation and behaviors can affect marital satisfaction. The purpose of this study was to predict the marital satisfaction of men and women based on the variables of approach motives, avoidance motives of sacrifice and sacrificing behaviors of Ahvaz women and men. In order to achieve this goal, 300 couples were selected using the available non-random sampling method. The questionnaires included perception of sacrifice measure (PSM), Decent sacrificing motives (SM), and Relationship Scale (RAS) Completed. The design of this research was descriptive and correlational. In this research, the researcher seeks to study simple and step-by-step relationships between predictor variables with criterion variables. The results showed that in the male sample, among the predictor variables, the variables of sacrificing behaviors and avoidance motives of sacrifice can to predict marital satisfaction, and also in the female sample, among the predictor variables, the variables of sacrificing behaviors, and the approaches motives can to predict marital satisfaction. Based on the findings of this study, it can be concluded that a group of variables in men such as sacrificing behaviors and avoidance motives of sacrifice have a more decisive role in predicting marital satisfaction, and also in women, a range of variables such as sacrificing behaviors and approaches motives has a more decisive and important role in predicting marital satisfaction. Identifying and working on these variables will have an important role in marital satisfaction and family relationships.

Keywords: Marital Satisfaction, approach Motives, avoidance motives of sacrifice, sacrificing behaviors

طرحواره‌های جنسی و بهزیستی روان‌شناختی در زنان متأهل: بررسی نقش واسطه‌ای کارکرد جنسی

رضا چالمه^{۱*}، فاطمه عبدالهی^۲

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسئول)

reza_chalmeh@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، موسسه آموزش عالی فاطمیه شیراز

abdolahi.fatemeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: [۹۸/۱/۲۴]

تاریخ پذیرش: [۹۸/۹/۲۳]

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش واسطه‌ای کارکرد جنسی در رابطه بین طرحواره‌های جنسی با بهزیستی روان‌شناختی در زنان متأهل انجام شد. روش پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی بود که با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری شامل زنان متأهل شهر شیراز بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۵۰ نفر انتخاب گردید. ابزارهای سنجش شامل پرسش‌نامه‌های شاخص عملکرد جنسی زنان (روزن و همکاران، ۲۰۰۰)، طرحواره جنسی (آندرسون و سیروانوسکی، ۱۹۹۴) و بهزیستی روان‌شناختی (ریف، ۱۹۹۵) بود. داده‌های جمع‌آوری شده در دو سطح توصیفی (با استفاده از میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (با استفاده از ضریب همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار amos-21) مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که طرحواره‌های پرشور-عاشقانه و صریح-راحت رابطه مثبت و معنی‌دار و طرحواره خجالتی-محتاط رابطه منفی و معنی‌دار با بهزیستی روان‌شناختی در زنان متأهل داشتند. همچنین کارکرد جنسی نیز پیش‌بین مثبت و معنی‌دار بهزیستی روان‌شناختی بود. علاوه بر این نتایج بیانگر این بود که کارکرد جنسی توانست بین طرحواره پرشور-عاشقانه با بهزیستی روان‌شناختی نقش واسطه‌ای ایفا کند. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که طرحواره‌های جنسی هم به‌طور مستقیم و هم با واسطه عملکرد جنسی می‌توانند بر بهزیستی روان‌شناختی زنان متأهل تأثیرگذار باشند.

واژگان کلیدی: طرحواره‌های جنسی، بهزیستی روان‌شناختی، کارکرد جنسی، زنان متأهل.

مقدمه

زنان رکن اصلی خانواده را در جامعه تشکیل می‌دهند و سلامت جسم و روان آنها بر سلامت جسم و روان خانواده و تربیت فرزندان اثر مستقیم و مهمی دارد. سازمان بهداشت جهانی^۱، سلامت زنان را از شاخص‌های رشد یافتگی کشورها معرفی کرده است (سازمان

1. World Health Organization

بهداشت جهانی، ۲۰۱۴). بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۴)، سلامت دارای ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی است و تغییر در هر یک از این ابعاد موجب تاثیر بر سایر جنبه‌های زندگی می‌شود. یکی از جنبه‌های مهم مفهوم سلامت، بهزیستی روان-شناختی^۱ است. احساس بهزیستی به‌عنوان احساسی مثبت و توأم با رضایت‌مندی عمومی اشاره دارد (چاو^۲، ۲۰۰۷). بر این اساس، سلامت روانی معادل کارکرد مثبت روان‌شناختی است. در این دیدگاه داشتن بیماری برای احساس سلامت کافی نیست، بلکه داشتن احساس رضایت از زندگی، کارآمدی، پیشرفت، تعامل کارآمد و مؤثر با جهان و رابطه مطلوب با اجتماع از ویژگی‌های انسان سالم است (سین و لیوبومیرسکی^۳، ۲۰۰۹). الگوهای متعددی برای مفهوم‌پردازی بهزیستی روان‌شناختی تدوین شده است که در این میان الگوی ریف و کیز^۴ (۱۹۹۵) بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. ریف و کیز (۱۹۹۵) بهزیستی روان‌شناختی را تلاش فرد برای تحقق توانایی‌های بالقوه واقعی خود می‌دانند. این مدل از طریق ادغام نظریه‌های مختلف رشد فردی و عملکرد سازگارانه شکل گرفته و گسترش یافته است. بهزیستی روان‌شناختی در مدل ریف از شش مؤلفه پذیرش خود، خودمختاری، داشتن ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی، تسلط بر محیط، رشد شخصی و تشکیل شده است (باکستر و هویت^۵، ۲۰۱۱). وجود ازدواج کارآمد و رضایت بخش می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی را افزایش و بهبود بخشد. در یک ازدواج سالم وجود رابطه جنسی مطلوب به نحوی که بتواند موجب تأمین رضایت طرفین شود، نقش بسیار به‌سزایی در موفقیت و پایداری کانون خانواده دارد (موسوی، مهدی‌زادگان و آقایی، ۱۳۹۳). روابط جنسی شکل‌دهنده بخشی از ادراکات مهم زوجین از یکدیگر است که در تداوم ازدواج نقش به‌سزایی دارد.

اختلال در فعالیت جنسی در زنان شایع است و در هر سن، فرهنگ و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بروز می‌کند و به‌طور گسترده بر کیفیت زندگی، اعتماد به نفس و خلق و خو و ارتباط با همسر اثرگذار است (ویتال، پادوالا و گایلنو^۶، ۲۰۱۵). مطالعات مختلفی در ارتباط با شیوع و نوع اختلالات جنسی زنان انجام گرفته است (بوکک، پاچنر و لامر^۷، ۲۰۰۶؛ مولر، رحمان و فالیس^۸، ۲۰۱۶).

عملکرد جنسی^۹ مناسب از عوامل مؤثر موفقیت در ازدواج می‌باشد. انگیزه و میل جنسی همانند سایر انگیزه‌های بنیادین آدمی بخش جدایی‌ناپذیر ماهیت زیستی روانی اجتماعی را تشکیل می‌دهد و کیفیت ارضای این انگیزه نقش بسیار مهمی در سلامت افراد و دست‌یابی به آرامش ایفا می‌کند (کاروبلس، گامزگادیکس و آلمندروز^{۱۰}، ۲۰۱۱). بنابراین عملکرد جنسی موثر می‌تواند بهزیستی روان-شناختی را ارتقا دهد. ویتال و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که بین عملکرد جنسی رضایت‌بخش و بهزیستی روان‌شناختی در زنان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. حاج نصیری، اصلان بیگی، معافی غفاری، مافی و باجلان (۱۳۹۷) نیز نشان دادند که عملکرد جنسی رضایت‌بخش با افزایش سلامت روانی زنان باردار در ارتباط است.

1 .psychological well being

2 . Chow

3 . Sin & Lyubomirsky

4 . Ryff & Keyes

5 . Baxter & Hewitt

6 . Vitale, Padula & Gulino

7 . Bucek, Puchner & Lammer

8 . Mueller, Rehman & Fallis

9 . sexual function

10 . Carrobbles, Gámez Guadix & Almendros

عوامل فیزیولوژیکی، روان‌شناختی و بین فردی در عملکرد بهینه جنسی و بالتبع آن سلامت روانی و بهزیستی روان‌شناختی زنان نقش به‌سزایی دارند. طرحواره‌های جنسی^۱ یکی از عوامل روان‌شناختی است که می‌تواند در نگرش‌های جنسی فرد مؤثر باشند (کارپنتر، آندرسون، فاولر و ماکسول^۲، ۲۰۰۹). براین اساس، طرحواره‌های جنسی به‌عنوان باورهای اساسی و هسته‌ای ابعاد جنسی فرد تعریف شده است که از تجارب گذشته مشتق شده‌اند و در تجربه‌های حال نمود پیدا می‌کنند و در پردازش اطلاعات جنسی افراد تاثیر می‌گذارند و رفتار جنسی را هدایت می‌کنند (میل، فرگاس و کالن^۳، ۲۰۱۶). طرحواره‌های جنسی شامل دو بعد می‌باشند: (۱) بعد مثبت شامل طرحواره‌های پر شور عاشقانه و طرحواره سریع و راحت (۲) بعد منفی طرحواره خجالتی- محتاط (بابایی، ۱۳۹۷).

افراد با طرحواره‌های مثبت، تمایل دارند که در نگرش‌های جنسی راحت باشند و به‌طور کلی از بازداری‌های اجتماعی مانند خودآگاهی یا خجالت رها هستند. این افراد طیف گسترده‌تری از فعالیت جنسی را در طول زندگی جنسی خود گزارش می‌کنند. برای زنان دارای طرحواره جنسی مثبت روابط عاشقانه مرکزیت دارد (بابایی، ۱۳۹۷). زنان دارای طرحواره صریح- راحت، تمایلات و رفتارهای جنسی‌شان را مانند زنان دارای طرحواره پرشور-عاشقانه گزارش می‌کنند، اما این افراد تعهد ضعیف‌تر و پیوندهای کمتر پایایی دارند و ممکن است در روابط جنسی تعهد کمتری داشته باشند (بابایی، ۱۳۹۷).

بر عکس زنانی که طرحواره‌های منفی از تمایلات جنسی دارند خودشان را از نظر عاطفی سرد و غیر عاشقانه می‌پندارند و اذعان دارند که در رفتار جنسی و روابط عاشقانه به شیوه‌ای بازدارنده و محافظه‌کارانه عمل می‌کنند. نگرش‌ها و ارزش‌های منفی در این خصوص دارند و ممکن است خود را به‌عنوان افراد خودآگاه خجالتی یا غیر مطمئن در انواع بافت‌های جنسی و اجتماعی توصیف کنند (رادلاو^۴، ۲۰۰۹).

نتایج مطالعه‌ای که لیندگرن، اسکات، مولینز و بلینی^۵ (۲۰۱۱) انجام دادند نشان داد زنانی که تجربه اولین آمیزش را پشت سر گذاشته‌اند، طرحواره‌های جنسی پرشور عاشقانه و صریح-راحت دارند و زنانی که هیچ‌گاه آمیزش جنسی نداشته‌اند، دارای طرحواره خجالتی - محتاط هستند. مجتبابی، صابری و علیزاده (۱۳۹۳) بیان داشتند که طرحواره‌های جنسی با کارکرد جنسی زنان رابطه معنی داری دارند. همچنین ریسینگ و همکاران (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که طرحواره مثبت کمتر دارند و دیدگاه‌های منفی نسبت به رفتارهای جنسی دارند در شاخص عملکرد جنسی علائم درد را بیشتر گزارش می‌دهند. علاوه بر این معتمدی (۱۳۹۳)، دیوید و همکاران (۲۰۰۷) و اکبری و دهکردی (۱۳۸۹) نیز در پژوهش‌های خود نشان دادند که طرحواره‌های مثبت جنسی با عملکرد رضایت-بخش جنسی در زنان رابطه معنی داری دارند.

در خصوص ارتباط بین طرحواره‌های جنسی و بهزیستی روان‌شناختی پژوهشی‌ها بسیار محدود بوده‌اند. در این راستا دوناگو^۶ (۲۰۰۹) با بررسی رضایت بدنی، طرحواره جنسی و بهزیستی روانی در زنان بالای ۱۸ سال نشان داد که طرحواره‌های جنسی مثبت به‌طور معنی داری با رضایت بدنی و عناصر بهزیستی روانی در ارتباط هستند. اندرسون و اسیران سکی (۲۰۰۹) نیز بیان داشته‌اند که دیدگاه زنان دارای طرحواره‌های منفی، دیگران را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد و روابط جنسی آنها را به‌طور بالقوه آسیب‌پذیر می‌کند. بنابراین

1 . sexual schemas

2 . Carpenter, Andersen, Fowler & Maxwell

3 . Male, Fergus & Cullen

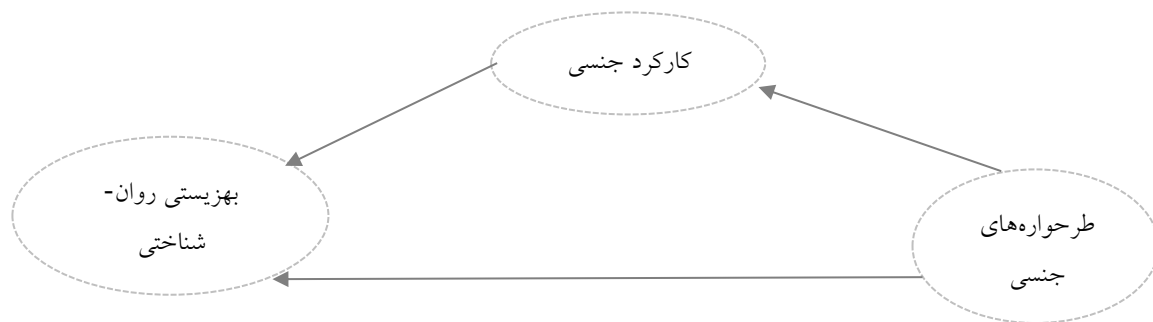
4 . Radlove

5 . Lindgren, Schact, Mullins & Blayney

6 . Donaghue

دیدگاه جنسی ضعیف و منفی می‌تواند یک عامل حساس برای رشد کژکاری‌ها و مشکلات جنسی باشد و در برابر فشارزاهای مربوط آسیب‌پذیرتر باشند.

بهزیستی روان‌شناختی مستلزم درک چالش‌های وجودی زندگی می‌باشد. رویکرد بهزیستی روان‌شناختی رشد و تحول مشاهده شده در برابر چالش‌های وجودی زندگی را بررسی می‌کند و به شدت بر توسعه انسانی تأکید دارد. لذا بدیهی است که شناسایی عوامل تاثیرگذار بر آن سهم به‌سزایی در بهبود وضعیت روانی و اجتماعی زنان در جامعه دارد. علاوه بر این روابط جنسی و نگرش‌های مرتبط با این روابط می‌تواند در سلامت روانی و بهزیستی روان‌شناختی زنان مؤثر باشد. لذا در پژوهش حاضر عوامل جنسی و پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی در قالب مدلی علی مورد بررسی قرار گرفته است. منطبق با مدل مفهومی پژوهش (شکل شماره ۱)، طرحواره‌های جنسی زنان هم به‌طور مستقیم و هم با واسطه کارکرد جنسی بر بهزیستی روان‌شناختی تاثیرگذار است.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی بود که در چارچوب آن، روابط مفروض میان متغیرهای پژوهش، با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بررسی شد. بر این اساس، طرحواره‌های جنسی به‌عنوان متغیر برون‌زاد، کارکرد جنسی به‌عنوان متغیر واسطه‌ای و بهزیستی روان‌شناختی به‌عنوان متغیر درون‌زاد مورد بررسی قرار گرفتند. مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ آمده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را همه زنان متأهل شهر شیراز شامل می‌شوند. به‌منظور انتخاب شرکت‌کنندگان، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. به‌منظور تعیین حجم نمونه، تعداد مسیرها به‌عنوان ملاک در نظر گرفته شد و به ازای هر مسیر، ۱۵ نفر انتخاب شد. در نهایت تعداد ۱۵۰ زن متأهل شرکت‌کنندگان پژوهش را تشکیل دادند. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌های شاخص عملکرد جنسی زنان (روزن و همکاران، ۲۰۰۰)، طرحواره جنسی (آندرسون و سیروانوسکی، ۱۹۹۴) و بهزیستی روان‌شناختی (ریف، ۱۹۹۵) استفاده شد.

پرسش‌نامه شاخص عملکرد جنسی زنان^۱

این پرسش‌نامه که توسط روزن و همکاران (۲۰۰۰) ساخته شده است یک ابزار شش بعدی است که عملکرد جنسی زنان را توسط ۱۹ سؤال در ابعاد تمایلات جنسی یا برانگیختگی جنسی، رطوبت مهبل، ارگاسم، رضایت جنسی و درد مورد بررسی قرار می‌دهد. نمرات در نظر گرفته شده برای هر سؤال بعد میل جنسی ۱ تا ۵ امتیاز و برای ایجاد تحریک یا برانگیختگی جنسی، رطوبت مهبل، ارگاسم، رضایت جنسی و درد صفر تا ۵ امتیاز می‌باشد. کسب نمره بیشتر، مبین کارکرد بهتر جنسی افراد است. در ایران محمدی نیک (۱۳۸۷) پایایی زیرمقیاس‌های تمایلات جنسی، برانگیختگی جنسی، رطوبت مهبل، ارگاسم، رضایت جنسی، درد و کل مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۹۰، ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۷۶، ۰/۸۸ و ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند.

1 . Female Sexual Function Index-FSFI

مقیاس طرحواره جنسی

این پرسش‌نامه به وسیله آندرسون و سیروانوسکی (۱۹۹۴) تهیه شده است. این مقیاس دارای دو فرم جداگانه زنان و مردان است. فرم زنان شامل ۵۰ صفت است که در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه ای از اصلاً تا خیلی زیاد نمره‌گذاری می‌شود. از آنجا که افراد به‌طور آزادانه در مورد مسایل جنسی خود صحبت نمی‌کنند، ۲۴ صفت به‌عنوان ماده‌های پرکننده در این آزمون به‌کار رفته‌اند تا ماهیت اصلی مورد ارزیابی از دید آزمودنی پنهان بماند. این آزمون دارای ۲۶ ماده اصلی و ۳ خرده مقیاس پرشور-عاشقانه، صریح-راحت و خجالتی-محتاط می‌باشد. گویه‌های پوشاننده در نمره‌گذاری محاسبه نمی‌شوند. آندرسون و سیروانوسکی (۱۹۹۴) ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های پرشور-عاشقانه، صریح-راحت، خجالتی-محتاط و کل مقیاس را به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۷، ۰/۶۶ و ۰/۸۲ محاسبه کردند.

مقیاس بهزیستی روان‌شناختی

برای ارزیابی بهزیستی روان‌شناختی از مقیاس بهزیستی روان‌شناختی (فرم کوتاه) که توسط ریف (۱۹۹۵) ساخته شده است، استفاده شد. این مقیاس ۱۸ گویه دارد و براساس یک درجه‌بندی ۷ نمره‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق پاسخ داده می‌شود. ریف و کیزی (۱۹۹۵) مقدار آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۵۲ گزارش کرد. جوشن لو، رستمی و نصرت‌آبادی (۱۳۸۶) روایی، پایایی و ساختار عاملی این ابزار را برای جامعه ایرانی مورد سنجش قرار دادند. همچنین مقدار آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۶۰ محاسبه شد. چالمه (۱۳۹۰) نیز پایایی کل مقیاس را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ به‌دست آورد.

از جمله اصول اخلاقی که در اجرای پژوهش مدنظر قرار گرفت این بود که شرکت در پژوهش آزادانه و به اختیار آزمودنی‌ها بود و هیچ‌گونه اجباری از جانب محقق صورت نگرفت. علاوه‌بر این در خصوص محرمانه بودن اطلاعاتی که آزمودنی‌ها تکمیل کرده بودند اطمینان کافی داده شد.

داده‌های جمع‌آوری شده در دو سطح توصیفی (با استفاده از میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (ضریب همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری) با استفاده از نرم افزارهای spss-21 و amos-21 مورد تحلیل قرار گرفتند. سطح معنی‌داری برای تمام آزمون‌های آماری مقدار $p < 0/05$ بود. قبل از تحلیل مدل ساختاری نرمال بودن توزیع چندمتغیره داده‌ها تحت بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که داده‌ها به‌صورت چندمتغیره دارای توزیع نرمال است. برازندگی الگوی پیشنهادی براساس شاخص مجذور خی، شاخص برازندگی تطبیقی CFI، شاخص نیکویی برازش GFI، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده AGFI و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب RMSEA بررسی شد.

یافته‌ها

پیش از آزمون مدل پژوهش، میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش محاسبه شد (جدول ۱). روابط معنادار بین متغیرهای پژوهش امکان انجام تحلیل مدل را فراهم نمود.

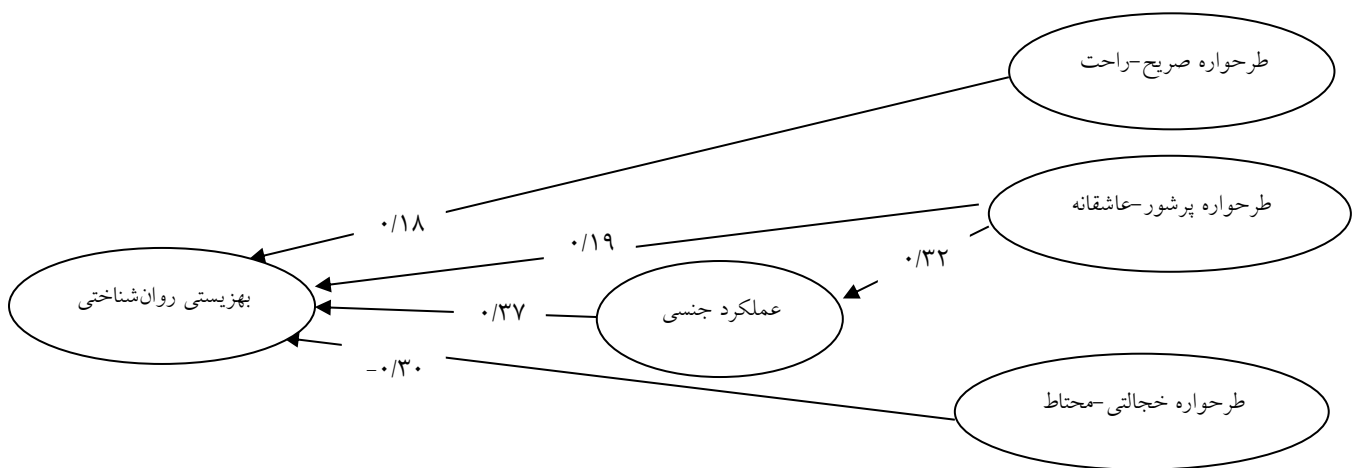
جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵
۱. طرحواره پرشور-عاشقانه	۴۴/۵	۱۰/۱۷	—				
۲. طرحواره صریح-راحت	۳۱/۳۸	۱۰/۰۶	۰/۶۶**	—			
۳. طرحواره خجالتی-محتاط	۲۱/۳۱	۶/۴۹	-۰/۶۳**	-۰/۸۷**	—		
۴. عملکرد جنسی زنان	۷۶/۵۸	۲۲/۷۳	۰/۳۷**	۰/۱۱	-۰/۱۹**	—	
۵. بهزیستی روان‌شناختی	۹۳/۴۱	۹/۸۷	۰/۶۱**	۰/۲۳**	-۰/۶۱**	۰/۵۴**	—

** $p < 0/01$

همان‌طور که در شکل ۲ ملاحظه می‌شود، در مجموع مدل پژوهش حاضر ۴۵ درصد از واریانس بهزیستی روان‌شناختی زنان متأهل را تبیین می‌کند. همچنین این مدل ۱۰ درصد از واریانس کارکرد جنسی زنان را تبیین نموده است.

اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش در جدول ۲ گزارش شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هر سه طرحواره پرشور و عاشقانه ($\beta=0/35, p=0/0001$)، صریح و راحت ($\beta=0/19, p=0/001$) و خجالتی و محتاط ($\beta=-0/30, p=0/0001$) اثر مستقیم و معنی‌داری بر بهزیستی روان‌شناختی داشتند. از بین ابعاد طرحواره‌های جنسی تنها طرحواره صریح و راحت ($\beta=0/32, p=0/0001$) پیش‌بینی کننده مستقیم و معنی‌دار عملکرد جنسی در زنان بود و دو طرحواره پرشور و عاشقانه و خجالتی و محتاط پیش‌بینی کننده معنی‌دار عملکرد جنسی نبودند. عملکرد جنسی نیز بهزیستی روان‌شناختی زنان را به‌طور مستقیم و معنی‌داری پیش‌بینی ($\beta=0/37, p=0/0001$) می‌کرد. در نهایت نتایج آزمون بوت استرپ بیانگر این بود که عملکرد جنسی توانست نقش واسطه‌ای بین طرحواره صریح و راحت و بهزیستی روان‌شناختی ($\beta=-0/05, p=0/03$) زنان ایفا نماید.



شکل ۲- مدل نهایی پژوهش

جدول ۲ ضرایب استاندارد اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	اثر مستقیم	سطح معنی داری	اثر غیرمستقیم	اثر کل
صریح و راحت	عملکرد جنسی زنان	0/000	-----	0/000	0/000
صریح و راحت	بهزیستی روان‌شناختی	0/18	0/0001	0/000	0/18
خجالتی و محتاط	عملکرد جنسی زنان	0/000	-----	0/000	0/000
خجالتی و محتاط	بهزیستی روان‌شناختی	-0/30	0/0001	0/000	-0/30
پرشور و عاشقانه	عملکرد جنسی زنان	0/32	0/0001	0/000	0/32
پرشور و عاشقانه	بهزیستی روان‌شناختی	0/19	0/0001	0/12	0/31
عملکرد جنسی زنان	بهزیستی روان‌شناختی	0/37	0/0001	0/000	0/37

جدول ۳- اثر غیرمستقیم طرحواره جنسی بر بهزیستی روان‌شناختی با میانجی‌گری عملکرد جنسی

اثرات غیر مستقیم			متغیرها				
P	حد بالا	حد پایین	خطا	β	درون‌زاد	میانجی	برون‌زاد
0/03	0/16	0/011	0/021	0/05	بهزیستی روان‌شناختی	عملکرد جنسی	پرشور و عاشقانه

جدول ۴- شاخص‌های برازش مدل نهایی پژوهش

شاخص‌ها	χ^2/df	CFI	IFI	GFI	AGFI	RMSEA
مقادیر	۲/۸۷	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۶	۰/۷۶	۰/۰۱۶

جدول ۴ نشان می‌دهد که شاخص‌های برازندگی برای مدل پیشنهادی پژوهش در دامنه قابل قبولی هستند و مدل نهایی از برازش مناسبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بیان شد هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش میانجی‌گری عملکرد جنسی در رابطه طرحواره جنسی و بهزیستی روان‌شناختی در زنان متأهل بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات بیانگر این بود که طرحواره‌های جنسی مثبت (طرحواره پرشور-عاشقانه و طرحواره صریح-راحت) با بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنی‌دار و طرحواره جنسی منفی (طرحواره خجالتی-محتاط) با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی و معنی‌دار داشت. این نتایج با پژوهش‌های گذشته همسو می‌باشد (دوناگو، ۲۰۰۹؛ اندرسون و اسیران سکی، ۲۰۰۹ و زارعی، طرفداری، پورحسین و حبیبی، ۱۳۹۶). در خصوص این یافته توجه به ویژگی‌های هر یک از طرحواره‌ها می‌تواند راهگشا باشد. زنان با طرحواره مثبت بیشتر بر روابط عاشقانه تمرکز دارند و تمایل آنها برای تجربه روابط جنسی بیشتر است. بنابراین زندگی زناشویی آنها از صمیمیت و گرمی بیشتری برخوردار است. زنانی که از روابط عاشقانه و جنسی لذت بیشتری می‌برند احساس مثبت‌تری نسبت به خود و روابطشان با شریک جنسی‌شان دارند. علاوه بر این زنان در برقراری روابط جنسی احساس تسلط و خودمختاری بیشتری دارند؛ این ویژگی‌ها می‌تواند بر مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی شامل پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط و رشد شخصی تأثیرگذار باشند. اما زنان با طرحواره منفی نسبت به مسایل و روابط جنسی دیدگاه منفی دارند و در مسایل جنسی و حتی اجتماعی خجالتی عمل می‌کنند، اعتماد به نفس کمتری دارند و به نظر دیگران در مورد خود بسیار توجه دارند (آندرسون و اسیران سکی، ۲۰۰۹). بنابراین دور از انتظار نیست که زنان با طرحواره خجالتی محتاط بهزیستی روان‌شناختی پایین‌تری داشته باشند.

همچنین کارکرد جنسی نیز با بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنی‌دار داشت. این یافته نیز با یافته‌های ویتال و همکاران (۲۰۱۷)، ویتال و همکاران (۲۰۱۵)، کارولیس و همکاران (۲۰۱۱) و حاج نصیری و همکاران (۱۳۹۷) همسو بود. همان‌گونه که باچمان، استرن و راموس^۱ (۲۰۰۸) بیان داشته‌اند عملکرد جنسی در زنان تحت تأثیر مؤلفه‌های جسمی، هورمونی و ذهنی می‌باشد. این محققان بیان می‌دارند که عملکرد جنسی رضایت‌بخش می‌تواند پیامدهای روانی اجتماعی برای زنان به دنبال داشته باشد. در تبیین این یافته نیز می‌توان بیان داشت که عملکرد جنسی رضایت‌بخش و مطلوب از آنجایی که باعث افزایش رضایت فرد از خود و رابطه‌اش می‌شود می‌تواند بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیرگذار باشد و باعث بهبود بهزیستی روان‌شناختی زنان شود.

از بین طرحواره‌های جنسی، تنها طرحواره پرشور و عاشقانه با کارکرد جنسی رابطه معنی‌دار داشت و دو طرحواره دیگر با کارکرد جنسی رابطه‌ای نداشتند. این یافته نیز با یافته‌های لیندگرن و همکاران (۲۰۱۱)، دیوید و همکاران (۲۰۰۷)، ریسینگ و همکاران (۲۰۰۳)، معتمدی (۱۳۹۳) و اکبری و دهکردی (۱۳۸۹) همسو بود. در توجیه این یافته نیز باید گفت دیدگاه‌های جنسی مثبت از خود می‌تواند کارکرد جنسی رضایت‌بخشی به همراه داشته باشد و دیدگاه‌های جنسی منفی همراه با تعارض و ضعف می‌تواند پریشانی، مشکلات و اختلالات جنسی به دنبال داشته باشد. زنانی که خود را با صفات پرشور و عاشقانه توصیف می‌کنند، نگرش مثبت‌تری نسبت به مسایل جنسی دارند، قابلیت برانگیختگی، تهییج و رسیدن به ارگاسم را در درجات بالاتری تجربه می‌کنند و در از روابط جنسی لذت بیشتری می‌برند. همچنین این زنان برای تجربه روابط عاشقانه و صمیمی تلاش بیشتری می‌کنند. اما همان‌طور که بیان شد

1 . Bachmann, Stern and Ramos

بین طرحواره صریح و راحت و کارکرد جنسی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. در تبیین این یافته لازم است مسائل فرهنگی را مورد توجه قرار داد. اندرسون و سیرانوسکی (۱۹۹۴) بیان داشتند زنان دارای این طرحواره خود را به‌عنوان یک زن جنسی‌گرا ارزیابی می‌کنند، در روابط جنسی متعددی وارد شده و احتمال شرکت در روابط جنسی غیرمتعهدانه برای این افراد وجود دارد. بنابراین صریح و باز بودن یک زن در روابط جنسی در فرهنگ ایرانی پذیرفته نیست و این موضوع در روند رشد این طرحواره تأثیرگذار است و می‌تواند باعث شود که زنان ایرانی در این طرحواره ضعیف باشند. در خصوص سرحواره خجالتی محتاط هم باید گفت که افرادی که در این طرحواره نمره بیشتری می‌گیرند دارا خزانه فکری و رفتاری منفی‌تر و ضعیف‌تری در مورد مسایل جنسی هستند. حال آنکه در جامعه ایرانی هرچند که زنان قبل از ازدواج روابط جنسی را تجربه نمی‌کنند اما پس از ازدواج دید منفی نسبت به رفتارهای جنسی ندارند.

در نهایت نتایج بیانگر این بود که کارکرد جنسی توانست بین طرحواره پرشور عاشقانه با بهزیستی روان‌شناختی نقش واسطه‌ای ایفا کند. درخصوص نقش واسطه‌ای کارکرد جنسی در رابطه بین طرحواره‌های جنسی و بهزیستی روان‌شناختی تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است و این پژوهش در این راستا پیشگام است. درخصوص این یافته نیز می‌توان این‌گونه بیان کرد که طرحواره پر شور عاشقانه با توجه به اینکه در فرهنگ ما می‌تواند طرحواره مثبت غالب باشد با ایجاد احساس رضایت جنسی در زنان می‌تواند عملکرد جنسی آنها را بهبود بخشد و از این طریق بر بهزیستی روان‌شناختی زنان متأهل اثر مثبت داشته باشد. در خصوص این مطلب که چرا عملکرد جنسی بین طرحواره صریح و راحت با بهزیستی روان‌شناختی نقش واسطه‌ای ایفا نکرد می‌توان بیان داشت که از جمله ویژگی‌های طرحواره صریح و راحت داشتن روابط جنسی متعدد و نوعی بی‌تعهدی در رابطه است (رادلاو، ۲۰۰۹) که این ویژگی در بافت فرهنگی زنان ایرانی اتفاق نمی‌افتد. بنابراین چنین طرحواره‌ای نمی‌تواند با عملکرد جنسی در جامعه ایرانی رابطه داشته باشد. در مورد طرحواره خجالتی نیز باید گفت که این پژوهش در زنان متأهل صورت گرفته است و عمده زنان متأهل در روابط جنسی با همسرانشان احساس خجالت و ناراحتی ندارند و بنابراین این طرحواره نیز نمی‌تواند بر عملکرد جنسی تأثیرگذار باشد.

بر مبنای پژوهش یافته‌های پژوهش حاضر طرحواره‌های جنسی و عملکرد جنسی می‌توانند بر سلامت روانی زنان متأهل تأثیرگذار باشند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد تا در خصوص آموزش مهارت‌های جنسی به زنان متأهل بسته‌ها و محتواهای آموزشی تهیه شود و در قالب کارگاه‌های آموزشی توسط مراکز مشاوره، خانه‌های بهداشت و مراکز بهزیستی این مهارت‌ها ارائه گردد. همچنین به لحاظ نظری این پژوهش توانست بخشی دیگر از عوامل موثر بهزیستی روان‌شناختی زنان متأهل را تبیین کند و از این طریق بر گسترش دانش در این حوزه کمک نماید.

منابع

- ۱- اکبری، علی و دهکردی، مهناز. (۱۳۸۹). رابطه عملکرد جنسی زنان با سازگاری زناشویی، مجله علوم رفتاری، ۴، ۳، ۱۹۹-۲۰۶.
- ۲- بابایی انسیه. (۱۳۹۷). پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان درگیر خشونت خانگی براساس طرحواره‌های جنسی، عملکرد جنسی و رضایت جنسی. روان پرستاری. ۱۶، ۶، ۵-۲۴.
- ۳- حاج نصیری حمیده، اصلان‌بیگی نفیسه، معافی فرنوش، مافی مریم، باجلان زهرا. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط عملکرد جنسی با سلامت روان در زنان باردار. روان پرستاری، ۶ (۲): ۳۳-۴۰.
- ۴- جوشن لو، محسن؛ رستمی، رضا و نصت‌آبادی، مسعود. (۱۳۸۵). بررسی ساختار عاملی مقیاس بهزیستی جامعه، فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، سال سوم، شماره ۹، ۳۵-۵۱.
- ۵- چالمه، رضا. (۱۳۹۰). نقش واسطه‌ای بخشایش در رابطه ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲، ۶، ۱-۱۶.

- ۶- زارعی، جمیله؛ طرفداری، اعظم؛ پورحسین، رضا و حبیبی، مجتبی. (۱۳۹۶). رابطه طرحواره‌های جنسیتی با سلامت جنسی در زنان یائسه، رویش روان‌شناسی، ۶، ۳، ۱۱۱-۱۲۵.
- ۷- مجتبیایی مینا، صابری هاید، علیزاده عزیزه. (۱۳۹۳). کارکرد جنسی زنان: نقش طرحواره‌های جنسی و تصویر بدنی. روان‌شناسی سلامت، ۳، ۱، ۵۲-۶۰.
- ۸- معتمدی، هانیه (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌گری طرحواره‌های جنسی در رابطه آگاهی جنسی با عملکرد جنسی زنان و مردان متأهل دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- ۹- موسوی، سمیه؛ مهدی‌زادگان، ایران و آقایی، اصغر. (۱۳۹۳). رابطه رضایت زناشویی و شکایات روان‌تنی با بهزیستی روان‌شناختی دبیران زن دوره متوسطه شهرستان شهرکرد. دوره ۷، شماره ۱۴۵، ۲۳-۱۶۰.
- 10- Andersen, B. & Cyranowski, J. M. (1994). "Women sexual –self schema". *Journal of Personality and Social Psychology*. 67(6). 1079 -1100.
- 11- Andersen, B. & Cyranowski, J. M. (2009). "Women sexuality: behaviors, responses and individual difference". *NIH public access*, 63 (6): 891-906.
- 12- Bachmann, G, Stern, L, and Ramos, J. (2008). *Female Sexual Function*, This chapter of book: *libr. women's med.* (ISSN: 1756-2228).
- 13- Baxter, J. & Hewitt, B. (2011), *Relationship transitions and subjective wellbeing: A longitudinal analysis*, 10th Anniversary Research Conference. University of Melbourne.
- 14- Bucek, R.A., Puchner, S., Lammer, J. (2006). Mid- and long-term quality-of-life assessment in patients undergoing uterine fibroid embolization. *AJR Am Journal Roentgenol*, 186, 877-82.
- 15- Carpenter, K., Andersen, B., Fowler, J., & Maxwell, L. (2009). Sexual self schema as a moderator of sexual and psychological outcomes for gynecological cancer survivors. *Archives of Sexual Behavior*, 38, 929-841.
- 16- Carrobes, J. A., Gámez Guadix, M., & Almendros, C. (2011). Sexual Functioning, Sexual Satisfaction, and Subjective and Psychological Well-being in Spanish Women. *Anales De Psicología / Annals of Psychology*, 27(1), 27-34.
- 17- Chow, H.P.H. (2007). Psychological well-being and scholastic achievement among university students in a Canadian Prairie City. *Social Psychoogical Education*, 10, 483- 493.
- 18- David, V., Megan, M., Ronald, W.W., Carolyn, E., Joann, S. (2007). Sex differences in the use of demand and withdraw behavior in marriage: Examining the Social structure hypothesis. *Journal of counseling psychology*, vol54(2), Apr2007, 165-177. Doi: 10-1037/0022-0167. 54. 2. 165.
- 19- Donaghue, N. (2009). Body satisfaction, sexual self-schemas and subjective well-being in women. *Body Image*. 6(1):37-42.
- 20- Lindgren, K. P., Schact, R. L., Mullins, P. M. & Blayney J. A. (2011). "Cognitive representation of sexual self-differ as a function of gender and sexual debut". *Arch Sex Beahav*. 40:111-120.
- 21- Male DA., Fergus KD, Cullen K. Sexual identity after breast cancer. *Current Opinion in Supportive and Palliative Care*. 2016;10:66-74.
- 22- Mueller, K., Rehman, U.S., Fallis, E.E. (2016). An interpersonal investigation of sexual self-schemas. *Archives of Sexual Behavior*. 45(2):281-290.
- 23- Radlove, S. (2009). Sexual response and gender roles. In ER. Allgeier & McCormick (Eds). *Changing boundaries, Gender roles & sexual behavior*, 292.
- 24- Rosen R1, Brown C, Heiman J, Leiblum S, Meston C, Shabsigh R, Ferguson D, D'Agostino R Jr. (2000). The Female Sexual Function Index (FSFI): a multidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. *J Sex Marital Ther*. 2000 Apr-Jun;26(2):191-208.
- 25- Reissing, Elke D., Lalibrete, Genevieve M., Davis, Hannah J. (2005). Young women's sexual adjustment: The role of sexual self- schema, sexual self- efficacy, sexual aversion and body attitudes. *The Canadian journal of human sexuality*, 14 (3/4): 77-85.
- 26- Ryff, C. D., & Keyes, C.L. (1995), The structure of psychological well- being revisited, *Journal of Personality and Social Psychology*, 69(4), 719 – 727.
- 27- Sin, N. L., & Lyubomirsky, S. (2009), Enhancing well-being and alleviating depressive symptoms with positive psychology interventions: A practice-friendly meta-analysis, *Journal of Clinical Psychology*, 65(5), 467-487.
- 28- Vitale, S., Padula, F., Gulino, F.A. (2015). Management of uterine fibroids in pregnancy: recent trends. *Curr Opin Obstet Gynecol*, 27, 432-7.
- 29- Vitale, S., Rosa, V., Rossetti, D., and Lagana, A. (2017). Sexual function and psychological well-being after uterine artery embolization, *Italian Journal of Gynaecology and Obstetrics*, 29, 2, 7-9.
- 30- World health organization (2014). Gender and reproductive rights, glossary, sexual health. Retrieved September 15, 2015, from www.who.int

Sexual schemas and psychological well-being in married women: Investigating the mediating role of sexual function

Reza Chalmeh¹, Fatemeh Abdolahi²

1. PhD Student in Educational Psychology, Shiraz University (Corresponding Author)
reza_chalmeh@yahoo.com
2. Master student of General Psychology, Fatemeh Higher Education Institute, Shiraz
abdolahi.fatemeh@yahoo.com

Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of sexual function in the relationship between sexual schemas and psychological well-being in married women. The descriptive research method was a constraint type which was performed using structural equation modelling method. The statistical population included married women from Shiraz. Using the available sampling method, 150 people were selected. Assessment tools included women's sexual performance index questionnaires (Rosen et al., 2000), sexual schema (Anderson and Sirvanowski, 1994), and psychological well-being (Reef, 1995). The data collected were analyzed in two descriptive levels (using mean, standard deviation) and inferential (using correlation coefficient and structural equation modelling with amos-21 software). The results showed that passionate-romantic and explicit-comfortable schemas had a positive and significant relationship and shy-cautious schemas had a negative and significant relationship with psychological well-being in married women. Sexual function was also a positive and significant predictor of psychological well-being. In addition, the results indicated that sexual function was able to mediate between passionate and romantic schemas and psychological well-being. Based on the research findings, it can be concluded that sexual schemas both directly and through sexual function can affect the psychological well-being of married women.

Keywords: sexual schemas, psychological well-being, sexual function, married women.

Contents

Psychometric Adequacy of Persian Version of Women Sexual Schema	7
Jaleh Refahi, Nasir Dastan, Maryam Behnam	
The Role of Islamic Life Adherence, Marital Intimacy, and Attitude toward Infidelity in Predicting Marital Commitment	21
Nezamaddin Ghasemi, Mohammad Hossein Zarei, Maedeh Ayaty ,Behnaz Ertezaie	
Presenting a conceptual model of sexual chastity based on the verses of the Holy Quran (qualitative research)	33
Mohammad Saeed Karami	
Predicting Marriage Satisfaction Based on adverse Childhood Experiences, Attachment Behaviors, Exchange Patterns, and Perceptions of Parental Marriage in Couples	51
Ahmad Reza Kiani, Mahmood Mohammadi Razi	
The prediction of marital satisfaction of men and women based on variables of approach motives, avoidance motives of sacrifice and sacrificing behaviors	63
Tawfiq al-Bughbush, Reza Khojasteh Mehr, Zabihullah Abbaspour	
Sexual schemas and psychological well-being in married women: Investigating the mediating role of sexual function	75
Reza Chalmeh, Fatemeh Abdolahi	

Guide for authors

Authors are requested to follow the instructions below in the submitted manuscripts. It must be noticed that Women Interdisciplinary Researches journal is officially a Persian journal and manuscripts must be provided in Farsi.

Manuscripts to be submitted in Women Interdisciplinary Researches journal include the research papers expressing the authors investigations in Background of the magazine.

Submission of an article implies that the work described has not been published previously (except in the form of an abstract or as part of a published lecture or academic thesis or as an electronic preprint or is not under review by another journal. Authors are responsible for the points which are mentioned through the text and the journal has the official right for accepting or rejecting the manuscripts.

Manuscripts to be published in this journal are of two types:

A: Original research papers (preferably with minimum and maximum of 2500 and 3500 words, respectively)
Short communications (preferably with minimum and maximum of 2500 and 3500 words, respectively)

Note 1: Review papers are accepted if written by experienced authors having special publications on the reviewed topics.

Note 2: Translated papers are not considered in review process.

Note 3: Journal format contains single line double column manuscripts written by Narrow B Lotus font (12pt) in Microsoft Word 2007

Ensure that the following items are provided in your manuscript

A: Title, Abstract, Keywords (4 words), all in Farsi

B: Authors Names. They must be introduced by their full name and their affiliation. One author has been designated as the corresponding author with contact details:

E mail address, Full postal address, Telephone and Fax number

Papers extracted from the PhD or MSc dissertations, are published with the names of student, supervisor and advisors. In this case, the supervisor is introduced as corresponding author.

C: Body of the manuscript including introduction, description of the applied or proposed research approach, analysis and discussion, conclusion, acknowledgment and references.

D: Title, Keywords (4 words), Author names and addresses all in English.

English Abstract (maximum of one page and 500 words)

Please check the following notes in the body of your manuscript:

Fundamental expressions and terms must be represented by best phrases in Farsi. Abbreviations are to be referenced in footnotes.

(optional) Figures, graphs and tables must be represented by their referred order. Figures are to be sent individually with the resolution of 300 dpi in black and white format. Title of the figures and tables must be presented in both Farsi and English, at the lines up and bottom of the objects, respectively.

Using grid and border lines are not accepted for tables and graphs.

Under the "Reference" section, referred publications must be sorted by their appearance through the text. The way in which the references are introduced is as below:

A: Inside the text/ Books: Last name, First name of the author(s) (Year), Title, Translator's name, Publication country (city), Publication company, Year of publication, Number of pages.

B: Outside the text/ Papers: Last name, First name of the author(s) (Year), Title, Journal Name, Series (Volume), Year of publication, page numbers.

To submit the paper, an author have to:

A: Register in journal's web page

B: Follow the step by step procedure of uploading the required information

C: Upload the manuscript and related files

D: Obtain the submission code and save it for further use

Editorial office of Journal:

Fatemiye University, Alley No.29, Banafshe Intersection, Esteghlal Blvd, Shiraz.

Phone and Fax: 07132351488, 09127535480

Website: <http://fsh.fatemiye Shiraz.ac.ir/>

Email: FPJOUR@GMAIL.COM

Family and Sexual Health Researches Journal
Vol. 1, No. 1, Winter 2020

Founder and Publisher	Fatemiye University	
Executive Manager	Dr. Kazem KhorramDel	
Editor In Chief	Dr. Osha Barahmand	
Assistant Director	Dr. Saeide Kalantari	
Editorial Board	Dr. Haadi Bahrami	Full Professor, Department of Psychology, University of Tehran
	Dr. Abbas Abolghasemi	Full professor of Guilan University
	Dr. Rahmatullah Marzooqi	Full professor at Shiraz University
	Dr. Najme Maharlouii	Associate Professor Shiraz University of Medical Sciences
	Dr. Osha Barahmand	Associate Professor, Department of Psychology, Fatemiye Institute of Higher Education, Shiraz
	Dr. Rasoul Heshmati	Associate Professor, University of Tabriz
	Dr. Mahbube Alborzi	Associate Professor Shiraz University of Medical Sciences
	Dr. Masoud Fazilatpour	Associate Professor, Department of Psychology, Shiraz University
	Dr. Mahdi Mohamadi	Associate Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Shiraz University
	Dr. Kazem KhorramDel	Assistant Professor, Department of Psychology, Fatemiye Higher Education Institute, Shiraz
	Dr. Mahdi Rabiei	Assistant Professor Baqiyatallah University of Medical Sciences
	Dr. Masoud Sadeghi	Assistant Professor Lorestan University
	Dr. Ahmad Kiani	Assistant Professor Mohaghegh Ardabili University
	Dr. Esmaeel Kalantari	Assistant Professor, Fatemiye Higher Education Institute, Shiraz
	Dr. Mojtaba Masoudi	Assistant Professor Hormozgan University of Medical Sciences
Technical Editor	Dr. Saeide Kalantari	
English Editor	Dr. Ali Derakhtkar	
Executive Expert	Dr. Saeide Kalantari	
Type and Layout	Zahra Asadpour	

Tel & Fax: 071-32351488 09127535480

E-mail: FPJOUR@GMAIL.COM

Website: <http://fsh.fatemireshiraz.ac.ir/>